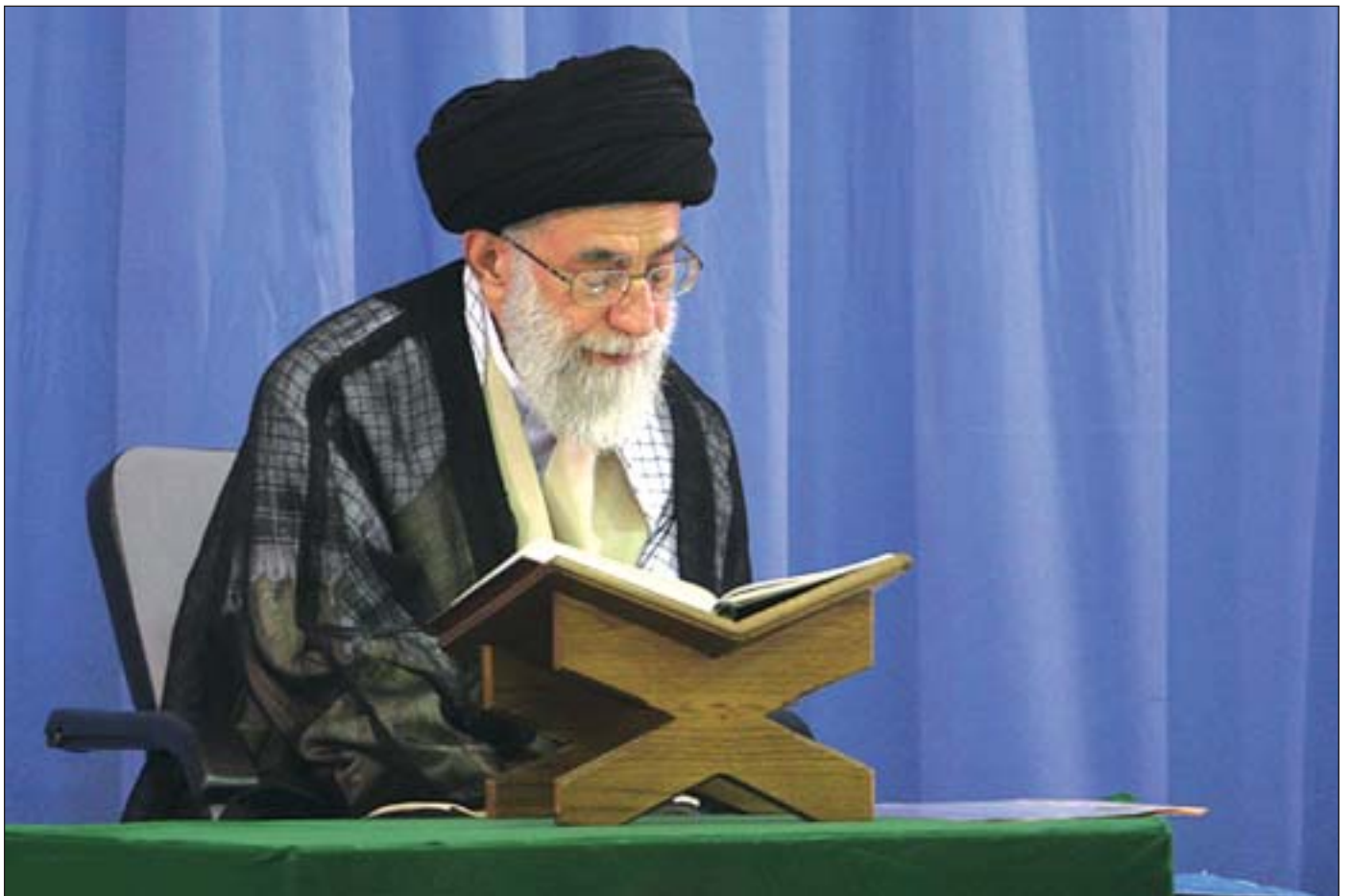


رهبر انقلاب، بزرگترین اهداکننده نسخ خطی

♦ آمار کتاب‌های خطی اهدایی رهبر معظم انقلاب به آستان مقدس حضرت رضا (ع) به بیش از ۹ هزار نسخه رسید
♦ به زودی فهرست این گنجینه در قالب هفت جلد به صورت موضوعی در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت

۲



کتابخانه

شنبه ۲۲ دی ۱۳۸۶
۳ محرم ۱۴۲۹، ۱۲ آذرماه ۲۰۰۸
شماره ۱۱۵، پیاپی ۷۶۶
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدرام پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۵-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

برگزیدگان کتاب سال سینما

باتقدیر از سیدمرتضی آوینی، عباس بهارلو و جمال امید و همچنین اهدای سه دیپلم افتخار و پنج تندیس، اولین جشن کتاب سال سینمای ایران برگزار شد. در این مراسم معاون امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی با بیان این که کتاب در غایت و کمالش، فن هنرمندی دارد، اظهار کرد: تا امروز اگر گزینشی صورت گرفته، صرفاً در عرصه تولیدات هنری بوده و به آنچه که درباره سینما پرداخته و عرضه شده، کمتر پرداخته‌ایم؛ در حالی که سینما حاصل فضای فکری سینماگران است.

ع

با ناشران درباره چگونگی تأثیر جایزه کتاب فصل بر بازار نشر

پیشخوان فصلی کتاب رونق می‌گیرد

باید دید این جایزه در طولانی مدت چه اثری می‌تواند داشته باشد. وی درباره تأثیر این جشنواره می‌گوید: مهمترین اثر این جایزه بر چرخه نشر این است که ممکن است به اقتصاد نشر کمک کند و با اعلام اسامی برندگان آن، عده بیشتری علاقه مند به خریداری و خواندن آثار برگزیده شوند.

محمد اسماعیل جعفری مدیر انتشارات پژواک کیوان و ناشر کتاب دو جلدی «سده‌های گمشده، فروپاشی سانسایان تا برآمدن صفاریان» نوشته پرویز رجبی، معتقد است که این جشنواره بسیار جوان است و شاید اثر آن بر چرخه نشر در حال حاضر قابل مشاهده نباشد. او می‌گوید: قاعدتاً اگر این جشنواره اطلاع‌رسانی صحیح و پیگیری داشته باشد، بر چرخه نشر بی‌تأثیر نیست. بهتر است معیارهای علمی انتخاب چنین آثاری در مقالات و

گفت‌وگوهایی در مطبوعات و صدا و سیما مطرح شود تا اهالی علم و کتاب، پی‌بیرند این آثار دارای چه ویژگی‌هایی بوده‌اند که مورد تایید قرار گرفته‌اند. اگر این اتفاق به طور مستمر بیفتد، مخاطبان پیگیر خرید و خواندن این آثار می‌شوند. چون به طور عام طرح نام یک کتاب توسط یک سازمان رسمی متولی امر کتاب و کتابخوانی، این گرایش را در مردم ایجاد می‌کند که آن را بخوانند. آن وقت است که ناشر به نتایج مطلوبی در چرخه نشر دست پیدا می‌کند.

ع

جشنواره کتاب فصل، جشنواره جوانی است که تنها چند ماه از تولد آن می‌گذرد.

در شماره گذشته با گروهی از برگزیدگان دوره قبل و نامزدهای دوره دوم کتاب فصل درباره این جشنواره به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را در گزارشی خواندید. در این شماره به سراغ برخی از نشرانی رفته‌ایم که کتاب‌هایی از آنها در اولین دوره این جشنواره برنده جایزه کتاب فصل شده بود.

جشنواره کتاب فصل امروز برندگان دومین دوره خود را در رشته‌های مختلف معرفی می‌کند. نویسندگان و مولفان برخی از کتاب‌های منتشر شده در تابستان ۸۶ با جوایزی تشویق می‌شوند و نام‌آنها و تالیفاتشان در سایت‌های خبری و روزنامه‌ها درج خواهد شد. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، تأثیر

این جایزه بر چرخه نشر کشور است و این سوال مطرح می‌شود که با توجه به فواصل کوتاه اعلام نام کتاب‌های برگزیده، جشنواره کتاب فصل چه تأثیراتی می‌تواند بر چرخه نشر بگذارد.

لیلا حسینی‌علی‌خانی مدیر انتشارات آگه که کتاب برگزیده «فرهنگ و مطالعات جوانان» نوشته محمد سعید ذکایی را روانه بازار نشر کرده است، در این باره می‌گوید: شاید برای اظهار نظر درباره تأثیرات این جشنواره بر چرخه نشر کشور خیلی زود باشد.

نگاهی به روند معرفی و نقد کتاب در حوزه وب

دالانی برای برگهای تازه

یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن حرکت از دنیای مکتوب و کاغذی به سمت دنیای مجازی و دیجیتالی و انجام فعالیت‌ها در فضایی غیر از فضای ملموس و محسوس است. بر این اساس و با توجه به سمت و سوی حرکت ارتباطات به چهره به ارتباطات اینترنتی، ما هم در این عرصه قرار گرفته و آرام آرام از فضای دیجیتال برای ورود به مباحث گوناگون از جمله مقولاتی چون معرفی کتاب بهره می‌گیریم.

استفاده از فضای وب اگرچه در جهان مدرن بیش از دو دهه عمر دارد و حرکت در دالان بزرگ شبکه جهانی از مدتها پیش بروز و ظهور یافته است اما ما هم در همین چند سال آنچنان پیش رفته‌ایم که اگرچه از نظر کیفی نمی‌توان شاخص و آماری ارائه کرد اما از نظر کمی یکی از کشورهای صاحب نام در این عرصه به شمار می‌آییم.

ع

WWW.GAJ.IR
Tel: 6419 [100 Lines] SMS: 1000 #25

مجموعه سوالات جامع تیزهوشان پنجم ابتدایی

منتشر کرد

گاج

ناشر کتاب‌ها، آموزش و بازاریابی متفاوت

رهبر انقلاب، بزرگترین اهداکننده نسخ خطی

سیدمحمد رضا فاضل هاشمی با بیان این که حضرت آیت الله خامنه‌ای بزرگ‌ترین واقف کتب خطی در طول تاریخ آستان قدس رضوی هستند، افزود: «با توجه به حسن اعتماد و عنایت رهبر معظم انقلاب، مجموعه اهدایی ایشان در اسرع وقت شناسایی، ثبت و در اختیار محققان و نسخه‌شناسان قرار گرفت و برای تهیه فهرست براساس شیوه‌نامه تدوین شده طی یک برنامه زمان‌بندی اقدام شد که در نتیجه آن به زودی فهرست این گنجینه در قالب هفت جلد به صورت موضوعی در اختیار علاقه‌مندان به آثار خطی قرار خواهد گرفت.»

وی تصریح کرد: «جلد اول و دوم این مجموعه با موضوع فقه و اخبار که هر کدام شامل ۱۲۰۰ نسخه است آماده شده که به زودی برای انتشار آنها اقدام می‌شود.»

فاضل هاشمی به دیگر مجموعه‌های خطی که در سال جاری از طریق وقف، اهدا و خریداری جذب کتابخانه آستان قدس شده است اشاره کرد و افزود: «۸۱۷ نسخه خطی از سوی واقفان و اهداکنندگان نیز از طریق خریداری جذب شده که در این میان، مجموعه‌های نفیس اهدایی دکتر محمود فاضل یزدی و مجموعه‌های اهدایی دکتر فاضلیان چشمگیرترند.»



موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان این مطلب در جمع خبرنگاران افزود: «با اهدای این تعداد کتاب خطی از سوی رهبر معظم انقلاب به این مجموعه طی دو مرحله در سال جاری، آمار کتب خطی اهدایی ایشان به آستان مقدس حضرت (ع) به بیش از ۹ هزار نسخه رسیده است.»

با اهدای ۳ هزار و ۶۰۰ نسخه کتاب خطی توسط رهبر معظم انقلاب در سال جاری، آمار کتب خطی جذب شده به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی از ابتدای سال ۸۶ تاکنون به ۴ هزار و ۵۰۰ نسخه رسید. رئیس اداره مخطوطات سازمان کتابخانه‌ها،

نویسنده مطلب باید بلند نظری همراه با عمق و شجاعت کامل در بیان مطالب داشته باشد؛ یعنی هیچ‌گونه رودربایستی از دانشجو و غیردانشجو نداشته باشد. به عبارت دیگر، وقتی من این مطلب را می‌نویسم، اگر در این مطلب چیزی هست که به دلیلی به فلان خواننده برخواهد خورد، یا پیشداوری او را به هم خواهد زد، آن نباید مثل شرط متأخر، در نوشته من اثر کند. من باید نوشته را واقعی و شجاعانه بنویسم.

مواضع شجاعانه در دنیا هم به درد آدم می‌خورد. ماکسانی را در دوران ده سال گذشته دیدیم که مواضع غیرشجاعانه گرفتند؛ برای این که فلان قشر بدش نیاید، برای این که فلان قشر این توقع را دارد، یا از من این توقع را دارد. آنهاطور خاصی حرف می‌زدند؛ این به ضررشان تمام شد اما بلند نظری نباید فراموش بشود. انسان با بلند نظری و سعه صدر باید حرفش را بزند، اما در همان سعه صدر، شجاعت و صراحت و ایستادگی در مواضع را در نظر داشته باشد.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نویسندگان مجله حوزه ۱۳۷۰/۱۱/۲۸

بدرود با قصه گوی پیر

مدیران فرهنگی کشور، درگذشت حمید عاملی را تسلیت گفتند



خدمت کرد و جز نشان دادن لبخند رضایت بر لبان آنان به چیز دیگری دل بسته نشد، قصه‌های شیرین او در خاطره تاریخی ملت ایران باقی است. در آخرین ملاقاتی که با او داشتم، با وجود کهولت سن و بیماری مشهود، بسیار پر تلاش و با انگیزه نشان می‌داد به طوری که نتوانستم اظهار تعجب خود را از او دریغ کنم. روحش شاد و با اولیاء خدا مانوس باد. برای خانواده ارجمندش صبر و اجر آرزو مندم.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام دیگری درگذشت حمید عاملی را تسلیت گفت. در پیام دکتر محسن پرویز آمده است: «هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق؛ خاموشی صفت شمع نیست و طریق رود، رفتن است تا رسیدن به دریا. فقدان صدای گرم و دلنشین گوینده توانا و هنرمند گرانقدر، حمید عاملی، که عمری در مسیر سبزه‌تعالی ادب و هنر گام برداشت، جامعه فرهنگی را متألّم ساخت. از درگاه ایزد مئان علو درجات را برای آن عزیز و صبر و اجر برای بازماندگان آن مرحوم خواستارم.» علی شجاعی صائین، مدیر عامل خانه کتاب نیز در پیامی درگذشت عاملی را تسلیت گفت. در پیام شجاعی صائین آمده است: «هر ظهر جمعه، قصه‌ای را که هرگز وقت خواندن آن رانداشتی، برایت روایت می‌کرد و روز ملال آور تعطیلات را با صدای گرم خود و روایت قصه‌های شیرین ایرانی به روزی پر نشاط تبدیل می‌کرد.» شجاعی صائین در انتهای این پیام درگذشت حمید عاملی را به جامعه اهل کتاب نیز تسلیت گفته است.

پیکر حمید عاملی پیر قصه‌گوی رادیوی ایران در میان اشک‌های اهالی رادیو، مسئولان فرهنگی و دوستان و شنوندگان صدای او، ۱۷ دی ماه در زیر چتری از برف تشییع شد و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا آرام گرفت.

مرحوم عاملی در خانواده‌ای هنرمند متولد شد و کار هنری خود را از سال ۱۳۳۴ به طور جدی آغاز کرد و در سال ۱۳۳۷ برای نخستین بار در برنامه کار و کارگر به اجرا پرداخت. او در سال ۱۳۴۰ امتحان بازیگری داد و با نمره خوبی قبول شد. مرحوم عاملی در سال ۱۳۵۲ پس از فوت شادروان صبحی، قصه‌گوی برنامه‌های رادیویی شد و در برنامه‌هایی چون قصه ظهر جمعه قصه روایت کرد. او در آخرین فعالیت‌های خود، راوی برنامه یک شب از هزار و یک شب رادیو تهران بود که این اثر با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.

پیام‌های تسلیت

همچنین در پی درگذشت حمید عاملی، رئیس مجلس شورای اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران فرهنگی کشور پیام‌های تسلیت جداگانه‌ای صادر کردند.

هفته گذشته در آغاز جلسه علنی مجلس شورای اسلامی دکتر غلامعلی حداد عادل با ابراز تسلیت به مناسبت درگذشت حمید عاملی، در این باره گفت: ایشان مدتی در بیمارستان بستری بود. در مدتی که با ایشان همکاری بودم از خدمات ارزنده آن مرحوم بهره‌مند بودم و به همین دلیل رحلت ایشان را تسلیت می‌گویم. در عین حال وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز درگذشت حمید عاملی را تسلیت گفت.

در متن پیام محمدحسین صفارهرندی آمده است: از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند به آدمی این است که می‌تواند با خوبی‌ها و پاکی‌ها انس بگیرد و آنها را به بخشی از وجود خود تبدیل کند. حمید عاملی از این نعمت سرشار برخوردار بود و شاید به همین

راه‌اندازی نخستین کتابخانه صوتی هنر و ادبیات

چهار ساز ویولن، سنتور، ویولن سل و فلوت است که به چهار فخر بزرگ تمدن ایران جلال‌الدین رومی، ابونصر فارابی، ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی تقدیم شده است. به گفته اسلامی با برنامه‌ریزی‌های انجام شده در آینده‌ای نزدیک سایر محصولات این کتابخانه نیز در دسترس علاقه‌مندان، اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار خواهد گرفت.

مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از راه‌اندازی نخستین کتابخانه صوتی فرهنگ، هنر و ادبیات توسط وزارت علوم خبر داد. دکتر محسن اسلامی با بیان این خبر گفت: اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم طرح کتابخانه صوتی فرهنگ، هنر و ادبیات ایران را برای دسترسی آسان دانشجویان به منابع فرهنگی از طریق امکانات رایانه‌ای اجرا می‌کند. وی افزود: اولین محصول این کتابخانه، لوح فشرده چهار سخنرانی برای

ملاقات با کتاب فصل در ساعت ۱۶



داوری دومین دوره جایزه کتاب فصل در حوزه های زبان، ادبیات شامل ادبیات زبان های دیگر، تاریخ ادبیات و نقد ادبی، متون قدیم، داستان معاصر و شعر معاصر و همچنین تاریخ به پایان رسید و امروز عصر برگزیدگان این جایزه ادبی از میان نامزدها معرفی می شوند.

آثار راه یافته به مرحله دوم داوری دومین دوره جایزه کتاب فصل که به کتاب های منتشر شده در تابستان ۱۳۸۶ اختصاص دارد، عبارت اند از:

زبان

سرودهای روشنائی ابوالقاسم اسماعیل پور، اوستا برگردان هفت گاتا از گاتاها آبتین ساسانفر، گویش فیروزکوه اصغر اسفندیاری، درآمدی بر گویش شناسی علی اکبر بشیری، فرهنگ جامع زبان و گویش نطنز عباس دهقانان، آشنایی با تاریخ زبان های ایرانی کورش صفوی، فرهنگ واژه سازی در زبان فارسی کامیاب خلیلی.

تاریخ ادبیات و نقد ادبی

مثال ها، کنایه ها و اصطلاحات حسین خدیش (ایرج)، آموزش داستان نویسی روح الله مهدی پور عمرانی، زن و شعر زینب یزدانی، سیر رمانتیسیم در ایران مسعود جعفری، میراث مولوی، شعر و عرفان در اسلام ویلیام چیتیک ترجمه مریم مشرف، واقع گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران فدوی الشکری، طب و مضامین طبی و بازتاب آن در ادب فارسی اکرم گلشنی.

داستان های معاصر

روی میز شورای عالی ترجمه

باتشکیل شورای نظارت بر انتخاب آثار فارسی برای ترجمه به زبان های دیگر، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز ساماندهی ترجمه کار خود را تا پایان سال جاری شروع می کند. رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با بیان مطلب بالا درباره آخرین وضعیت مرکز ساماندهی ترجمه گفت: باید ابتدا ساختار مرکز ساماندهی ترجمه در سازمان فرهنگ و ارتباطات شکل می گرفت که این کار در سازمان انجام شده و همچنین ضرورت دارد شورایی برای نظارت بر انتخاب آثار برای ترجمه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شود با این همه اما این شورا هنوز به طور کامل شکل نگرفته و فقط برخی از اعضای آن انتخاب و معرفی شده اند.

مهدی مصطفوی همچنین افزود: با توجه به حجم کار بسیار زیادی که برای ترجمه و نشر پیش رو داریم، ناگزیریم از تمامی امکانات داخل و حتی خارج از کشور استفاده کنیم؛ از این رو جای نگرانی برای کار مترجمان و مؤلفان نیست. البته طبیعی است که رقابت هم وجود دارد بنابراین سعی داریم در این عرصه از کسانی که توان بیشتری دارند، استفاده کنیم.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، متولی تأسیس مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور است، در پایان اظهار کرد: با توجه به این که اغلب آثار ادبی به ویژه ادبیات معاصر ما با آرمان های نظام و انقلاب اسلامی عجین اند، می توانند در دستور کار ما برای ترجمه قرار گیرند. ضمن این که خیلی از داستان های ارزشمند و خوب ادبیات داستانی معاصر، منتقل کننده ارزش ها و آرمان های نظام اسلامی و تمدن ایرانی، اسلامی هستند و این نوع آثار حتما مورد علاقه مخاطبان خارجی هم هستند.

ویلیام پیرویان.

داستان معاصر

کرشمه لیلی محمد ابراهیمیان، قلعه پرتغالی؛ پسین شوم محمدرضا مرزوقی، از یاد رفتن محمدحسین محمدی، مارها تشنه اند امیر محمد اعتمادی.

شعر معاصر

دستور زبان عشق قیصر امین پور، در یک زمستان عمران صلاحی، وطنم ابراهیم محمد رضا سهرابی نژاد، نه آواز قناری، نه همهمه باد ناصر نصیری.

ادبیات زبان های دیگر

عروس بیوه جویس کرول اوتس، ترجمه رؤیا بشنام، مون پالاس پل استر، ترجمه لیلا نصیری ها.

تاریخ

تاریخ تالش: با نگاهی نو و انتقادی به جغرافیای تاریخی ایران باستان علی عبدلی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ علیرضا ملایی توانی، تاریخ اقوام کوه نشین شمال غرب ایران چارلز برنی و مارشال لانگ، ترجمه هوشنگ صادقی، وحدت سیاسی و تعامل فرهنگ در شاهنشاهی هخامنشی بی بریان، ترجمه ناهید فروغان، شیراز در روزگار حافظ جان لیمرت، ترجمه همایون صنعتی.

مراسم دومین دوره جایزه کتاب فصل، امروز، ساعت ۱۶ در سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، ساختمان شماره ۱۰ برگزار می شود.

فردی: با بررسی چند اثر دیگر نقش می بندد

نقطه پایان بر داوری های هفتمین جشنواره

شهید غنی پور



هفتمین جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی پور ششم اسفندماه برگزار می شود.

امیرحسین فردی، دبیر این جشنواره که در نشست خبری سخن می گفت با اعلام این خبر افزود: غنی پور زمانی که به شهادت رسید، ۲۲ سال بیشتر نداشت و آن موقع به علت جنگ و مشکلات عدیده، بحث نویسندگی در ایران میان جوانان هنوز جایی باز نکرده بود.

فردی تصریح کرد: در چنین فضایی

هر کس در حد توانایی خود به کار فرهنگی و هنری می پرداخت و شهید غنی پور نیز جزو جوانانی بود که از هنر نویسندگی برخوردار بود. شهید غنی پور بسیجی توانمندی بود که در پشت جبهه ها نیز به نویسندگی می پرداخت.

او با بیان این که جایزه ادبی شهید غنی پور از احترام و پاکیزگی بسیاری برخوردار است، گفت: هر سال جشنواره های بسیاری با عناوین مختلف برگزار می شوند، اما نام هیچ شهیدی بر آنها نیست. این جشنواره نیز از ۹ سال پیش آغاز شد، اما به دلایل مشکلات مالی نتوانستیم دو سال جشنواره را برگزار کنیم.

این نویسنده اظهار کرد: تلاش می شود جشنواره ای سالم و بدون شائبه برگزار شود و بهترین و عادلانه ترین داوری نیز در آن انجام شود؛ چرا که ما شهید را ناظر بر اعمال خود می دانیم و طبعاً زمانی که جشنواره ای به نام یک شهید برگزار می شود، به اصول و چارچوب ها وفادار می مانیم.

فردی با بیان این که در این جشنواره به دنبال ادبیات سالم، اصیل و مبتنی بر فرهنگ ملی، دینی و انقلابی هستیم افزود: نباید در این جشنواره آثاری انتخاب شوند که روح شهید آزرده شود و بنابراین اثر ضعیفی انتخاب نمی شود. در عین حال در انتخاب آثار برگزیده سال گذشته به لحاظ قوت و استحکام بسیار سربلند بوده ایم. او اضافه کرد: زمانی که نام یک شهید را به عنوان افتخار ملی بر جشنواره قرار می دهیم، طبیعی است که تنها این موضوع بر عهده ما نیست، بلکه همه جامعه عهددار آن هستند و رسانه ها نیز باید برای عمق بخشیدن و باروری این حرکت تلاش کنند.

دبیر جایزه شهید غنی پور درباره جوایز امسال نیز گفت: سال گذشته به نفر برگزیده پنج سکه اهدا شد اما امسال این میزان دوبرابر و جوایز چشمگیرتر می شود.

او در ادامه گفت: امسال نیز مانند سال گذشته از شخصیت های هنری و فرهنگی در کنار جشنواره تقدیر می شود. او با تأکید بر این که امسال نیز کتاب های برگزیده انتخاب می شوند، گفت: ما اجازه نمی دهیم که زحمت نویسندگان سال ۸۵ نادیده گرفته شود. جشنواره ها نباید کتاب ها را پنهان کنند؛ چرا که در واقع ریشه یابی نقاط قوت و ضعف آثار بر عهده رسانه هاست.

او همچنین عنوان کرد: جشنواره امسال ششم اسفندماه برگزار می شود و تقریباً ۹۰ درصد داوری ها انجام شده و تنها چند اثر برای داوری باقی مانده اند.

دیدگاه

محمود اکرامی فر



کتاب فصل و انباشتگی فرهنگی



ایده کتاب فصل در مسیر ترویج کتابخوانی و کتاب نویسی و به عبارت دیگر در جهت تولید و ترویج اندیشه بسیار سودمند است. وقتی ما کتابی را به عنوان کتاب فصل انتخاب می کنیم، تنها

انتخاب و اعطای جایزه به آن کتاب مطرح نیست، بلکه این جایزه در حکم انتخاب بهترین اندیشه، موضوع و بهترین نوع نگاه به پیرامون و در یک جمله انتخاب خلاقیت است. از این حیث در جشنواره کتاب فصل چند نظرگاه، اندیشه و نوع نگاه را در جامعه انتخاب و با برگزاری کتاب فصل این دیدگاه ها را ترویج می کنیم. به عبارت دیگر ما فرآیندی را دنبال می کنیم که در آن انتخاب دیدگاه و موضوع و تقدیر و ترویج آنها مطرح است که می تواند در فرهنگ سازی و جهت دادن به اندیشه عمومی و تولید دیدگاه های نو و در نهایت انباشتگی فرهنگی کمک کند. از سوی دیگر ما با انتخاب کتاب های فصل و تقدیر از آنها به دیگران پیام می دهیم که اینها کتاب های برترند، این کتاب ها را بخوانید که این حرکت در نهایت موجب جهت دهی به سیر مطالعاتی جامعه می شود.

دیگر مزیت جشنواره کتاب فصل این است که مردم جامعه در ازدحام رسانه ای و تبلیغاتی و نیز ازدحام چاپ و نشر، معمولاً از همه کتاب هایی که چاپ شده اند آگاهی پیدا نمی کنند یا دست کم این که رسانه های مادر جهت معرفی کتاب های منتشر شده به ویژه آثار نویسندگان ناشناس اهتمام کمتری می ورزند و اگر هم چیزی بنویسند غالباً درباره کتاب هایی است که مربوط به نویسندگان مشهور و موضوعات مطرح است. مثلاً معرفی چاپ های چندم کتاب های «دیوان شمس»، «گلستان سعدی» و ... و کمتر به کتاب هایی که در موضوعات روز نگارش یافته اند می پردازند. از این جهت نیز کتاب فصل می تواند موثر باشد و خلأ یاد شده را برطرف سازد. شاید بتوان دیگر مزیت کتاب فصل را افزایش فروش و شمارگان کتاب هایی دانست که در جریان چرخه تولید اندیشه موثرند.

در حوزه کتاب، تفکر نادرستی رایج شده است و آن این است که از چاپ یک کتاب با عبارت «کتابی منتشر شد» یاد می کند، در صورتی که با انتشار هر کتاب یک دیدگاه و فکر در جامعه پخش می شود که در این مسیر نیز کتاب فصل می تواند آنچه را مورد اهمیت مردم است و فکر آنها را به خود مشغول کرده، با قدری تسامح و تساهل معرفی کند.

ادامه در صفحه ۴

انتشارات نور دانش

قابل توجه اهل قلم

مؤلفین و مترجمین

چاپ نوشته های شما در اسرع وقت

با قیمت مناسب

از حرفیچینی تا چاپ

آدرس: خیابان ۱۶ آذر، روبروی درب غربی

دانشگاه تهران پلاک ۲۴

سایت: www.noordaneesh-pub.com

ایمیل: info@noordaneesh-pub.com

تلفن: ۶۶۹۶۳۱۳ فکس: ۶۶۴۱۳۲۰۸



چند نکته

درباره کتاب سال سینمایی



اولین دوره کتاب سال سینمایی بالاخره برگزار شد تا اهالی قلم در این حوزه نیز جایزه دار شوند. لازم به گفتن نیست که نفس برگزاری چنین جشنواره‌ای چقدر مثبت و تاثیرگذار است اما برای این که طرحی در عمل هم نتیجه بخش باشد چندین و چند اتفاق است که باید در دوره‌های آینده به آنها توجه شود.

به گمان من اول از همه باید این جایزه و جایزه‌هایی از این دست برای برگزیدگان بهره‌مالي داشته باشند یعنی تقدیر و تشکر و اهدای لوح تقدیر - که در جای خودش بسیار خوب است - کافی نیست. علت این ماجرا هم چرخه ضعیف مالی برای مولفان کتاب‌های سینمایی است. در حال حاضر بسیاری از ناشران کلاً از انتشار چنین کتاب‌هایی سر باز می‌زنند و گروهی دیگر نیز در شمارگان بسیار کم کتاب چاپ می‌کنند و از رقم پشت جلد درصد محدودی را به مولفان می‌پردازند؛ درصدی که بیشتر به شوخی شبیه است تا حق‌التحریر.

نکته دومی که به گمانم باید به شدت به آن توجه کرد، نوع نگاه سیاستگذاران چنین جایزه‌هایی است. کتاب سال سینمای ایران در یک کلام باید خط فکری داشته باشد. در واقع می‌خواهم بگویم کتاب‌هایی در این جایزه باید برگزیده شوند که به مسائل و نیازهای نظری سینمای ایران توجه و ارتباط داشته باشند. اگر کتابی که اصولاً به کار مخاطب و سینمای ایران نمی‌آید برگزیده شود، این جایزه از آبروی خود برای آن خرج کرده است! نکته آخری که جا دارد در این جایزه به آن توجه شود مفهوم نقد است. متأسفانه سینمای ایران آنچنان که باید و شاید تقدیرپذیر نیست و یکی از رسالت‌های جایزه‌های فرهنگی در سینمای ایران باید توجه به گسترش مفهوم نقد باشد. کاش در دوره‌های آینده به کتاب‌های نقد و یا حتی مقالات انتقادی بیشتر توجه شود.

کتاب فصل و انباشتگی فرهنگی

ادامه از صفحه ۳

علاوه بر آن کتاب فصل می‌تواند ضمن معرفی کتاب‌های خوب و دیدگاه‌های برتر، زمینه و بستر مناسبی برای انتخاب کتاب سال باشد؛ یعنی با انتخاب کتاب‌های فصل عملاً بخشی از نامزدهای کتاب سال انتخاب شوند و یا انتخاب کتاب سال تسهیل شود. در واقع کتاب فصل از ضروریات روز و یکی از نیازها فرهنگی جامعه است که معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب آن را به خوبی دریافته‌اند و به خوبی نیز به آن پرداخته‌اند.

کتاب سال سینما برگزیدگان خود را شناخت



سعدراد دیلم افتخار بعدی راه‌هوشنگ گلمکانی نشده است.

برای تألیف کتاب "تنگنا" اهدا کرد.

اما اولین تندیس جشن کتاب سال سینمای ایران توسط حسین جعفریان به بابک تیرایی برای ترجمه کتاب تصویر کودکان در فیلم‌های هالیوود اهدا شد و محمدعلی سجادی تندیس دوم را به محمد شهبای برای ترجمه کتاب مقدمه‌ای بر هالیوود جدید داد. سیف‌الله داد نیز تندیس سوم را به مهدی پارسا برای ترجمه کتاب آن چه می‌خواستید درباره لاکان بدانید اهدا کرد و جواد طوسی تندیس دیگری را به مازیار اسلامی برای ترجمه کتاب لاکان هیچکاک داد.

آخرین تندیس اولین جشن کتاب سال سینمای ایران نیز توسط رضا میرکریمی و سعید ابوطالب به بهزاد رحیمیان برای تألیف کتاب "زانهمای فیلم" اهدا شد. شایان ذکر است اولین دوره جایزه کتاب سال سینمایی به‌همت‌خانه‌کتاب، معاونت سینمایی وزارت ارشاد و خانه سینما برگزار شد.

در ادامه برنامه پس از پخش قسمت‌هایی از فیلم "مرتضی و ما" ساخته کیومرث پوراحمد، با حضور این کارگردان و محمدرضا جعفری جلوه، از سیدمرتضی آوینی تقدیر و لوح تقدیر جشن به همسر این شهید اهدا شد.

دومین تقدیر از عباس بهارلو (غلام حیدری) صورت گرفت که توسط علی اکبر اشعری رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و اکبر عالمی استاد دانشگاه انجام شد. در بخش آخر تقدیرها هم عزیز ساعتی و محمد بهشتی از جمال امید تجلیل کردند.

پس از خواندن بیانیه هیئت داوران اولین جشن کتاب سال سینمای ایران و پخش تصاویر ۱۱ کتاب نامزد، از رضا کیانیان برای اهدای جایزه اول دعوت شد و دو دیلم افتخار به مجید شیخ انصاری برای کتاب "حرکت سینمایی" و محمد گذرآبادی برای ترجمه کتاب "نما به نما" اهدا شد.

با تقدیر از سیدمرتضی آوینی، عباس بهارلو و جمال امید و همچنین اهدای سه دیلم افتخار و پنج تندیس، اولین جشن کتاب سال سینمای ایران برگزار شد.

در این مراسم که یکشنبه گذشته در سالن اسوه برگزار شد، محمدرضا جعفری جلوه، معاون امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی با بیان این که کتاب در غایت و کمالش، فن هنرمندی دارد، اظهار کرد: تا امروز اگر گزینشی صورت گرفته، صرفاً در عرصه تولیدات هنری بوده و به آن چه که درباره سینما پرداخته و عرضه شده، کمتر پرداخته‌ایم؛ در حالی که سینما حاصل فضای فکری سینماگران است.

رضا میرکریمی، مدیرعامل خانه سینما نیز در سخنانی با بیان این که کتاب در رأس نظام رسانه‌ای قرار دارد و رسانه‌های دیگر مثل سینما و تلویزیون، دنباله‌رو آن هستند گفت: کتاب به عنوان مادر رسانه‌های دیگر، رسانه‌های فرهنگ‌ساز را حمایت می‌کند و سینما برای رشد و توسعه خود نیازمند این پشتیبانی است.

میرکریمی از راه‌اندازی پژوهشکده‌ای در زیرمجموعه خانه سینما نیز خبر داد و گفت: در این راستا جشن کتاب را هم طراحی کردیم و ۱۷ داور، ۴۱ کتاب سینمایی چاپ شده در سال‌های ۸۵ و ۸۶ را بررسی کردند، که در نهایت ۱۱ کتاب به بخش نهایی راه یافت.

در ادامه، علی معلم، عضو شورای برگزاری این جشن که اجرای مراسم را هم برعهده داشت، با بیان این که شاید اگر زودتر این اتفاق می‌افتاد، امروز شاهد اتفاقات بهتری بودیم، گفت: ادبیات سینمایی بعد از انقلاب در ایران رشد بسیاری داشته و ایران در این زمینه جزو ۱۰ کشور اول دنیاست اما این سؤال مطرح است که چرا در سینمای ما این بخش جدی گرفته

تجلیل از بانوی پیشکسوت فرهنگ

نوشتن نیست بلکه پایبندی به ارزشهای انقلاب را مدنظر داریم. در جشنواره امسال از یک بانوی شاعر پیشکسوت هم تقدیر به عمل می‌آید و به وی ۳۰ سکه بهار آزادی تقدیم می‌شود. به هر کدام از برندگان ۶ رشته دیگر هم ۵ سکه اهدا می‌شود. ضمن اینکه همه نسخه‌های اثر برگزیده پارسال هم از ناشرانشان خریداری شده و به عنوان هدیه به مدعوین امسال داده می‌شود.

عضو هیئت داوران جشنواره بانوی فرهنگ در بخش داستان بزرگسال نیز در این نشست خبری گفت: اگر یک اثر شخصیتی از زن ایرانی ارائه دهد که فرضی نبوده، اصول گرا، آرمانی و دارای فرهنگی والا باشد با اهداف جشنواره بانوی فرهنگ همخوانی دارد.

راضیه تجار افزود: متأسفانه در آثار نویسندگان مرد که در جشنواره مورد بررسی قرار گرفت کمتر به چنین ویژگی‌هایی برخوردیم و امیدواریم آقایان به این باور برسند.

شایان ذکر است جشنواره بانوی فرهنگ در ۶ رشته داستان و شعر بزرگسال، داستان و شعر نوجوان، نقد و پژوهش ادبی و زندگی‌نامه داستانی، آثار منتشره در این زمینه‌ها در سال ۸۵ مورد بررسی قرار داده است و فردا ۲۳ دی برگزیدگان خود را با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت معرفی می‌کند. این مراسم از ساعت ۹:۳۰ صبح آغاز می‌شود.

فردا با اعلام برگزیدگان جشنواره

صورت می‌گیرد

مشاور وزیر ارشاد در امور بانوان ضمن انتقاد از رمان "باغ تلو" به عنوان اثری اهانت آمیز به زنان آزاده، تأکید کرد: جایزه بانوی فرهنگ به آثاری که چهره واقعی و ارزشمندی از زنان ارائه داده باشند اعطا می‌شود.

سمیرا اصلان پور مشاور وزیر ارشاد در امور بانوان در نشست خبری جایزه بانوی فرهنگ گفت: اگر اثری محتوایی ضعیف و ساختاری قوی داشته و در واقع با معیارهای ما مغایر باشد نمی‌توانیم بر خلاف اهدافمان به آن جایزه بدهیم. اصلان پور با اشاره به اینکه در همه جشنواره‌های دنیا مثل کن و اسکار هم بر اساس معیارهایی خاص جایزه داده می‌شود، ادامه داد: ما به آثاری که چهره واقعی و ارزشمندی از زنان ارائه داده باشند جایزه می‌دهیم و زن یا مرد بودن نویسنده هم اهمیتی ندارد. متأسفانه به دلیل اینکه همه نگاه‌ها متوجه مردان است به زنان توجه چندانی نمی‌شود. بنابراین لزوم برگزاری این جشنواره و تقدیر از نویسندگان زن احساس می‌شود.

طراح جشنواره بانوی فرهنگ تأکید کرد: نگاه غیرمسئولانه و توقعاتی که بخشهایی از جامعه از زنان دارند باعث شده است تا نویسندگان مرد هم به زنان نگاه درستی نداشته باشند. اگر چه هدف دفتر امور بانوان ایجاد تقابل بین زن و مرد نیست و تنها برای تقویت چهره زن و کل جامعه تلاش می‌کند. وی افزود: منظور ما از متعهد بودن یک اثر تنها در حوزه دین یا دفاع مقدس

تحقیقی در دین یهود
مهندس جلال‌الدین آشتیانی
چاپ چهارم منتشر شد
کتاب ((تحقیقی در دین مسیح)) یزودی منتشر می‌شود
نشر نگارش
۰۹۱۲۶۰۵۶۲۸۲

تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی
جلال‌الدین محمد مولوی
علامه محمد تقی جعفری
The Commentary Criticism & Analysis to The Mathnawi Molawi
By: Allameh M.T.Jafari
آدرس: مقابل دانشگاه تبریز، خیابان طغرل زاری، ترنیمت اسلامی
تیموده به چهارراه نقر، کوچه شهید فاتحی، تبریز
تلفن: ۳۳۱۱۱۱۱ - ۳۳۱۱۱۱۱
تلفن و نمایی: ۳۳۱۱۱۱۱ - ۳۳۱۱۱۱۱

مجموعه کتابهای کاربردی
کلید
آموزش بیش از چهل نرم‌افزار کاربردی بصورت قدم‌به‌قدم مصور و پروژه‌ای
انتشارات کلید آموزش
تلفن: ۶۶۹۵۲۰۷۳
www.Kelid.ir

اهدای کتابخانه استاد دوانی به دانشکده علوم حدیث

تمامی کتب کتابخانه شخصی مرحوم علامه محقق استاد علی دوانی از طرف فرزندان وی به کتابخانه دانشکده علوم حدیث اهداء شد.

این کتب ارزشمند بالغ بر ده هزار جلد، شش هزار و هفتصد عنوان و در حوزه های قرآن، حدیث، رجال و فقه اعم از شیعه و سنی، تاریخ اسلام و تشیع، تاریخ ایران و به خصوص تاریخ معاصر است. قرار است طی مراسمی با حضور آیت الله ری شهری، رئیس دانشکده علوم حدیث، فرزندان مرحوم استاد دوانی، قائم مقام و معاونین دانشکده علوم حدیث و تئتی چند از چهره های علمی و فرهنگی حوزه و دانشگاه از این کتب پرده برداری شود.

مرحوم علامه محقق علی دوانی نوزدهم دی ماه سال گذشته در سن هفتاد و هفت سالگی دارفانی را وداع گفت.

از وی صد و ده اثر در قالب تألیف، ترجمه و تصنیف باقی مانده که از مشهورترین کتب این استاد فقیه می توان به مفاخر اسلام، نهضت روحانیون ایران و مهدی موعود (عج) اشاره کرد.

به گفته فرزندان استاد دوانی، وی اواخر عمر



خویش وصیت می کند که کتابخانه شخصیش با عنوان کتابخانه حضرت امیرالمومنین (ع) به یکی از مراکز علمی و فرهنگی اهداء شود.

۵۷ هزار عنوان کتاب در نمایشگاه اصفهان عرضه شد

نسیم کتاب در ساحل زاینده رود

جنبی این نمایشگاه است.

از ویژگی های این نمایشگاه عرضه کتاب ها با تخفیف ۴۰ درصد به علاقه مندان است.

یکصد و هجدهمین نمایشگاه کتاب استانی تا ۲۶ دی ماه از ساعت ۹ صبح تا ۲۱ شب برای بازدید علاقه مندان به کتاب و کتاب خوانی برپا است.

سومین نمایشگاه کتاب اصفهان با حضور ۵۰۰ ناشر داخلی و عرضه ۵۷ هزار عنوان کتاب در محل نمایشگاه های بین المللی اصفهان آغاز به کار کرد.

این نمایشگاه به همت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، استانداری اصفهان و مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران برگزار شده است.

برگزاری نشست ها و محافل ادبی و فرهنگی، غرفه نمایش کتب لاتین، برپایی غرفه اتحاد ملی و انسجام اسلامی، غرفه ویژه نماز و ایستگاه سرگرمی های کودکان و نوجوانان از بخش های

رقابت ۳۷۲ داستان نویسی

برای جایزه یوسف

تعداد ۳۷۲ اثر از ۹۳۵ اثر رسیده به دبیرخانه دومین جایزه داستان دفاع مقدس (جایزه ادبی یوسف) به مرحله دوم داوری راه یافت.

تعداد آثار رسیده به دبیرخانه این جایزه ۹۳۵ اثر از ۵۵۰ نفر بوده که این تعداد نسبت به سال گذشته از رشد پنج درصدی برخوردار است. در مرحله اول از داوری های این جایزه بلقیس سلیمانی، فیروز زنوزی جلالی، کاوه بهمن، ابراهیم حسن بیگی، مهدی کاموس، جهانگیر خسرو شاهی و خسرو باباخانی حضور داشته اند. این داوران که در دو گروه هشت نفره به بررسی آثار رسیده پرداخته اند، از میان ۹۳۵ اثر رسیده به دبیرخانه جایزه، ۳۷۲ اثر از بهترین داستان های ارسال را برای حضور در مرحله دوم انتخاب کرده اند.

آثار مکتوب ایرانیان خارج از کشور

گردآوری می شود

هموطنان گرامی در داخل و خارج از کشور، نسبت به ارسال اصل یا کپی اثر در قالب حامل های گوناگون (دیجیتال و غیر دیجیتال) به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق نشانی تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور بین الملل اقدام کنند.

صاحبان آثار در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می توانند با تلفن های اداره مذکور و یا پست الکترونیک PRIANLAI.IR ارتباط برقرار کنند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در نظر دارد بر اساس بخشی از وظایف مصوب خود در زمینه گردآوری آثار مکتوب منتشر شده توسط ایرانیان خارج از کشور نسبت به گردآوری آثار مذکور اقدام کند.

کتابخانه ملی از کلیه هموطنان مقیم خارج از کشور که صاحب آثاری از قبیل کتاب، پایان نامه، مقاله، گزارش، نقد و... در زمینه مسائل گوناگون هستند درخواست کرده است به منظور فراهم ساختن بستر بهره برداری دانشجویان، اساتید، محققان و

همزمان با ماه محرم آغاز شد

۳۰۰۰ نمایشگاه کتاب

عاشورایی

همزمان با ماه های محرم و صفر سه هزار نمایشگاه کتاب با موضوع حادثه کربلا و سیره حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران باوفای ایشان در سه هزار مسجد تحت پوشش ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد کشور برگزار می شود.

همچنین برگزاری ۱۰۰ نمایشگاه اختصاصی کتاب با موضوع محرم، مسجد و نماز و حمایت از پژوهش های اعضای کانون های مساجد با موضوع عاشورا و موضوعات مرتبط با قیام حسینی برنامه هایی هستند که در کانون های مساجد اجرا می شوند.

برگزاری همایش مدیران مسؤول کانون ها در مراکز استان ها با هدف تبیین برنامه های ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و نیز اهدای اقلام فرهنگی و تبلیغی ماه های محرم و صفر در فواصل پنجم تا هفتم محرم از دیگر برنامه های این ستاد هستند.

بر اساس این گزارش، چاپ و انتشار پنج هزار نسخه روزنامه دیواری با موضوع محرم، دهه فجر و معارف دینی در سه شماره از دیگر برنامه های فرهنگی و تبلیغی است که در طول ماه محرم و صفر برای مساجد فرستاده می شود.

ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با سه هزار کانون، یک هزار و ۵۰۰ کتابخانه، ۱۵ هزار مرکز مجری طرح تلاوت نور و پنج هزار مرکز تفسیر روزانه قرآن در عرصه فرهنگی مساجد فعال است.

انتشارات بهار سبز

قابل توجه خوانندگان و کتب فروشی های محترم سراسر کشور

پنجمین جلد از سری کتبهای

شما عقیم تر از آن هستید که می اندیشید

با عنوان

به بلندای فکرت پرواز خواهی کرد

منتشر شد

از شما دعوت می شود با تکمیل و ارسال فرم نظر سنجی چاپ شده در پایان این کتاب و ارائه نظرات ارزشمند خود ما را در پیشبرد اهداف مؤسسه یاری نموده و از جوایزی ویژه برخوردار شوید

تلفکس: ۸۸۹۴۵۷۹۰

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب با خدمات چاپ و انتشارات کتب شمس

انجام کلیه امور کتاب از حروفچینی تا صحافی را بصورت کامپیوتری بدون (لیتوگرافی)

با بالاترین کیفیت

و کمترین قیمت

تجربه کنید

۶۶۴۲۹۷۴۱

تلفن: ۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲





با ناشران درباره چگونگی تأثیر جایزه فصل بر بازار نشر

پیشخوان فصلی کتاب رونق می‌گیرد



جشنواره کتاب فصل، جشنواره جوانی است که تنها چند ماه از تولد آن می‌گذرد. در شماره گذشته با گروهی از برگزارندگان دوره قبل و نامزدهای دوره دوم کتاب فصل درباره این جشنواره به گفت و گو نشستیم که حاصل آن را در گزارشی خواندید. در این شماره به سراغ برخی از ناشرانی رفته‌ایم که کتاب‌هایی از آنها در اولین دوره این جشنواره برنده جایزه کتاب فصل شده بود.

جشنواره کتاب فصل امروز برندگان دومین دوره خود را در رشته‌های مختلف معرفی می‌کند. نویسندگان و مولفان برخی از کتاب‌های منتشر شده در تابستان ۸۶ با جوایزی تشویق می‌شوند و نام آنها و تالیفاتشان در سایت‌های خبری و روزنامه‌ها درج خواهد شد. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، تأثیر این جایزه بر چرخه نشر کشور است و این سوال مطرح می‌شود که با توجه به فواصل کوتاه اعلام نام کتاب‌های برگزیده، جشنواره کتاب فصل چه تأثیری می‌تواند بر چرخه نشر بگذارد.

لیلا حسینیعلی‌خانی مدیر انتشارات آگه که کتاب برگزیده «فرهنگ و مطالعات جوانان» نوشته محمد سعید ذکایی را روانه بازار نشر کرده است، در این باره می‌گوید: شاید برای اظهار نظر درباره تأثیرات این جشنواره بر چرخه نشر کشور خیلی زود باشد. باید دید این جایزه در طولانی مدت چه اثری می‌تواند داشته باشد.

وی درباره تأثیر این جشنواره می‌گوید: «مهمترین اثر این جایزه بر چرخه نشر این است که ممکن است به اقتصاد نشر کمک کند و با اعلام اسامی برندگان آن، عده بیشتری علاقه‌مند به خریداری و خواندن آثار برگزیده شوند.»

محمد اسماعیل جعفری مدیر انتشارات پژواک کیوان و ناشر کتاب دو جلدی «سده‌های گمشده، فروپاشی ساسانیان تا برآمدن صفاریان» نوشته پرویز رجبی، معتقد است که این جشنواره بسیار جوان است و شاید اثر آن بر چرخه نشر در حال حاضر قابل مشاهده نباشد. او می‌گوید: «قاعدتا اگر این جشنواره اطلاع‌رسانی صحیح و پیگیری داشته باشد، بر چرخه نشر بی‌تأثیر نیست. بهتر است معیارهای علمی انتخاب چنین آثاری در مقالات و گفت‌وگوهای در مطبوعات و صدا و سیما مطرح شود تا اهالی علم و کتاب، بی‌برند این آثار دارای چه ویژگی‌هایی بوده‌اند که مورد تأیید قرار گرفته‌اند. اگر این اتفاق به طور مستمر بیفتد، مخاطبان پیگیر خرید و خواندن این آثار می‌شوند. چون به طور عام طرح نام یک کتاب توسط یک سازمان رسمی متولی امر کتاب و کتابخوانی، این گرایش را در مردم ایجاد می‌کند که آن را بخوانند. آن وقت است که ناشر به نتایج مطلوبی در چرخه نشر دست پیدا می‌کند.»

علیرضا علمی مدیر انتشارات زمان نیز می‌گوید: «وقتی کتابی در چنین جشنواره‌ای رتبه کسب می‌کند، طبیعتاً از طرف جامعه کتابخوان باقبال بیشتری رویه رو می‌شود و در واقع این مهر تاییدی بر کیفیت کتاب است. این روزها جشنواره کتاب سال از وزن و اعتبار خاصی برخوردار است و کتاب فصل در اول راه به سر می‌برد اما به هر حال حرکت بسیار خوبی است.»

ارشاد در امر کتاب و کتابخوانی است و هم مردم را از نام کتاب‌های برگزیده و مولفان آنها آگاه می‌کند و سبب اقبال بیشتر به کتابخوانی می‌شود.»

علمی نیز می‌گوید: «اگر بخواهیم درباره این جشنواره به یک مراسم محدود اکتفا کنیم، فکر می‌کنم در حق ایده‌هایی که برای نوشتن یا ترجمه و انتشار کتاب‌های خوب صرف شده است، جفا می‌شود. باید با اطلاع‌رسانی قوی‌ترین جشنواره را به مردم معرفی کنیم تا بتوانیم از آثار آن در جامعه نشر بهره‌مند شویم. وی انتشار ویژه‌نامه در سطح مراکز آموزش عالی و کتابخانه‌های عمومی و تخصصی را راه مناسبی برای اطلاع‌رسانی درباره آثار برگزیده جشنواره کتاب فصل می‌داند و می‌گوید: «خیلی از نهادها مانند وزارت علوم، وزارت ارشاد و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درگیر کتاب هستند و برای تجهیز کتابخانه‌ها، به فهرست آثار برگزیده نیاز دارند که می‌توان از طریق این ویژه‌نامه‌ها این اطلاعات را در اختیار آنها قرار داد تا کتاب‌های برگزیده به میان مردم راه پیدا کند.»

اما سمیعان خریداری نسخه‌هایی از کتاب‌های برگزیده جشنواره کتاب فصل راه خوبی برای تشویق ناشران و مولفان می‌داند و می‌گوید: «در بسیاری از موارد - خصوصاً درباره کتاب‌های تخصصی - شاهد این اتفاق هستیم که مشابه‌های متعددی از کتاب‌های ترجمه به بازار می‌آید که مخاطبان را در انتخاب سردرگم می‌کند. پس اطلاع‌رسانی درباره کتاب‌های برگزیده به هر حال بی‌تأثیر نیست و فکر می‌کنم می‌تواند تأثیر خوبی بر فروش کتاب و رسیدن آن به چاپ‌های بعدی داشته باشد.»

کتاب فصل را تبلیغات بیشتر می‌داند و می‌گوید: «به شرط این که تبلیغات بیشتری انجام شود و در رسانه‌ها بیشتر درباره کتاب فصل صحبت شود، می‌توان با برگزاری این جشنواره تأثیرات بیشتری در بازار نشر مشاهده کرد.»

جعفری مدیر نشر پژواک کیوان نیز با اشاره به اطلاع‌رسانی نسبتاً محدود اولین جشنواره کتاب فصل می‌گوید: «باید حول برگزاری این جشنواره تبلیغات بیشتری انجام شود. ما این افتخار را داریم که علاوه بر کتاب دکتر رجبی که در دوره اول این جشنواره برگزیده شد، کتاب «تاریخ زبان شناسی ایران» اثر دکتر کورش صفوی را نیز در فهرست نامزدهای دومین دوره کتاب فصل داشته باشیم که امیدواریم با موفقیت در جایزه کتاب فصل شاهد مطرح شدن بیشتر این کتاب باشیم.»

وی در ادامه می‌گوید: «وزارت ارشاد بانی چنین کار بزرگی است و به نظر من اگر هماهنگی‌های لازم میان این وزارتخانه با صدا و سیما انجام شود و کتاب‌های برگزیده به صورت وسیع‌تری از طریق رسانه ملی معرفی شود، کتاب فصل به جایگاهی که شایسته آن است خواهد رسید اما متأسفانه مشکل این جشنواره خوب، اطلاع‌رسانی کم درباره آن در رسانه‌هاست. ما واقفیم که گروه زیادی زحمت می‌کشند تا این جشنواره به بهترین نحو برگزار شود اما اگر سر و صدای برگزاری کم باشد، نمی‌توان به تأثیرات بزرگ رسید. بنابراین برای چنین برنامه‌ای باید تبلیغات بیشتری انجام شود و فقط به چند خبر کوتاه در خبرگزاری‌ها بسنده نشود. اطلاع‌رسانی خوب درباره این جشنواره هم تبلیغی برای عملکرد مثبت وزارت

او که ناشر دو کتاب برگزیده دوره اول جشنواره کتاب فصل با عنوان «بابا اناناس» می‌شود نوشته شهرام شفیع‌ی و «دختری که نمی‌خواست بزرگ شود» با ترجمه مهناز صدیقی است - که هر دو در بخش داستان کودک و نوجوان برگزیده شدند - ادامه می‌دهد: «یک سال طول می‌کشد تا یک دوره کتاب سال به ثمر برسد اما در کتاب فصل، سال به چهار بخش تقسیم می‌شود و به نظر من فواصل کوتاه معرفی آثار برگزیده تأثیر مثبتی بر جامعه کتابخوان دارد و به تبع آن بر چرخه نشر نیز تأثیر می‌گذارد.»

حسن سمیعان مدیر انتشارات دادگستر و ناشر کتاب برگزیده «روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی» که با ترجمه علی شایان در اولین دوره کتاب فصل برنده جایزه شده است نیز درباره تأثیر این جشنواره می‌گوید: «جوایز مختص کتاب به هر حال مترجم یا مولف را تشویق می‌کند و بر کیفیت کارهای بعدی آنها اثر می‌گذارد. درست است که اگر جایزه‌ای هم نباشد، آنها به کار خود ادامه می‌دهند اما نباید نقش تشویقی این جوایز را نادیده گرفت. این مسئله خصوصاً درباره کتاب‌های دانشجویی صدق می‌کند. چون نویسنده را تشویق می‌کند که به لحاظ حیثیتی کارهای علمی تری ارائه دهد.»

اطلاع‌رسانی تأثیرگذار

جشنواره جوان کتاب فصل شاید راه سختی برای رسیدن به جایگاه یک جشنواره با سابقه کتاب داشته باشد اما به نظر می‌رسد که اطلاع‌رسانی بیشتر در مورد آن، می‌تواند این راه را کوتاه‌تر کند. حسینیعلی‌خانی شرط تأثیرگذاری بیشتر جشنواره





سرای اهل قلم نمایشگاه بیست و یکم در انتظار برنامه های تازه

احوالپرسی با نویسندگان در حضور منتقد



سرای اهل قلم تا سال گذشته یکی از بخش های جنبی نمایشگاه کتاب تهران شمرده می شد. در این برنامه نشست های نقد و بررسی و احیاناً پرسش و پاسخ هایی با حضور نویسندگان برگزار می شد که هر چند خود گامی برای آشنایی مخاطب با کتاب بود، اما همواره این نکته را در اذهان زنده می کرد که این برنامه می تواند به شکل جدی تری نیز برپا شود. نمایشگاه کتاب بیستم، فرصتی دیگرگونه را برای برپایی سرای اهل قلم پیش روی مخاطبان و اهالی فرهنگ قرار داد. در برنامه های این دوره سرای اهل قلم، جلسات فراوانی برگزار شد که حضور چهره های فرهنگی، نویسندگان و مترجمان به آن رونق خاصی بخشید. قوت و قدرت این جلسات به حدی بود که اهالی فن نه تنها آن را از بخش های جنبی نمی دانستند، بلکه آن را پایه های نمایشگاه بین المللی بیستم برشمردند. اما همواره مشکلاتی از قبیل نبود زمان لازم و مکان برپایی سبب می شود که برخی موارد و مسائل آنچنان که باید مورد توجه قرار نگیرد و پیدایش سرای دائمی اهل قلم، راهی بود برای برون رفت از این آسیب احتمالی. کمی بعد از نمایشگاه کتاب بیستم، سرای دائمی اهل قلم تاسیس شد و طی برنامه های هفتگی خود، بسیاری از مسائل را مورد توجه قرار داد. برپایی کارگاه های شعر و داستان، نقد و بررسی آثار ادبی و ترجمه، جلسات رونمایی آثار برگزیده، جلسات متعدد فرهنگی و... از جمله دستاوردهای این مرکز فرهنگی است. تلاش های دست اندرکاران سرای دائمی اهل قلم گرچه فرصت های بسیاری را برای اهالی فرهنگ ایجاد کرده، اما از سوی دیگر سبب شده تا اهالی فرهنگ از سرای اهل قلم نمایشگاه بیست و یکم توقع بیشتری داشته باشند.

سمیرا اصلانپور، نویسنده و روزنامه نگار و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور بانوان، جداسازی، معرفی و نقد آثار تخصصی و عمومی را یکی از شاخصه های می داند که سرای اهل قلم می تواند در گام بعدی به سوی آن خیز بردارد. وی در این مورد می گوید: «بهرتر است سالن هایی که به معرفی، نقد و بررسی کتاب های تخصصی می پردازند، جدا از سالن هایی باشد که به کتاب های عمومی اختصاص دارند. این نکته به مراجعه کنندگان کمک می کند تا با توجه به سلاقی خود، نشست ها را راحت تر دنبال کنند.» اصلانپور همچنین اطلاع رسانی را یکی از مسائلی می داند که گرچه در طول برپایی نمایشگاه های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته، اما باید به طور جدی تری به آن پرداخته شود. وی همچنین به نقش اطلاع رسانی پس از نمایشگاه اشاره می کند و می گوید: «در طول نمایشگاه های گذشته اطلاع رسانی خوبی در مورد سرای اهل قلم صورت گرفته، اما با توجه به جمعیت بازدیدکنندگان، باز هم در این زمینه باید به صورت جدی تری کار شود.»

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، سرای اهل قلم را موجب آشنایی مخاطبان عام فرهنگ با پدیدآورندگان آن دانست. به گفته این اندیشمند، برپایی جلساتی از این قبیل می تواند از عقل گریزی مخاطبان جلوگیری کند و آنها را با عقل گرایی

بیشتر آشنا سازد، چرا که به باور او راه تعالی بشریت برای همیشه عقل است. وی اظهار امیدواری می کند که سرای اهل قلم به عقل گرایی مخاطبان کمک کند و اضافه می کند: «برپایی کلاس ها و کارگاه ها می تواند به مخاطبان نمایشگاه کمک کند تا کتاب های مورد علاقه خود را راحت تر برگزینند.» کامران پارسی نژاد، نویسنده و منتقد ادبی، حضور عقاید گوناگون و مناظره بین آنها را از نکاتی می داند که می تواند به اهمیت سرای اهل قلم در نمایشگاه کمک کند. وی در توضیح بیشتر می گوید: «اگر جلسات با حضور افراد مختلفی که آرای گوناگونی دارند برگزار شود و این نظرها به نقد گذاشته شود و محل مجادله قرار گیرد، آن وقت می توان به نتیجه خوبی رسید گرچه شاید مناظره کنندگان نتوانند همدیگر را قانع کنند اما قطعاً حاضران می توانند به نتیجه مطلوب برسند.» این منتقد ادبی که جایزه دوم بهترین مقاله ادبی را در جشنواره مطبوعات امسال دریافت کرد، حضور مردم در این نشست ها را بسیار مفید ارزیابی می کند و می گوید: «می توان این حضور را با تمهیداتی چون مسابقه یا اعطای جوایز پررنگ تر کرد.»

اسدالله امرایی، مترجم، درباره فعالیت سرای اهل قلم به حضور پررنگ ادبیات اشاره می کند و می گوید: «حضور کتاب هایی از عرصه های دیگر می تواند افراد بیشتری را به سرای اهل قلم بکشد. به طور مثال کتاب های پزشکی، مهندسی و حتی کمک درسی می تواند علاقه مندان خود را در این جلسات داشته باشد. وی با توجه به حضور ناشران و نویسندگان خارجی در نمایشگاه کتاب، برپایی جلساتی با حضور این چهره ها را نیز بسیار مهم ارزیابی می کند و می گوید: «این جلسات علاوه بر آن که می تواند ماراتجه به این ناشران و نویسندگان آشنا کند می تواند سبب به وجود آمدن یک مبادله

فرهنگی دوسویه در امر کتاب و کتابخوانی شود.» این مترجم برپایی غرفه و برنامه های سرای دائمی اهل قلم را در طول سال بسیار مفید می داند و می افزاید: «در غرفه سرای اهل قلم تنها کتاب ها نقد و بررسی می شوند، در حالی که با کارهای دیگری مانند رونمایی کتاب، معرفی اولین کتاب یک نویسنده مطرح، جلسه امضا و اهدای کتاب و... همانند بسیاری از نمایشگاه های معتبر می توان جذابیت بیشتر را برای حضور انبوه تر مردم فراهم کرد.»

اسدالله امرایی معتقد است که برای جذب مخاطبان بیشتر، باید همواره خود را برای برپایی کارهای تازه تر آماده کرد.

راضیه تجار، نویسنده معاصر برای جذب بیشتر مردم، برپایی مسابقات فرهنگی، اهدای بن کتاب و سایر هدایای فرهنگی را پیشنهاد می کند. با این همه تجار پیشنهاد می کند که بخش هایی از سرای اهل قلم به طور تخصصی به کار در این زمینه پردازند. وی در این مورد می گوید: «برپایی بخش تخصصی سرای اهل قلم می تواند مورد استفاده بسیاری داشته باشد. در این بخش حتی می توان کتاب های تازه منتشر شده تخصصی را به نمایش و احیاناً فروش گذاشت.» وی می افزاید: «شاید مولفان و مصنفان فرصت زیادی برای تماشای همه جای نمایشگاه را نداشته باشند. از این رو این نمایشگاه تخصصی که در سرای اهل قلم و برای اهالی فن تدارک دیده می شود، می تواند کمک فراوانی باشد. تجار با این همه ارتباط با مردم و رسانه ها را از بخش های بسیار مهم سرای اهل قلم می داند و می گوید: «علاوه بر نویسندگان و مترجمان، حضور اهالی رسانه و مطبوعات در کنار خوانندگان آثار، در نشست های مختلف این سرا، ارتباطات ادبی نویسنده را به روز می کند.»

محسن کفاش، ناشر کتاب های پزشکی نیز خواستار بررسی کتاب های این حوزه در سرای اهل قلم شد. وی ضمن بیان این که بسیاری از آثار این حوزه برای مخاطبان عام نوشته می شود، می افزاید: «ناشران کتاب های پزشکی و حوزه های فنی، تازه ترین آثار خود را در نمایشگاه عرضه می کنند. اگر در جلسات نقد و بررسی سرای اهل قلم به این کتاب ها نیز پرداخته شود، می توان شاهد آثاری بهتر در این عرصه باشیم.» وی می افزاید: «معمولاً کمتر به نقد ترجمه و تالیف آثار پزشکی پرداخته می شود، از این رو گاه برخی از کتاب های نه چندان دقیق و علمی در این عرصه منتشر می شوند که به نظر می رسد باید این مقوله را جدی تر گرفت.»

سرای اهل قلم نمایشگاه کتاب بیست و یکم می تواند علاوه بر استفاده از تجربه های پیشین، تجربه سرای دائمی اهل قلم را نیز سرلوحه کار خود قرار دهد؛ تجربه هایی که بسیار گرانبها و ارزشمند هستند.

یادش گرامی

درگذشت نویسنده و گوینده

هنرمند

حمید عاملی

را به خانواده محترم. دوستان و

همکاران آن مرحوم تسلیت می گویم

نشر سدف



یادداشت

محمد عبدی

پویایی نشر؛ حرکت به سمت تخصصی شدن

سال هاست که بحث فروشگاه یا نمایشگاه بودن نمایشگاه های کتاب و بویژه نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از مباحث مهم بخش ویرینی کتاب ایران است که از سوی رسانه ها و بویژه برخی از دست اندرکاران حوزه کتاب (خارج از مجموعه ناشران و کتابفروشان) مطرح می شود.

نشر در ایران از حدود یکصد سالی که از عمرش می گذرد آنچنان جای خود را در عرصه های مختلف کشور محکم کرده است که به راحتی از گردونه فعالیت ها خارج نمی شود. اما به نگرانی و پیرداختن به فعالیت هایی غیر از فعالیت های روزمره نیاز مبرم دارد.

از جمله فعالیت هایی که در جهان امروز سابقه ای بیش از ۲ دهه دارد حرکت به سمت فعالیت های تخصصی تر و جهت دهی فعالیت ها به سمتی است که موفقیت بیشتری برای فعالان و منافع فراوانی برای مردم داشته باشد. این گونه فعالیت ها در حوزه ویرینی کتاب نیز نمود فراوانی دارد به گونه ای که دهها صدها نمایشگاه تخصصی و غیر تخصصی در طول سال برپا می شود و فعالیت ها همانگونه که در مرحله تولیدی با جدیت دنبال می شود در حوزه نمایشگاهی هم با همان جدیت ادامه می یابد، چراکه این بخش به همان میزان مهم است که انتخاب و تولید کتاب.

در کشور ما غالب فعالیت ها به تولید کتاب ختم می شود و ناشران و فعالان فرهنگی به نمایشگاه ها صرفاً به عنوان ممر درآمدی برای تامین هزینه های رفته و پیش رو نگاه می کنند و حرکت به سمت تخصصی شدن و برپایی نمایشگاههای تخصصی از سوی ناشران در ادامه فعالیت های تخصصی معنای درستی نیافته و تعریف درستی هم ندارد.

تنها در چند زمینه و آن هم پراکنده از سوی برخی تشکل ها و انجمن های ناشران گام های کمی برداشته شده است که چندان به چشم نیامده و یا اگر به چشم آمده چندان دوام نداشته که بتوان به آن امید فراوانی داشت. برپایی نمایشگاه تخصصی نمایندگان ناشران بین المللی که پنجمین سال برپایی خود را شاهد بود و برپایی نمایشگاه تخصصی کتاب دفاع مقدس که امسال شاهد ششمین دوره آن هستیم از جمله این تلاش هاست. البته اخیراً انجمن ناشران دانشگاهی هم از برپایی نمایشگاه های کتاب این حوزه از سال ۸۷ خبر داده اند که این اتفاق می تواند از سویی میمون و مبارک باشد و از سویی حاکی از این که فعالان مختلف حوزه کتاب های تخصصی به برپایی نمایشگاه های تخصصی و ضرورت ارائه آثار خود در سطحی خرد تر از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران پی برده و به ارائه تازه های خود به مخاطبان تخصصی و ویژه اندیشیده اند.

آنچه مسلم است این که هرچه ناشران و انجمن های حرفه ای حوزه نشر به سمت نگاه و یافتن راههایی برای فعالیت های تخصصی تر حرکت کنند امید به پویایی نشر یکصد ساله ایران بیشتر و از افتادن به ورطه روزمرگی پرهیز خواهد شد. البته نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به عنوان مهمترین پشتوانه در این زمینه غیر قابل انکار است، اما آنچه مهم است و مورد تاکید دولت نهم هم قرار گرفته حرکت به سمت واگذاری فعالیت ها به انجمن ها و تشکل هاست و خود ناشران باید نسبت به پویایی هرچه بیشتر فعالیت های خود اندیشه کنند و وزارت ارشاد هم هم چون همیشه نقش پشتیبانی خود را حفظ خواهد کرد.

نشر نیازمند نگاه های تازه و حرکت در جهت یافتن مسیرهای تازه است و این امر در نشر سابقه ایران ممکن و میسر است؛ اگر بخواهیم.



کتاب و روز

غلامرضا تفرشی

یکی از ویژگی های نشر حرفه ای و پیشرفته، حرکت به سمت نمایشگاه های تخصصی کتاب و امکان استفاده متخصصان، صاحب نظران و علاقه مندان حوزه های خاص از آثار مورد علاقه و نیاز برای انجام پژوهش ها و بررسی های عمیق و امکان استفاده همگانی از این پژوهش ها و بررسی هاست. برپایی نمایشگاه های تخصصی در سال های اخیر اگرچه رشد خوبی داشته، اما با توجه به وسعت نشر کتاب در ایران و توانایی های بالقوه در این عرصه، می توان گفت هنوز جای کار برای ده ها نمایشگاه تخصصی در طول سال وجود دارد. ششمین نمایشگاه تخصصی کتاب های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در دهه فجر امسال از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و با مسئولیت اجرایی موسسه فرهنگی انتشاراتی قدر ولایت برپا می شود. احمد عطایی، مدیر موسسه قدر ولایت و مجری این نمایشگاه به سوال های کتاب هفته پاسخ می گوید.

همزمان با ششمین نمایشگاه تخصصی کتاب دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در دهه فجر برگزار می شود

بهار کتاب در جشن انقلاب



جناب آقای عطایی، چه شد که پس از پنج دوره برپایی این نمایشگاه با مدیریت اجرایی بنیاد حفظ آثار، این دوره از نمایشگاه با مدیریت اجرایی شما برگزار می شود؟

همه ساله این نمایشگاه با موضوع دفاع مقدس و با مدیریت اجرایی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در هفته دفاع مقدس برپا می شد که طی مذاکراتی قرار شد نمایشگاه در دو بخش دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در دهه فجر و با همکاری موسسه قدر ولایت برپا شود.

در نمایشگاه امسال سهم کتاب های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی هر یک چقدر است؟

هر ساله نمایشگاه تخصصی دفاع مقدس برگزار می شد که امسال کتاب های حوزه انقلاب اسلامی هم به آن افزوده شده است.

باید اشاره کنم که ۸۰ درصد کتاب ها به دفاع مقدس اختصاص دارد و ۲۰ درصد به موضوع انقلاب اسلامی مربوط است. در ضمن برای سال آینده که سی امین سال پیروزی انقلاب اسلامی است پیشنهاد برگزاری یک نمایشگاه تخصصی را داده ایم و امیدواریم شرایط برای برگزاری این نمایشگاه فراهم شود.

در این نمایشگاه چند ناشر حضور دارند و ویژگی های آن چیست؟

برای نمایشگاه ششم، دوباره فراخوان عمومی داده ایم و با ارسال نامه های خصوصی از ناشران تخصصی دفاع مقدس دعوت کرده ایم که در این نمایشگاه شرکت کنند و در حال حاضر حدود ۱۵ ناشر بزرگ حوزه دفاع مقدس با عرضه ۵۰۰ عنوان کتاب برای شرکت در نمایشگاه اعلام آمادگی کرده اند. از ویژگی های نمایشگاه امسال، عرضه کتاب های برگزیده جشنواره های کتاب و کتاب های منتشر شده از سال ۸۱ به بعد است.

این کتاب ها صرفاً به نمایش درمی آیند یا فروش کتاب هم وجود دارد؟

این نمایشگاه به عرضه کتاب های مورد نظر و فروش آنها به صورت همزمان می پردازد. در نمایشگاه امسال ۳۰ درصد تخفیف از سوی ناشران داده می شود و ۲۰ درصد تخفیف با عنایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

در برنامه های موسسه، برگزاری نمایشگاه های دیگری با همین موضوع در نظر گرفته شده است؟ در مورد نمایشگاه های دیگر با همکاری بنیاد حفظ آثار و ناشران عمده حوزه های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی نمایشگاه هایی برگزار می کنیم. اما در سال های اخیر حدود ۴۰ نمایشگاه تخصصی در ۴۰ دانشگاه سراسر کشور برگزار کرده ایم.

اشاره کردید که برای نخستین بار این نمایشگاه با مدیریت اجرایی یک موسسه غیر از بنیاد حفظ آثار برگزار می شود. دلیل انتخاب موسسه شما چه بود؟

تجربه ما در سال های مختلف و میزان فعالیت ما در همه این سال ها باعث شد که مدیریت اجرایی نمایشگاه به ما سپرده شود. ما امسال برگزاری نمایشگاه های غیر متمرکز را در برنامه داریم. استفاده از گروه های مردمی و ناشران از ویژگی های نمایشگاه های ماست. در ضمن نیروهای بسیجی در پایگاه های بسیج توجیه شده اند و

نمایشگاه ها را در منطقه خود برگزار می کنند. صرفاً از نیروهای بسیجی پایگاه ها استفاده می شود یا نیروهای دیگری هم برای این نمایشگاه ها تجمیع می شوند؟

با توجه به وجود بسیج در وزارتخانه ها و ادارات و بسیج مردمی و پایگاه های مقاومت، برپایی این نمایشگاه از حالت یک نمایشگاه صرف خارج می شود و با توجه به امکاناتی که همه مراکز در اختیار نمایشگاه قرار می دهند، می توان به استقبال گسترده از این نمایشگاه ها امیدوار بود.

به نظر می رسد که جای خالی برپایی نمایشگاه های تخصصی کتاب در کشور به شدت احساس می شود. به نظر شما چه باید کرد؟

به نظر من دو کار اساسی باید انجام گیرد. اول نمایشگاه های ثابت داشته باشیم که تخصصی باشند و در طول سال به عرضه کتاب بپردازند و دوم برپایی نمایشگاه های فراوان در طول سال مثل نمایشگاه کتاب تهران و عرضه کتاب به مخاطبان.

متأسفانه کتاب های دفاع مقدس در میان کتاب های عمومی در کتابفروشی ها کم می شوند و اصلاً کسی نمی بیند که در این حوزه چقدر کار شده است. ما به بنیاد حفظ آثار پیشنهاد راه اندازی فروشگاه های تخصصی کتاب دفاع مقدس را داده ایم و امیدواریم با این اقدام، مشکل نبودن کتاب های مورد نیاز پژوهشگران، دانشجویان و علاقه مندان حل شود. در این حوزه بیش از یک هزار عنوان کتاب چاپ و عرضه شده است اما در میان هزاران عنوان کتاب در حوزه های دیگر اصلاً به چشم نمی آید.

در مورد نمایشگاه های کتاب اعتقاد داریم که باید در این زمینه به صورت فراگیر اقدام کرد. مثل نمایشگاه های هفته کتاب (۲۵ هزار نمایشگاه در ۲۵ هزار مدرسه).

چرا این امر تاکنون محقق نشده بود؟

اگر در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس به عنوان متولی اصلی این نمایشگاه برنامه ریزی مشخصی تدوین شده بود، می شد به برپایی این نمایشگاه ها امیدوار بود.

آیا باید تصدیق کرد که این برنامه ها به بخش خصوصی واگذار شود؟

ما بنیاد حفظ آثار را به عنوان یک نهاد دولتی نمی شناسیم. مشکل ما نبود برنامه ریزی است. اگر برنامه ریزی باشد بنیاد هم می تواند پشتیبانی کند. یکی از مصادیق نبود برنامه ریزی بنیاد این است که با وجود گردآوری آثار همه ناشران، هنوز انتشارات صریح که وابسته به خود بنیاد است آثار خود را برای ما نفرستاده است.

وجود برنامه ریزی دقیق می تواند در تهران و سایر شهرهای کشور به برپایی نمایشگاه های مختلف بینجامد. ضمن این که برپایی نمایشگاه های ثابت در مراکز حساس به ویژه در دانشگاه ها می تواند تبلیغ کتاب و تشویق به کتابخوانی باشد و جوانان را هم نسبت به موضوعات مهمی چون دفاع مقدس و انقلاب اسلامی آشنا سازد.

برای تبلیغات نمایشگاه چه اقداماتی صورت گرفته است؟

ما تبلیغات سراسری داریم و به تمام مراکز دارای پایگاه بسیج هم با ارسال پوسترهای نمایشگاه اعلام کرده ایم که برای نمایشگاه اطلاع رسانی کنند و انتظار داریم که رسانه ملی هم به این مقوله مهم عنایت داشته باشد.

برنامه های موسسه خودتان برای حوزه کتاب دفاع مقدس و انقلاب چیست؟

ما طرح هایی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهاد کرده ایم که عموماً منبعث از فرمایشات مقام معظم رهبری است.

طرح هایی مثل زنگ کتابخوانی در مدارس، برگزاری مسابقات سراسری کتابخوانی، نقد کتاب، تبلیغ کتاب و معرفی آن از جمله پیشنهادهایی بوده است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به سابقه طرح موضوع در معاونت فرهنگی مشغول بررسی این طرح هاست.

چندین طرح کلان مثل کتابخوانی در قشرهای تاثیرگذار مثل معلمان پرورشی مدارس داریم که اگر این قشر به سمت کتابخوانی سوق داده شوند، بیش از ۲۰ میلیون دانش آموز کتابخوان می شوند و در واقع این چیز کمی نیست.



نگاهی به روند معرفی و نقد کتاب در حوزه وب

دالانی برای برگ‌های تازه



یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن حرکت از دنیای مکتوب و کاغذی به سمت دنیای مجازی و دیجیتالی و انجام فعالیت‌ها در فضایی غیر از فضای ملموس و محسوس است. بر این اساس و با توجه به سمت و سوی حرکت ارتباطات به چهره به ارتباطات اینترنتی، ما هم در این عرصه قرار گرفته و آرام آرام از فضای دیجیتال برای ورود به مباحث گوناگون از جمله مقولاتی چون معرفی کتاب بهره می‌گیریم. استفاده از فضای وب اگر چه در جهان مدرن بیش از دو دهه عمر دارد و حرکت در دالان بزرگ شبکه جهانی از مدتها پیش بروز و ظهور یافته است اما ما هم در همین چند سال آنچنان پیش رفته‌ایم که اگر چه از نظر کیفی نمی‌توان شاخص و آماری ارائه کرد اما از نظر کمی یکی از کشورهای صاحب نام در این عرصه به شمار می‌آییم.

سهم ایران از شبکه جهانی اینترنت چیزی حدود یک و نیم میلیون وبلاگ است که در کنار پایگاه‌ها و شبکه‌های گسترده داخلی، رقم قابل توجهی از دنیای مجازی را به خود اختصاص داده است. این آمار به چند سال پیش برمی‌گردد که اگر آمار یکی دو سه سال اخیر را هم به آن اضافه کنیم، نشان دهنده گسترش روزافزون استفاده از این فضای مهم بوده است که به یقین سهم ما را به بیش از سه میلیون وبلاگ، پایگاه و شبکه‌های داخلی می‌رساند. در این میان سهم وبلاگ‌های ادبی، فرهنگی و هنری چیزی حدود دو سوم سهم ایران از وبلاگ‌های جهانی است که رقم قابل توجهی است.

در کشور ما به دلیل غلبه سهم کتاب‌های ادبی و فرهنگی نسبت به سایر حوزه‌ها در حوزه فضای مجازی هم این سهم بیشتر از سایر حوزه‌هاست. فضای رسانه‌ها هم چه در حوزه مکتوب و چه

غیر مکتوب از کتاب و حوزه مهمی چون آثار گسترده منتشر شده در سال اگر چه سهم قابل احصایی نیست، اما غلبه با فضای غیر مکتوب است که به دلیل مشخص بودن و نداشتن محدودیت، حجم قابل توجهی از اطلاع‌رسانی و تبلیغ کتاب‌های مناسب را به خود اختصاص داده است. اگر چه به باور بسیاری از کارشناسان حوزه فرهنگ تعداد وبلاگ‌های جدی و اثرگذار در حوزه کتاب بسیار انگشت‌شمارند، اما همین میزان نیز امید بخش و سازنده است و می‌تواند چشم‌انداز روشنی از اهتمام به کتاب در حوزه رسانه‌های غیر مکتوب را برای فرهنگ ما رقم بزند.

این که چه میزان از فضای رسانه‌ای مجازی می‌تواند در حوزه فرهنگ اثرگذار باشد و به اعتلا و ارتقای این حوزه منجر شود مبحثی است که از نگاه کارشناسان بررسی خواهد شد.

داوود پنهانی از فعالان حوزه وب که با معرفی کتاب‌های حوزه‌های مختلف در وبلاگ خود از وبلاگ‌نویسان مطرح در این حوزه به شمار می‌آید با اشاره به این که به فضای وب به عنوان ابزاری برای اطلاع‌رسانی و استفاده از اطلاعات گسترده نگاه می‌کند، می‌گوید: «در حالی که نشریات از نظر معرفی و ارائه کتاب‌های تازه بخش بسیار کمی را به خود اختصاص می‌دهند، این فضا بهترین ابزار برای کسانی است که می‌خواهند از کتاب چیزی بدانند و از تازه‌ترین کتاب‌ها مطلع شوند.» مسئله نپرداختن نشریات به حوزه کتاب و

حوزه‌های فرهنگی چون معرفی و نقد و بررسی آثار چیزی است که همه فعالان حوزه وب بر آن تاکید دارند و معتقدند عمده‌ترین دلیل برای روی آوردن فعالان حوزه فرهنگ به این فضا، نبود

امکانات مورد نیاز برای اطلاع‌رسانی و تبلیغ در سایر حوزه‌ها است.

حسین جاوید که با وبلاگ کتابلاگ سهم قابل توجهی از اطلاع‌رسانی حوزه کتاب را با معرفی، نقد و بررسی به عهده دارد و صاحب یکی از فعال‌ترین وبلاگ‌های این عرصه است نیز بر نبود فضای لازم در نشریات مکتوب تاکید دارد و می‌گوید: «در حالی که روزنامه‌ها و نشریات صفحات ادبی پویایی ندارند تنها فضای مورد استفاده و موجود فضای وب است.»

اما در زمینه تاثیرگذاری این فضا بر فرهنگ و به ویژه آشنایی پژوهشگران، علاقه‌مندان و ... به کتاب و آثار منتشر شده، اغلب فعالان، این حوزه را دارای تاثیرگذاری گسترده تری نسبت به نشریات می‌دانند.

جاوید می‌گوید: «در حوزه اینترنت، وجود وبلاگ این حسن را دارد که صرفاً مخاطبان ما و افراد اهل فن به صورت گسترده از این فضا استفاده می‌کنند این قشر به دلیل نیاز به اطلاعات و کتاب‌های تازه، مطالب مورد نیاز خود را به دست می‌آورند و اگر بخواهند کتابی بخوانند، این فضا شرایط و امکانات مناسبی در اختیار آنها قرار می‌دهد.»

به گفته جاوید شناخته شده بودن کسی که یک وبلاگ را مدیریت می‌کند و مطالب آن را می‌نویسد مهم‌ترین دلیل تاثیرگذاری هر وبلاگ فرهنگی و به ویژه وبلاگ‌های حوزه کتاب است.

مریم حسینیان وبلاگ‌نویس حوزه فرهنگ و کتاب و روزنامه‌نگار در این باره می‌گوید: «وبلاگ‌نویسی دو شاخه دارد. اول این که در حوزه وبلاگ نویسی ادبی کمتر کسی وبلاگش را مطلقاً در اختیار ادبیات قرار می‌دهد و هر چیز متنوع در

وبلاگش عرضه می‌شود، چرا که این از خصوصیات فضای وب است. دسته دیگر هم که جدی‌تر کار می‌کنند، نگاه شخصی به ادبیات دارند.» وی همچنین در تایید سخنان جاوید به شخصیت و اعتبار فردی که وبلاگ را می‌نویسد اشاره می‌کند و می‌افزاید: «وجه ادبی و مقبولیت نگاه وبلاگ‌نویس در عرصه فرهنگ و کتاب مهم‌ترین شرط تاثیرگذاری آن وبلاگ است.» پنهانی هم می‌گوید: «به نظر من فضای وب بهترین فضا برای عرضه، معرفی، نقد و بررسی و بزرگ‌ترین ابزار در این عرصه است.»

وی می‌گوید: «من بیشترین اطلاعات و مطالب مفید در حوزه کتاب را از این فضا به دست می‌آورم و از نظر تاثیرگذاری این فضا باید بگویم تاثیر فراوانی بر حوزه فرهنگ دارد، چرا که در وبلاگ من هنگامی که کتابی معرفی می‌شود، بازخورد خوبی دارد و بسیاری از فعالان از معرفی کتاب‌ها استقبال کرده و تشکر می‌کنند.»

این که نوع نگاه در وبلاگ‌های فرهنگی و ادبی و به ویژه کتاب چگونه است، نکته‌ای است که حسینیان بر آن انگشت می‌گذارد و می‌گوید: «بسیاری به این وبلاگ‌ها به شکل انتقادی نگاه می‌کنند و از نگاه شخصی عبور می‌کنند که این موضوع به نگاه و شخصیت و اعتبار نویسنده وبلاگ برمی‌گردد.»

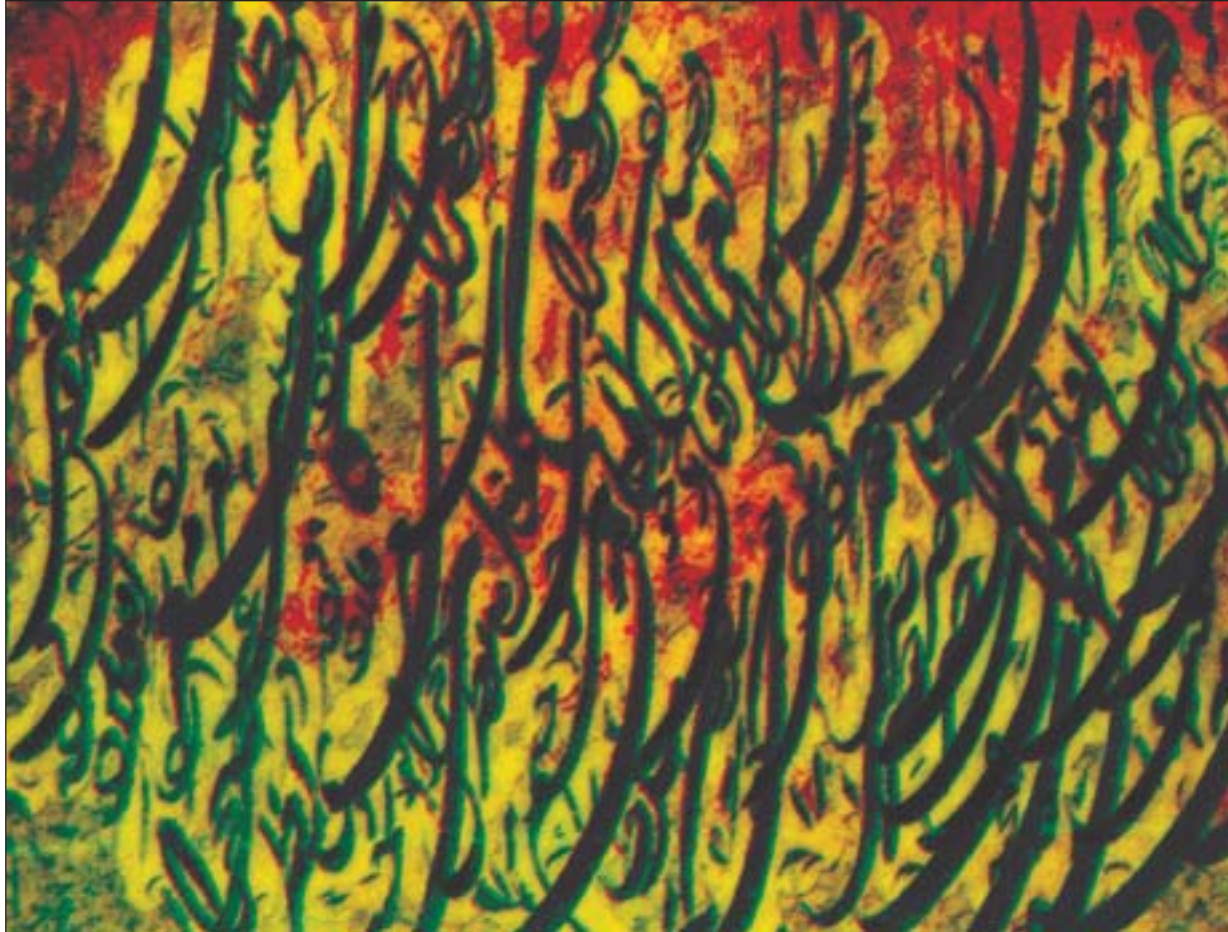
در همین حال یک کارشناس حوزه فضای رسانه‌های غیر مکتوب فاصله ایران با حد مطلوب را با وجود گسترش روزافزون تعداد وبلاگ‌ها زیاد می‌داند و معتقد است که باید وبلاگ‌نویسی از حیطة دل‌نوشته و نگاه‌های شخصی بیرون آید و وبلاگ‌نویسان به این فضا به عنوان فضایی جدی مثل همه فضا‌های فرهنگی دیگر نگاه کنند تا چشم‌انداز امیدبخشی در این عرصه پدید آید.



ترجمه سورآبادی از قرآن مجید چندی پیش به اهتمام دکتر محمد مهیار از سوی انتشارات کلیدر چاپ و منتشر شده است. دکتر مهیار ترجمه ابوالفتوح رازی از قرآن را که مربوط به قرن ششم هجری است، در سال ۸۰ توسط انتشارات اسلامی به بازار عرضه کرد. محمد مهیار متولد ۱۳۳۰ قم دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت و سال‌ها در دانشگاه‌های کشور به تدریس و تحقیق مشغول بود و در طول سال‌ها تحقیق و پژوهش آثاری مانند «فرهنگ دستوری»، «فرهنگ لغات مسعود سعد»، «کتابشناسی دستور زبان» و «جان معنی» درباره شعر و زندگی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و... را چاپ و منتشر کرده است. وی در حال حاضر «دیوان مسعود سعد سلمان» را بر اساس نسخه نویافته در دست تصحیح و تدوین دارد.

با محمد مهیار و آخرین تألیفاتش

پانصد بیت تازه از زندانی «نای»



آقای مهیار، برای چاپ و انتشار ترجمه ابوالفتوح رازی از قرآن مجید چه طرح و برنامه‌ای در سر داشتید؟

ما حدود ده سال قبل به این فکر افتادیم که هیچ تاریخی از ترجمه قرآن مجید به زبان فارسی در کشور نداریم. در پاسخ به این نیاز تصمیم گرفتیم تاریخی از ترجمه قرآن به دست دهیم که قرآن از چه زمانی به زبان فارسی برگردانده شد و نخستین مترجمان آن چه کسانی بودند. در دانشگاه هم یک واحد درسی به این نام وجود داشت که چندین سال این نوع تفسیر را تدریس می‌کردم، بنابراین تصمیم گرفتیم حدود پنج ترجمه کهن از قرآن کریم را به زبانی که برای نسل امروز قابل درک و دریافت باشد بازسازی کنیم. از بین پنج ترجمه مورد نظر، ترجمه ابوالفتوح رازی به عنوان نخستین ترجمه از این مجموعه چاپ و منتشر شد که مربوط به قرن ششم بود. به دنبال آن پس از چندی «ترجمه سورآبادی» را نیز منتشر کردیم.

ترجمه ابوالفتوح از قرآن دارای چه ویژگی‌هایی است که برای چاپ در اولویت قرار گرفت؟

ابتدا باید توضیح بدهم که ابوالفتوح ترجمه مستقلی از قرآن نداشت، بلکه یک تفسیر بیست جلدی از قرآن مجید دارد که ما ترجمه آیات را از این تفسیر بیست جلدی استخراج و سپس آن را در یک جلد (به این صورت که در یک صفحه آیات و در صفحه مقابل ترجمه آن باشد) چاپ و منتشر کردیم. با این مزیت که وقتی کسی می‌خواهد قرآن تلاوت کند، معنای آیات را در صفحات مقابل مطالعه کند. ضمن این که لذت یک متن والای ادبی را هم دارد.

پس ترجمه سورآبادی را هم با این انگیزه منتشر شد؟

بله. دومین ترجمه از قرآن مجید که در زمینه چاپ آن اقدام کردیم، ترجمه سورآبادی بود. اما ما در این مجموعه تنها به تصحیح و استخراج معنای آیات اکتفا نکردیم. علاوه بر این در بخش پایانی، حدود سیصد صفحه از ویژگی‌های زبانشناختی این ترجمه‌ها را به دست دادیم. این کار خیلی مهم بود، و در واقع بخش مهم کار در این مرحله اتفاق افتاده است.

آیا بحث زبانشناختی تنها به ترجمه سورآبادی محدود می‌شود یا دیگر ترجمه‌ها را هم دربرمی‌گیرد؟

بحث زبانشناختی تنها به ترجمه سورآبادی محدود نمی‌شود چون ترجمه ابوالفتوح هم از منظر زبانشناختی مورد توجه قرار گرفت و ترجمه‌های بعدی را هم شامل می‌شود. در انتهای هر یک از این ترجمه‌ها، فصلی را تحت عنوان «ویژگی‌های زبانشناختی ترجمه» آوردیم که در این فصل معنای واژگان را به دست دادیم؛ هم عربی به فارسی و هم فارسی به عربی. مثلاً در ترجمه سورآبادی واژگانی را که مترجم از زبان پهلوی وام گرفته، مشخص کردیم و ویژگی‌های دستوری زبان را نشان دادیم و در پایان ویژگی‌های زبانی و آوایی را مورد توجه قرار دادیم. اگر بخواهیم بگوییم طی قرن پنجم تا ششم در

نسخه‌های جدیدی از این دیوان می‌گشتم، نسخه‌هایی از ترکیه و دیگر کشورها فراهم آمد که نسخه ترکیه دارای ابیات و اشعار افزون تری است. در عین حال نسخه‌ای هم از کتابخانه لاهور به دست آمد که این تصحیح خیلی به ما کمک کرد و نسخه‌های دیگری هم اضافه شد تا سرانجام مجموعه‌ای از اشعار مسعود سعد سلمان فراهم آمد که در مقایسه با آنچه که تا امروز در اختیار داشتیم، کامل تر است. در واقع این دیوان از لونی دیگر است.

قدیمی‌ترین نسخه‌ای که قبل از نسخه ترکیه در اختیار بوده مربوط به چه سالی است؟

نسخه‌ای که تا امروز در اختیار داشتیم و بر اساس همان نسخه‌ها دیوان مسعود سعد را تصحیح و منتشر کردند، مربوط به قرن دهم به بعد است. یعنی تا این تاریخ نسخه قدیمی تری در اختیار نبوده. اما نسخه‌ای که در ترکیه پیدا شد و به عنوان نسخه اساس مورد استفاده قرار گرفت، متعلق به قرن هشتم هجری است که خوشبختانه ما یک نسخه به صورت عکس از آن تهیه کردیم.

اشعار نویافته در این نسخه به چند بیت می‌رسد و چند غزل یا قصیده هست که تاکنون از آن بی‌خبر بودیم؟

تابه حال اشعاری که در دیوان مسعود سعد سلمان آمده بود، حدود پانزده هزار بیت برآورد می‌شد

نداریم و اتفاقاً در این زمینه به تحقیق و پژوهش بسیار نیاز داریم. تصمیم من بر این بود که اگر نهادی یا بنیادی ما را در این زمینه یاری کند، این مجموعه راه‌ده ترجمه کهن از قرآن مجید برسانیم. چنین پژوهش‌هایی به بودجه و حمایت مالی نیاز دارد.

آقای مهیار، با توجه به این که دیوان مسعود سعد قبلاً در ایران منتشر شده بود، شما در تصحیح دیوان این شاعر چه فعالیت متفاوتی انجام داده‌اید و چه ضرورتی شما را به این کار واداشت؟

تصحیح تازه دیوان مسعود سعد از هر لحاظ با چاپ‌های قبلی متفاوت است. در این تصحیح، اشعار نویافته‌ای به دیوان راه یافته که تاکنون کسی از وجود آنها خبر نداشت.

شما چگونه به این اشعار دسترسی پیدا کردید؟

برای اولین بار نسخه‌ای از دیوان مسعود سعد را پیدا کردم که متعلق به قرن هشتم هجری است. دیوانی که امروز در بازار موجود است، دارای اشکالات عدیده‌ای است. به این صورت که مصححان یا نسخه‌های متعدد در دست نداشتند و یا به صورت شتاب‌زده کار را تصحیح و تدوین کرده‌اند. من چندین نقد بر این آثار نوشتم و در مجلات مختلف هم چاپ شده است. بعدها فکر کردم که ضرورت دارد دیوان مسعود سعد دوباره تصحیح و چاپ شود، در حالی که به دنبال

زمینه ترجمه قرآن چه اتفاقاتی رخ داده، در حوزه خراسان بزرگ و ری چه تحولی روی داده است، باید دلیل داشته باشیم. ما این تحولات را در حوزه ترجمه و تفسیر قرآن مورد بررسی قرار دادیم. چنین تحقیقاتی، هم به درد یک زبانشناس می‌خورد، هم برای کسی که می‌خواهد دستور تاریخی بخواند و هم کسی که می‌خواهد از سیر تطور ترجمه قرآن شناخت پیدا کند، مطالعه این بخش‌ها ضروری است.

در حوزه قرآن پژوهی الان چه کمبودهایی احساس می‌شود؟

امروز کمبودی که در حوزه قرآن پژوهی وجود دارد، این است که تاریخچه‌ای از ترجمه قرآن



تصحیح تازه دیوان

مسعود سعد از هر لحاظ با

چاپ‌های قبلی متفاوت

است. در این تصحیح،

اشعار نویافته‌ای به دیوان

راه یافته که تاکنون کسی از

وجود آنها خبر نداشت

آینه های رنگی

سمیه مومنی: نگاهی به زندگی و آثار هنرمندان برجسته جهان، نه تنها ما را با ویژگی های کار ایشان آشنا می کند، بلکه می تواند به نوآوری و شناخت بهتر از خود بینجامد. انتشار کتابی در مورد پیت موندریان - که او را از بزرگ ترین نقاشان مدرن می دانند - می تواند گامی در این جهت باشد. همچنان که در آثار منتشر شده در این کتاب آمده، موندریان با انتخاب بخش هایی از زندگی به عنوان موضوع نقاشی، سعی داشته به نوعی جزئی نمایی دست بزند. وی پس از پرداختن به ارزش های هنری، برای به نمایش گذاشتن ویژگی های حقیقت تلاش می کرد و از آنجایی که زندگی مفهومی ساده یا تکراری نیست در خلال همناوی موزون از تنوعی جذاب استفاده می کرد: وحدت در عمیق ترین حالت خود مفاهیمی را باز می تاباند.... زندگی و هنر هم باید از جمله آن پژواک ها باشند.

از طرح جلد تکراری و نه چندان دلچسب کتاب که بگذریم، کتاب با چاپ تصاویر تمام رنگی از آثار موندریان و نوشتاری که به معرفی او از ابتدای آغاز به کار نقاشی اش تا زمانی که تبدیل به نقاشی بزرگ و تاثیر گذار می شود، جزو مطالب ارزشمند و خواندنی به حساب می آید. تا پایان قرن بیستم، پیت موندریان، متولد هفتم مارس ۱۸۷۲ کشور هلند، به عنوان هنرمندی توانا، در تمام جهان شناخته شد... زندگی و آثار این هنرمند در بیشتر کتاب ها و مجله های هنری چاپ و منتشر شده و تعداد قابل توجهی از همایش های هنری به نقد و تحلیل آثار وی پرداخته اند.



در ادامه کتاب شرحی از زندگی، وضعیت خانوادگی و تحصیلی او آورده شده است: او بسیار تحت تاثیر کویسیم فرانسه قرار گرفت و تابلوهایی را در این سبک آفرید. این آثار در پاییز سال ۱۹۱۱ در آمستردام به نمایش گذاشته شدند. بعد از این نمایشگاه او آمستردام را به مقصد پاریس ترک گفت و تمام بهار سال بعد را برای آشنایی بیشتر با سبک یاد شده در پاریس گذراند. در ادامه، مسیر حرکت موندریان به سمت رسیدن به سبک و شیوه شخصی اش در نقاشی و افرادی که بر او تاثیر گذاشته اند توصیف شده است. او به دلیل تهدید فرانسه به جنگ، این کشور را به مقصد انگلستان ترک می کند و چندی بعد به دنبال برپایی نمایشگاهی از آثارش در آمریکا، به این کشور می رود. کتاب آشنایی با آثار موندریان "گردآوری شده از سوی انتشارات بهار است که سپیده یغمایی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

تکنیک های آبرنگ، عنوان کتاب دیگری از این انتشارات است که جن کونز آن را نوشته و تنظیم کرده است. کونز تحصیلات دانشگاهی اش را در کالیفرنیا به اتمام رسانده، اما علاقه شدیدی به هنرهای تصویری او را بر آن داشته که به کسب تجارب استادان این رشته، مانند رست برنات و لستر بنوار پیردازد. او در سال ۱۹۷۸، به عنوان یک تصویر ساز آبرنگ، به طور تمام وقت مشغول به کار شد. او کار آموزش هنرجویانی را بر عهده داشته و برای خلق آثارش به همراه همسر خود، سفرهای زیادی، خصوصاً به مناطق حاشیه اقیانوس آرام داشته است. او در این سفرها سعی دارد نحوه زندگی و مکان زندگی مردم را در کارهای آبرنگش به تصویر در آورد.

کتاب تکنیک های آبرنگ (به همراه نمونه هایی از چهره سازی کودکان) به شکلی تنظیم شده که فرد با طراحی موضوعات طبیعت بی جان و پرتره آشنا شده و همزمان چگونگی نقاشی و رنگ آمیزی آنها را فرا می گیرد. شیوه آموزش آبرنگ در کتاب، از کار طراحی شکل آغاز شده و مسیر تکامل نقاشی به شکل مرحله به مرحله بیان شده است.

کتاب در دو بخش طبیعت بی جان و نقاشی چهره کودکان، کار آموزش را انجام می دهد و در بخش پایانی کتاب چگونگی انجام طراحی اولیه برای نقاشی آبرنگ و همچنین نحوه انتقال طراحی انجام شده بر روی کاغذ آبرنگ را آموزش داده است. این کتاب را هم سپیده یغمایی به فارسی برگردانده و انتشارات بهار در شمارگان ۲۰۰۰ جلد به چاپ رسانده است.

کتاب "چگونه شخصیت های کارتونی بسازیم" کتابی ساده برای آموزش اصول اولیه انیمیشن سازی بوده که نوشته دون جاردین و ترجمه پری ناز شجره است. دون جاردین هدف این کتاب را کمک به مخاطبان برای داشتن اوقات خوش و فرح بخش با خلق شخصیت های کارتونی عنوان کرده است. او، تمرین زیاد را تنها راه موفقیت می داند و می گوید: هر چه در طراحی طنز و کاریکاتور، بیشتر وقت صرف کنید و بیشتر تمرین کنید، مهارتتان بیشتر می شود و بیشتر از کارتان لذت می برید.

او در این مورد می گوید: مانسلی هستیم که با شخصیت های کارتونی زیبا و جذاب سرگرم شده است. شخصیت هایی مثل چارلی براون، اسنوبی، میکی موس، بیتل بیلی و ... همگی دوستان ما بوده و هستند. جاردین سفارش می کند که اگر می خواهید یکی از دست اندرکاران جهان طنز باشید، این نصیحت را در گوش خود داشته باشید که آثار هنری زیبا را مطالعه کنید و سعی کنید خوب طراحی کردن را بیاموزید. کارتونها و کاریکاتورها را بررسی کنید و مهم تر از همه آنکه پشتکار داشته باشید.

کتاب، در مقدمه، جزئیات چهره ها را تک به تک طراحی کرده و طراحی از روی آنها را توصیه کرده است. همچنین پرداختن به حالت های مختلف چهره مثل غمگین، خندان، متعجب، ترسو و ... را با طراحی های ساده نشان داده است.

جاردین چگونگی کشیدن یک فیگور انسانی را به شکل کارتونی و از روی اسکلت یک آدم واقعی آموزش داده و در این مسیر حرکات مختلف بدن و انعطاف آن را هم نشان داده است.

علاوه بر مشکل طرح جلد - که در هر سه کتاب اخیر این انتشاراتی به چشم می خورد - طراحی صفحات هم با توجه به این که در یک کتاب هنری، صفحه آرای و طرح جلد مناسب، از اصول اولیه است، بسیار نامناسب به نظر می رسد.

فکر می کنم اگر همه به مطالعه آثار حافظ و سعدی بپردازند، چه کسی به خیل عظیم شاعران کلاسیک بپردازد؟ مسیر زندگی شاعرانی چون فردوسی و مولانا و سعدی و حافظ به اندازه کافی شلوغ است و ضروری ندارد که من هم در این مسیر گام بردارم. شاید لازم باشد تحقیق و پژوهش را به سمت این دسته از شاعران ارجاع بدهیم. ما تنها همین چهار قله بزرگ را در شعر فارسی نداریم. ایران سرزمینی است که بزرگان فراوانی دارد. ما در تاریخ ادبیات فارسی ده ها قله داریم که هنوز به درستی کشف نشده اند. اگر هر یک از این قله ها را - حتی شاعران درجه چهار و پنج ما را - کشورهای دیگر داشته باشند، به عنوان پشتوانه فرهنگی خود معرفی می کنند و با ابزارهای تبلیغاتی تلاش می کنند او را از آنچه که هست بزرگ تر جلوه دهند. در حالی که ما چهره های شاخص در شعر فارسی فراوان داریم که باید شناخته و معرفی شوند. به همین خاطر سعی کردم در معرفی این گروه از شاعران بکوشم. ما باید به فکر معرفی کسانی باشیم که در پشت قله های بزرگ شعر از دید ما پنهان مانده اند.

در زمینه دستور زبان فارسی استادان فراوانی کتاب دستور نوشته و منتشر کرده اند. به نظر شما این تعداد آراء و تشتت نظریه ها از کجا ناشی می شود؟

در واقع باید این طور باشد چون دستور زبان یک امر سیال است. یک امر ثابت نیست و قواعد آن به شکل تکاملی پیش می رود.

جدیدترین کتاب دستور زبان فارسی را آقای دکتر فرشید ورد منتشر کرده اند.

من شاگرد ایشان بوده ام. هنوز هم شاگرد ایشان هستم. اما ایشان در دستور زبان حوزه خاصی دارند که بسیاری از زبان شناسان کار ایشان را نمی پذیرند. این است که جدال در زمینه دستور زبان فارسی بین سنتی ها و مدرن ها وجود دارد و خواهد داشت. به طور کلی زبان شناسان نظریه های ایشان را نمی پذیرند. درسی که در زمینه دستور زبان فارسی در مقطع دبیرستان می گذارند خیلی مهم است. این که کدام کتاب را به عنوان تدریس انتخاب کنند مهم است. جالب است که بدانید که ما چند سال قبل در فرهنگستان زبان کاری را در همین زمینه شروع کردیم. یعنی تصمیم بر این بود که بنیاد پژوهشی دستور زبان فارسی را بنا نهم. قرار بود این بنیاد در منزل آقای عبدالحمین گرگانی که اولین پایه گذار دستور زبان فارسی در ایران بود، تشکیل شود. اما با شکست مواجه شد. یعنی هزینه هایی شد ولی پژوهشکده ای شروع به کار نکرد. کتابشناسی دستور زبان به همین منظور تالیف و تدوین شد. ما در آنجا حدود سه هزار دستور زبان فارسی را در همه زبان ها جمع آوری کرده ایم. به اضافه همین تعداد مقاله و رساله فراهم آوردیم. ما در آینده می خواستیم روی آثار جمع آوری شده کار کنیم. اما به هر دلیل موفق نشدیم و این طرح به شکست انجامید.

برای آینده دستور زبان فارسی چه چشم اندازی ترسیم می کنید؟

جالب است بدانید بسیاری از کشورها که در دانشگاه هایشان کرسی ادبیات فارسی دارند، کرسی دستور زبان هم دارند. یعنی علقه و ارتباط بسیاری از کشورها با کشور ایران به خاطر دستور زبان فارسی است. به همین خاطر اگر ما دوهزار دستور زبان فارسی داریم، نزدیک به نود درصد آنها را خارجی ها نوشته اند. درست هم همین است. همچنان که عرب ها خودشان دستور زبان عربی نمی نویسند و ما نخستین بار دستور زبان عربی را نوشته ایم و امروز اغلب دستور زبان عربی را ایرانی ها نوشته اند.

الان حدود بیست رساله دکترا در زمینه دستور زبان فارسی در کشورهای دیگر داریم. در فرانسه چندین رساله دکترا داریم و این افراد که این رساله ها را نوشته اند می توانند سفیرانی برای زبان فارسی و فرهنگ این سرزمین باشند. اما در این سال ها در این زمینه با بی توجهی مواجهیم که این بی توجهی از دبیرستان ها شروع می شود.

اما در تصحیح تازه این اشعار تا امروز پانزده هزار و پانصد بیت مورد مطالعه قرار گرفته. یعنی پانصد بیت نویافته در این دیوان هست که برای اولین بار عرضه می شود و نسخه مادر یا همان نسخه اساس بیش از یازده هزار بیت را شامل می شود. (البته این نسخه افتادگی هایی هم دارد که با نسخه آلمان و نسخه لاهور کامل شد). ابیات و اشعاری در این نسخه وجود دارد که در دیگر نسخه ها نیست. علاوه بر این ما جنگ هایی پیدا کردیم که اشعار عربی مسعود سعد در آنجا مکتوب شده بود. اتفاقاً مقاله ای هم در این زمینه و در مورد عربی دانی مسعود سعد نوشته ام که در مجله میراث مکتوب چاپ خواهد شد.

دلیل علاقه تان به مسعود سعد از کجا ناشی می شود؟ چون قبلاً هم فرهنگ لغات مسعود سعد را تدوین و منتشر کرده بودید. در مجموع چند مقاله راجع به این شاعر نوشته اید؟

کسانی که موضوع رساله دانشگاهی خودشان را انتخاب می کنند، در واقع مسیر آینده زندگی شان را تعیین می کنند. یعنی اگر کسی نوشتن رساله اش را در زمینه ای شروع کرده خودبه خود نوعی دلبستگی و علاقه نسبت به آن موضوع در شخص به وجود می آید. شاید اولین دلیل این امر همین باشد که من رساله کارشناسی ارشدم را درباره مسعود سعد سلمان نوشتم و بعدها هم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آن را چاپ و منتشر کرد. من حدود سی سال است که به ادبیات کلاسیک فارسی دلبستگی فراوان دارم از جمله به آثار مسعود سعد سلمان. اتفاقاً مسعود سعد شاعری است که در پیچ تند تاریخ ادبیات فارسی ایستاده است. شاعری است که تمام بار فرهنگی گذشته را به نسل بعد از خود منتقل کرده و بعد از او دوره دیگری در تاریخ شعر فارسی رقم خورده است. دایره واژگانی اشعارش بسیار گسترده و قوی است. خدمات دیگری هم نسبت به ادبیات و فرهنگ این سرزمین انجام داده که غیر قابل کتمان است، مثلاً اگر اشعار او نبود، ما نام سی روز ماه را نداشتیم. در ایران باستان هم روزها دارای اسامی خاصی بودند. تمام این نام ها را ما از دیوان مسعود سعد داریم و در واقع تنها مأخذ ما در این زمینه دیوان اشعار این شاعر است. چنین چیزی در اوستا هم پیدا نمی شود.

لطفاً در مورد آن پیچ تاریخی و آن دو دوره شعر فارسی که مسعود سعد حلقه واسط آن شناخته می شود، بیشتر توضیح می دهید.

در واقع پایان دوره سبک خراسانی که شعر فارسی می خواهد وارد دوره سبک آذربایجان بشود و بعدها به سبک عراقی بگراید، مسعود سعد یکی از بانیان این تحول شناخته می شود. به همین خاطر شاعرانی که بعدها پا به عرصه می گذارند به نام او برمی خورند. در واقع مسعود سعد الگویشان می شود و از اشعار او تضمین می کنند و ...

دیگر این که ما در تاریخ ادبیات فارسی شاعری که بیش از ۱۵ سال از عمرش را در زندان سپری کرده باشد نداریم که به چنین سرنوشتی گرفتار شده باشد. تمام شعرهایی که در طول این ایام سروده، تاریخ شعر فارسی شاهکار شناخته می شوند.

نسخه ای که در ترکیه پیدا کرده اید و بیش از پانصد بیت نو یافته ای که قرار است به جامعه عرضه کنید، آیا در شناخت مسعود سعد و شعر او تغییری ایجاد می کند؟

این اشعار به لحاظ دایره واژگانی صد درصد تغییری در شناخت سبک و اشعار مسعود سعد ایجاد خواهد کرد. مشکلاتی از این دست فراوان داریم که با چاپ جدید دیوان مسعود سعد این اشتباهات و اغلاط تصحیح خواهد شد. قطعاً چاپ جدید این دیوان منشأ اثر خواهد شد.

همین علاقه به شعر و ادبیات بوده که شما را به سمت تالیف کتاب «جان معنی» - درباره زندگی و شعر کمال الدین اصفهانی - سوق داده است؟ شاید بتوان گفت که رشته تحصیلی من، ادبیات مرا به این سمت کشانده است. از این گذشته، من



یادداشت

مجید قیصری

عرصه فراخ داستان انقلاب



هر ساله جشنواره‌ها و جایزه‌های متعددی از سوی مراکز و نهادهای مختلف برگزار و در جهت پیشبرد و پویایی ادبیات کشور تلاش می‌شود؛ جشنواره‌هایی که کم و بیش تأثیرات مثبتی از خود به جای می‌گذارند و یا تأثیری به غیر از صرف هزینه‌ها ندارند، اما جدای از در نظر گرفتن نتیجه جشنواره‌ها به نظر می‌رسد که جایزه و جشن‌هایی که هم‌اکنون برگزار می‌شود به هیچ وجه برای این فرهنگ و این جمعیت کافی نیست. ما باید هر ۳۶۵ روز سال جشنواره داشته باشیم. در واقع تنوع جشنواره‌ها باید آفندر زیاد شود که بتواند علائق و سلاطین گوناگون را زیر چتر خود جای دهد. به همین دلیل هر حرکتی که در راستای پیشرفت و اعتلای ادبیات کشور آغاز و انجام شود، میمون، مبارک و قابل تقدیر است. فقط به شرطی که بتواند ادبیات ما را حتی یک گام جلو ببرد، نه این که مانعی برای ورود به عرصه‌های پیش رو باشد.

معمولاً جشنواره‌های مختلف در آغاز حرکت و گام اول با مسائل و مشکلات مختلفی روبه‌رو می‌شوند و از کمبودهایی رنج می‌برند که در صورت مدیریت مناسب و فراهم کردن زمینه‌های مناسب در گام‌های بعدی با کیفیت بهتر و بیشتری ادامه می‌یابند. این قاعده در مورد نخستین جشن داستان انقلاب نیز که هم‌اکنون مراحل داوری خود را طی می‌کند نیز صادق است. از روند برگزاری جشنواره به نظر می‌رسد که در آثار خلق شده تنها یک مقطع محدود از تاریخ انقلاب را مدنظر قرار گرفته است. در صورتی که منظر مادر این مورد باید بسیار فراخ‌تر باشد و با سعه‌صدر بیشتری به موضوع نگاه کنیم، به خصوص اگر قرار باشد در مورد رمان انقلاب کاری صورت گیرد، نباید عرصه را به سال ۱۳۵۷ محدود کرده، بلکه باید زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب و حوادث و وقایعی را که در سال‌های پیش از انقلاب رخ داده‌اند را در نظر بگیرد و پیروزی آن موثر بوده‌اند نیز لحاظ شود و آثار مربوط به آنها را در جشنواره پذیرفت. مقطع بعدی که بسیار مهم و اساسی است و جای آن در جشنواره خالی است، رمان‌ها و داستان‌هایی است که می‌تواند با موضوع توفیق انقلاب در دستیابی به اهداف و مقاصد خود نگاهشده شود.

اولین جشنواره داستان انقلاب به مثابه خشت اول یک بناست. اگر این خشت به درستی در جای خود گذاشته شود، سبب ترغیب بسیاری از نویسندگان به نوشتن در این عرصه خواهد شد و سبب زنده شدن امید در دل جامعه ادبی کشور می‌شود. بسیاری از نویسندگان ژانر رمان و داستان، مقطع انقلاب را دوست دارند و علاقه‌مندند که در این عرصه بنویسند که یقیناً این جشنواره آنان را به نوشتن ترغیب خواهد کرد. از طرفی انتظار می‌رود که جشنواره داستان انقلاب به این حرکت دامن بزند و آن را هر چه گسترده‌تر و پویاتر دنبال کند تا شاهد خلق داستان و رمان‌های بیشتر و بهتری با موضوع انقلاب باشیم.

در جشنواره امسال نباید منتظر اتفاق خاصی بود و انتظار داشت که تحولی در عرصه داستان و رمان انقلاب صورت گیرد. اما از آنجایی که در جشنواره‌های آتی نویسندگان از زمان بیشتری برای خلق اثر برخوردارند قطعاً امیدهای زیادی برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره وجود دارد. البته این پیشرفت وابسته به این است که کسانی که وارد حوزه نوشتن برای انقلاب می‌شوند، ببینند که این عرصه بسیار فراخ و گسترده است.



عبدالله الماسی

دبیر اجرایی نخستین جشن داستان انقلاب از روند داوری‌ها و کیفیت آثار گفت

داستانی که دیر شروع شد

هنوز ملت ایران شیرینی پیروزی انقلاب اسلامی را به خوبی نچشیده بود که متحمل جنگ تحمیلی شد. در این بین هنرمندانی که پس از پیروزی انقلاب می‌خواستند درباره انقلاب بنویسند و راز و رمز آن حماسه عظیم را ثبت و ماندگار کنند، درگیر جنگی شدند که هشت سال به طول انجامید و وقتی هم که از جبهه برگشتند، خاطرات، قصه‌ها و حوادثی را با خود آوردند که تا سال‌ها مشغول ثبت و ضبط آنها شدند. اما در موضوع انقلاب دیگر کار چندانی صورت نگرفت و در واقع ثبت ادبیات انقلاب به تأخیر افتاد. نخستین جایزه جشن داستان انقلاب با هدف ایجاد تحرک و پویایی در عرصه نویسندگی انقلاب، حمایت از ادبیات داستانی و نیز نویسندگان این عرصه به همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به دبیری امیرحسین فردی برگزار می‌شود. دبیرخانه این جایزه در نظر دارد پس از معرفی آثار برگزیده (اول، دوم) و تقدیری (سوم) در دو بخش رمان و داستان بلند انقلاب و داستان کوتاه انقلاب، کتابی از بهترین داستان‌های ارسالی منتشر کند. به همین انگیزه به سراغ محمد ناصری دبیر اجرایی نخستین دوره جشن داستان انقلاب رفتیم و در مورد نحوه شروع و اجرای جایزه با وی گفت‌وگو کرده‌ایم. ناصری سال ۱۳۴۵ در تهران متولد شد. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد امور فرهنگی از دانشگاه تهران است. «روز اول مدرسه»، «یک قطره یک دریا»، «جای پای ابراهیم»، «کتاب علامه جعفری» و «دریا به دریا» از جمله آثار ناصری است.



بعضی از نویسندگان با ما تماس گرفتند و مهلت خواستند تا پاک‌نویس اثر خود را که غالباً رمان است، به اتمام برسانند. ما هم با این درخواست موافقت کردیم. البته دبیرخانه دائمی جشن بزرگ داستان انقلاب از هم‌اکنون آماده دریافت آثار نویسندگان برای شرکت در جشنواره سال آینده است.

ستاد خبری شما در مورد این نوع مهلت دادن به نویسندگان، اطلاع‌رسانی کرده بود؟

این اطلاع‌رسانی بسیار خوب انجام شده است. به هر حال ممکن است کسانی وجود داشته باشند که از این مسئله اطلاع نداشته باشند اما قطعاً تعداد آنها بسیار کم است. ضمن این که برخی از نویسندگان هم که اطلاع داشتند موفق نشدند اثر خود را برای ارسال به جشنواره آماده کنند و ترجیح دادند در دوره بعد شرکت کنند.

قبول دارید که مهلت ارسال آثار کم بود؟

نه. زیرا ما از تیرماه این فراخوان را اعلام کردیم. اما ممکن است نویسنده‌ای رمانی را در نظر داشته باشد که به طور طبیعی یک سال وقت بخواهد. در این صورت او می‌تواند رمان خود را برای جشنواره دوم ارسال کند. به طور طبیعی هر جشنواره زمان بندی خاصی برای خود دارد و ما این را بارها اعلام کرده بودیم.

تعداد آثار رسیده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر ما این تعداد اثر خوب بوده است. اما قطعاً جشنواره سال آینده بسیار بزرگتر از امسال خواهد بود. در ضمن بسیاری از نویسندگان صاحب اثر که از برگزاری جشن داستان انقلاب مطلع بودند، وعده سال آینده را به ما دادند، زیرا اثرشان آماده نبود.

داوری‌ها از چه زمانی آغاز شده است؟

در ابتدا آثار ضعیف و غیر مرتبط کنار گذاشته شد و در واقع آثار رسیده پس از ریزش اولیه در سه قسمت به داوران ارائه شد. بخش اول و دوم آثار به داوران ارائه و مورد داوری قرار گرفته است و داوری‌ها نیز تا نیمه دوم بهمن ادامه می‌یابد.

بر اساس چه معیارهایی داوران جشنواره را انتخاب کردید؟

هیچ محدودیتی برای تعداد آثار نگذاشتیم و ممکن است نویسنده‌ای دو یا حتی چند اثر را به جشنواره ارسال کند. مثلاً یک داستان بلند و یک رمان

ما سعی کردیم کسانی را انتخاب کنیم که صاحب آثاری خوب و در عین حال کارشناس باشند. در واقع قصد ما این بود که داوران معتبری را انتخاب کنیم، زیرا اعتبار داوران نشان دهنده اعتبار جشنواره نیز هست و اطمینان داریم داوران ما می‌توانند در زمان مقرر و به خوبی، آثار رسیده را داوری کنند.

آیا داوران هم مجاز بوده‌اند که آثار خود را در جشنواره شرکت دهند؟

خیر. این امکان برای آنها وجود ندارد. زیرا ایجاد شائبه می‌کند.

هر نویسنده فقط یک اثر به جشنواره ارسال کرده است؟

نه این طور نیست. یعنی ما هیچ محدودیتی برای تعداد آثار نگذاشتیم و ممکن است نویسنده‌ای دو یا حتی چند اثر را به جشنواره ارسال کند. مثلاً یک داستان بلند و یک رمان.

یعنی ممکن است نویسنده صاحب دو رتبه شود؟

بله این امکان وجود دارد. البته این که نویسنده‌ای بتواند در دو یا چند قالب، آثار ارزشمندی ارائه دهد و در همه آنها شایسته کسب رتبه باشد، بسیار نادر است.

در این جشنواره ۲۲/۵ میلیون تومان به نویسندگان برتر اهدا می‌شود که رقم قابل توجهی است. این جایزه تنها از سوی حوزه هنری تامین می‌شود؟

حوزه هنری تصمیم داشت در بخش داستان و رمان بلند به نفرات اول تا سوم به ترتیب چهار، سه و دو میلیون تومان و در بخش داستان کوتاه نیز یک میلیون، ۷۵۰ و ۵۰۰ هزار تومان اهدا کند، اما پس از مدتی آقای دکتر پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که این معاونت نیز جایزه‌ای معادل جایزه حوزه هنری در نظر گرفته است. بدین ترتیب مقدار جایزه عملاً دو برابر شد.



ژانرهای بدون مرز

در حالی که ژانرهای ادبی یکی پس از دیگری با همت و خلاقیت نویسندگان پای به عرصه وجود می گذارند، اما همچنان مرجع مشخصی برای تعریف دزست و قاعده مند کردن علمی و منطقی این ژانرها وجود ندارد. ژانرهای جدیدی که می توانند به عنوان ابزاری جدید در خدمت نویسندگان و زمینه ساز تولید آثاری خلاقانه از سوی آنها باشند، در برخی از موارد حتی به وسیله ای برای اجحاف در حق آنان تبدیل شده است به طوری که در جشنواره های مختلف شاهد بوده ایم که آثار ارزشمندی بین خاطره و داستان یا زندگی نامه و داستان و ... سرگردان بوده اند و چون ژانر مشخصی وجود نداشته که در ذیل آن قرار گیرند، یا به طور کلی و یا در سایر گروه های داور حذف شده اند. از سوی دیگر اگر برای این آثار ژانر جدیدی تعریف نشود، مخاطب آنها دچار سردرگمی می شود.

زندگی نامه داستانی، همچنان بدون مرز

با وجود این که زندگی نامه داستانی به عنوان ژانر مستقلی شناخته شده است و در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس نیز کتاب های رسیده به این بخش جدای از زندگی نامه غیرداستانی بررسی و داوری می شود، اما به نظر می رسد که نه تنها تعریف مشخصی از این ژانر وجود ندارد، بلکه به کاربرد عنوانی چون سرگذشت نامه در شناسنامه کتاب هایی که در واقع زندگی نامه داستانی هستند، باعث پیچیدگی های بیشتر در تعریف این ژانر ادبی شده است.

نصرت الله محمود زاده نویسنده با بیان این که تاکنون از زندگی نامه داستانی تعریف مشخصی ارائه نشده است از تلاش کارشناسان و صاحب نظران برای تعریف این ژانر ادبی سخن می گوید و معتقد است چون تنوع نوشته ها در این عرصه زیاد است، هنوز به صورت کارشناسی مرزی برای زندگی نامه داستانی مشخص نشده است.

سرداور بخش زندگی نامه داستانی یازدهمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس تعریف خود را از این ژانر بیان می کند: «زندگی نامه داستانی شرح حال کامل زندگی یک شخصیت است که حوادث مهم زندگی او را در برمی گیرد و به صورت یک متن ادبی به چاپ می رسد، به گونه ای که مستندات شفاهی و کتبی به کار رفته در این شرح حال منعکس کننده واقعیات زندگی آن شخص باشد و در نهایت زندگی فرد بر ساختار نوشته (رمان، داستان) استوار باشد. یعنی شخصیتی که در کتاب منعکس می شود، شخصیت اصلی فرد باشد نه آن چیزی که نویسنده می سازد.»

نویسنده کتاب «مسیح کردستان» معتقد است که اگر نویسنده در طول نگارش زندگی نامه داستانی با خلأهایی مواجه شد و به نکاتی از زندگی فرد برخورد که برای آن هیچ سندی در دسترس نبود، همزمان با این که این دوران را براساس خیال خود می نویسد باید نسبت به عوامل محیطی آن زمان هم شناخت داشته باشد و از روال معمولی و عادی زمانی که شخصیت مورد نظر در آن قرار داشته است خارج نشود.

محمود زاده معتقد است که سرگذشت نامه اصلا معنایی ندارد و کسی هم نسبت به آن ادعایی نکرده است و در واقع استفاده از چنین عنوانی بازی کردن با لغات است: «اگر بخواهیم سرگذشت نامه را گونه خاصی بدانیم، می توان آن را شاخه ای از زندگی نامه داستانی دانست، اما به نظر من اصلا نیازی نیست که به آن پرداخته شود. زیرا ما هنوز نتوانسته ایم برای زندگی نامه داستانی چارچوب مشخصی ارائه دهیم چه برسد به این که بخواهیم آن را منشعب کنیم.»



او بر این باور است که نویسنده ابتدا باید ببیند که آرمان او چیست و چه چیزی را می خواهد منتقل کند، سپس این پیام و آرمان را از طریق ابزاری که بیشترین مهارت را در آن دارد، انتقال دهد، اما نویسنده باید نسبت به چارچوب ابتدایی و اولیه ای که در عرصه نوشتن وجود دارد آگاه باشد.

کتاب های سرگردان

هر چند در سال های اخیر، ژانرهای ادبی مختلفی رسمیت یافته و تعریف شده است و با این که برخی از آثار خلق شده از سرگردانی درآمده و زیر این عنوان های جدید جای گرفته اند، اما برخی از آثار همچنان در سرگردانی به سر می برند.

جواد محقق، نویسنده معتقد است که امروزه انواعی از نوشته به وجود آمده است که بعضی از آنها ذیل عنوان های سابق جانی می گیرند به همین دلیل نیاز به ایجاد ژانرهای جدید است: «این اتفاق باعث شده که عده ای با ترکیب سازی یا معادل سازی برخی واژه های زبان فارسی در زمینه نام گذاری ژانرها تلاش کنند اما چون جایی برای ساماندهی این ژانرها وجود ندارد، منجر به ایجاد تشمت شده است و از آنجایی که نام گذاری های جدید به وسیله پدید آورندگان صورت گرفته است، هم پوشانی با سایر ژانرها ایجاد کرده است اما اگر جایی مثل فرهنگستان زبان فارسی شاخه یا گرایشی برای بازبینی انواع نگارش ایجاد کند، باعث ایجاد ضابطه در این عرصه و جلوگیری از اعمال سلیقه های فردی پدید آورندگان می شود.»

اما کتاب هایی نیز در بخش زندگی نامه داستانی تالیف می شوند که به غلط در شناسنامه آنها عنوان زندگی نامه درج می شود. محقق این دو ژانر ادبی را کاملاً متفاوت می داند و معتقد است: «فضاسازی و تخیل از عناصر مهم زندگی نامه داستانی است و این عناصر گرچه اثر را خواندنی تر می کنند اما احتمالاً درصدی از سندیت کار را برای بعضی مخاطبان جدی زیر سوال می برد.»

نویسنده کتاب «تاوان عشق» بر این باور است که ژانر زندگی نامه نیازمند شاخه های بیشتر و ریزتری است که تاکنون ایجاد نشده است. او با بیان این که سرگذشت نامه اسم دیگر زندگی نامه است و این دو تفاوتی با هم ندارند، توضیح می دهد که چون هیچ مرجعی انواع ژانرها و مرز بین آنها را مشخص نکرده، عنوانی که در شناسنامه کتاب ها درج می شود سلیقه ای است: «به نظر من باید مرجعی این کار را برعهده بگیرد و با فیبا که مرجع صدور شناسنامه برای کتاب است، همکاری کند.»

به گفته محقق اگر با دقت و ظرافت ژانر کتاب ها را مشخص کنیم، کتاب هایی را خواهیم دید که در هیچ یک از ژانرهای موجود جای نمی گیرند.

ژانرهای جدید در انتظار

تشکیل مرجعی برای ساماندهی و نظم دادن به ژانرها، تنها متوجه وضعیت موجود نخواهد بود. زیرا قطعاً در روند حرکت ادبیات کشور و به ویژه ادبیات دفاع مقدس، ژانرها و گونه های جدید دیگری متولد خواهند شد و اگر اکنون اقدامی صورت نگیرد، در آینده ای نه چندان دور باید در انتظار تداخل بیشتری بین ژانرهای مختلف باشیم.

سخنان محمدعلی فقیه، مدیرکل انتشارات بنیاد شهید در مورد زندگی نامه داستانی نیز شنیدنی است. محمدعلی فقیه، مدیرکل انتشارات و اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران، زندگی نامه داستانی را ژانری چالش برانگیز معرفی می کند که تاکنون به درستی تعریف نشده است و استاندارد مشخصی ندارد: «هر ژانری که موجودیت پیدا می کند و یا با برنامه و مطالعه ایجاد می شود، باید به صورت علمی و منطقی تعریف و قاعده مند شود، در صورتی که تاکنون برای زندگی نامه داستانی چنین اقدامی صورت نگرفته است. اما ما در زمینه تئوریزه کردن این ژانر در حال تلاش هستیم.»

اگر شاخص های مشخصی برای زندگی نامه داستانی تعریف نشده است پس چرا در جشنواره های مختلف آن را به عنوان یک ژانر معرفی و آثاری را در آن به داوری می نشینند؟ او در پاسخ به این سوال چنین می گوید: «اما هم همین سوال و انتقاد را داریم. زیرا تا زمانی که تعریف مشخصی از زندگی نامه داستانی نشده، نباید آن را به عنوان یک ژانر معرفی کرد. در واقع ژانر زمانی به وجود می آید که در جامعه عمومیت پیدا کند. زندگی نامه داستانی عمومیت پیدا کرده است اما همچنان بی قاعده است.»

فقیه از ژانر جدیدی به نام «خاطره داستان» خبر می دهد و «خاطره روایی» و «بازآفرینی خاطره» را از نام های دیگر آن اعلام می کند: «در این ژانر خاطره با واسطه نقل می شود، در واقع خاطره از زاویه دید سوم شخص است. ژانر خاطره داستان نیز شاخصه و قاعده مشخصی ندارد و چون خلق اثر در این قالب راحت است، اگر شاخص های آن تعریف نشود دچار آسیب می شود.»

بنابراین ما درصدد هستیم که با کمک نویسندگان حوزه ایثار و شهادت، معیارهای علمی و منطقی برای آن تدوین کنیم که تقریباً به معیارهای اولیه آن دست یافته ایم.»

یادداشت

رحیم مخدومی



خاطره نویسی، اتهام ادبی!؟



خاطره نویسی یا خاطره نویسی، انتقال خاطره (مثبت ذهن) از طریق زبان یا قلم (شفاهی و کتبی) است. البته این دو، طریق معمول و مستعمل است و گرنه انتقال (نقل)

خاطره از راه های دیگر نیز امکان پذیر است مثل نمایش رویداد از طریق رفتار و کردار (بازسازی یا بازنمایی خاطره) و ...

در نقل خاطره رعایت اصل امانت، اصلی ترین معیار است. چرا که بدون آن، خاطره دیگر خاطره نیست بلکه اثری است براساس خاطره.

حکایت خاطره، حکایت آب است و نقل خاطره، ظرفی که آب را در خود جای می دهد. آب را می توان در ظرف های مختلف و با اشکال و اندازه های گوناگون ارائه داد. بدون آن که به آب بودن آب لطمه ای وارد شود. اما اگر به آب شکر بیفزاییم، دیگر آب نیست؛ شربت است. هر چند شربتی بر اساس آب. خاطره هم همین گونه است. تغییر زمان و مکان و وقوع خاطره، تغییر عوامل موثر در شکل گیری خاطره، تغییر ماهیت خاطره است هر چند شاید معجون به دست آمده بسیار شیرین تر و متعالی تر از خاطره باشد اما دلیلی ندارد همچنان آن را خاطره بنامیم؛ همان طور که دلیلی ندارد شربت را آب و شیر کاکائو را شیر بنامیم.

البته همان طور که از ظاهر کلام پیداست، این نگاه قصد ندارد هیچ گونه ای را بر گونه ای دیگر - صرفاً به خاطر خاطره بودن یا نبودن - برتری دهد. چرا که هر یک از اینها در جای خود اهمیت و ضرورت خاصی پیدا می کند. در این جا تنها ضرورت تفکیک گونه ها از یکدیگر و تخصیص اسامی خاص به هر یک مدنظر است. چرا که نبود تفکیک این دو در عرصه ادبیات دفاع مقدس مسائل و مشکلاتی را پدید آورده است. در حال حاضر جشنواره های ادبیات دفاع مقدس آثار تولید شده براساس خاطره - یعنی همان معجون - را که نه داستانی و نه وفادار به خاطره، عملاً از دور داوری حذف می کنند. چه بسا شاهد اجحاف در حق آثاری هستیم که در کیفیت گاه یک پله بالاتر از خاطره ایستاده اند اما بی سرپرستند! این بی سرپرستی به معنی گمنامی است. آثار ادبی برگرفته از خاطرات دفاع مقدس، چندی است که متولد شده اند اما متولیان امر نامی برای آن انتخاب نکرده اند. این گونه آثار ناگزیر قالب های طرف هایی را برای ارائه برمی گزینند. قالب ها نوعاً گونه هایی شناخته شده و صاحب نامند. مثل داستان، نمایشنامه و فیلمنامه. در این صورت تکلیف آثار تولید شده مشخص است. اینها داستان ها، نمایشنامه ها و فیلمنامه هایی هستند که براساس خاطره می توان عنوان موجز تر خاطره داستان، خاطره نمایشنامه و خاطره فیلمنامه را برای آنها برگزید.

اما قالب های انتخاب شده همیشه این گونه شفاف و از پیش نامگذاری شده نیستند. اینجاست که اختلاف نظر بین ارزیابان موجب بروز مشکلاتی از قبیل قربانی شدن اثر می شود.

آیا وقت آن نرسیده که با گزینش یک عنوان مناسب، غائله خاتمه یابد؟ تولید آثار ادبی اقتباس شده از خاطره که با دخل و تصرف در عناصر خاطره پدید می آیند و در هیچ یک از قالب های مرسوم نمی گنجند، از این گونه اند.

تکلیف این آثار که تجربه نشان داده مخاطب قابل توجهی هم دارند و نیز پر شمارگان ترین خاطرات هستند، چیست؟ آیا صرف نداشتن عنوان، می توان بهانه ای برای حذف یا کم توجهی به آنها باشد؟!



پرواز بر بال رویا



قصه گویی از کهن ترین ابزارهای تربیتی مردم مشرق زمین و آمیخته ای از فرهنگ و هنر است. قصه گویی از هنرهایی است که در نهایت سادگی، تأثیری بسیار عمیق بر مخاطب می گذارد و برای این کار نه از ابزارهای گوناگون و پیچیده هنر امروز که تنها از واژه ها و آهنگ کلمات استفاده می کند.

قصه گویی، هنر ساده ای است و همه کسانی که به قصه علاقه مندند، می توانند از این ابزار ساده و تأثیر گذار بهره ببرند، به شرط آن که روح واژه ها را دریابند، چرا که قصه گویی، چیزی جز درک ذات کلمات و کشف و شهودی عارفانه نیست و قصه گو، کسی است که با سحر کلام خود، مخاطبان را افسون کرده و آنان را به سیر و سفری درونی و عارفانه فرا می خواند.

قصه گو بر بال گفتار سوار است و گفتار، برخلاف زبان، تنها مجموعه ای از واژگان نیست که وسیله ای برای انتقال معنا و پیام است و قصه گویی، اشعار بر گفتار و شناخت موسیقی و جادوی کلام است.

اگرچه قصه گویی، انواع گوناگونی را در بر می گیرد؛ از قصه گویی سنتی گرفته تا قصه گویی مدرن اما آنچه اهمیت دارد تأثیر ماندگار قصه بر روح و روان مخاطب است تا جایی که امروز به این نکته مهم پی برده اند که کودکان بسیاری چیزها را پیش از خواب فرامی گیرند و شاید یکی از سبب های قصه گویی، برای کودکان قبل از آن که به خواب روند، همین بوده است و حمید عاملی از قصه گویانی بود که قصه و افسونش را به خوبی می شناخت.

حمید عاملی از نسل قصه گویانی بود که از صبحی مهدی پیروی می کردند. او بازیگری خوب، گوینده ای پرتوان و قصه گویی مهربان بود که با صدای گرم و دلنشین خود، توانست بر روح و روان شنوندگان تأثیر بگذارد و آنان را سوار بر بال رویا به دنیای جادوی قصه ها ببرد. عاملی، نویسنده خوبی هم بود و به راحتی می توانست آن چه می گوید را به نوشتار تبدیل کند. این در حالی است که بسیاری از قصه گویان، از این توانایی بی بهره اند. عاملی توانست نسل پیش از انقلاب را به نسل پس از آن پیوند زند. او بر خورد گرمی هم داشت. خوب یاد هست، سال ۱۳۸۱ جشنواره قصه گویی کانون پرورش فکری را، هنوز بر خورد گرم عاملی و صمیمیت و لطفش را به خاطر دارم. کار در رسانه ای چون رادیو، عارفانه ترین کار فرهنگی است و عاملی، سال ها عارفانه زیست. روانش شاد و یادش گرامی باد.



سفر به سرزمین قصه ها



می گیرند.»

«افسانه ها به بازسازی واقعیت می پردازند و بهتر زیستن را به انسان آموزش می دهند، همچنین دامنه تخیل آنها را گسترده تر کرده و با پرو بال دادن به خیال آنان، حقیقت را به آنها نشان می دهند.»

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان همچنین معتقد است: «قصه ها از قالبی تمثیلی استفاده می کنند و با زبانی نمادین، از نیازهای درونی انسان سخن می گویند و با بیان غیر مستقیم گفتنی ها، به سمت سوررئالیسم و دنیای فرا واقعی حرکت می کنند.»

وی قصه ها و افسانه ها را جزو ادبیات شفاهی مردم ایران بر شمرده و می گوید: «این ادبیات به دست مردم ساخته و پرداخته شده است و این خود مردم بوده اند که این قصه ها را سینه به سینه نقل کرده و به نسل حاضر رسانده اند و تازمانی که این مردم زنده اند، این نوع ادبیات از بین نمی رود و نمی میرد.»

شعبانی معتقد است که قصه ها و افسانه ها به گروه سنی خاصی تعلق ندارند و هم بچه ها می توانند از گوش سپردن به آن لذت ببرند و هم پدر و مادرها و هم بزرگ ترها می توانند قصه ها و افسانه ها را بشنوند و لایه های عمیق تر آن را دریابند و این راز ماندگاری قصه است و حمید عاملی، جزو قصه گویانی بود که به خوبی به این تأثیر فراگیر پی برده بود.

شاعر مجموعه «شعرهای بی خیال میرزا» قصه گویی را بهترین روش برای ارتباط با کودکان و آموزش به آنها می داند و می گوید: «امروز، جهان به این ویژگی قصه پی برده و به سوی افسانه های مشرق زمین گرایش پیدا کرده است. چرا که قصه انسان را روانه جهانی خیالی کرده و ذهن او را به کشف تازه ها وامی دارد. همچنین ابعاد انسانی را در کودکان گسترش می دهد و آنان را به فطرت حقیقی خود که پاک و زلال است، نزدیک می کند.»

پس چگونه می توان گفت که یاد و خاطره حمید عاملی از ذهن علاقه مندان به قصه پاک می شود. کسی که می گفت: «من با رادیو زندگی کردم، به من می گویند بابا عاملی. کلمه بابا کم چیزی نیست و من رایگان، آن را به دست نیآوردم. من به مردم بدهکارم و شما دیگر نمی توانید بگویید پیر شده ام و قصه جایگاهی در رادیو ندارد. قصه زنده است و هرگز از دل بچه ها بیرون نمی رود و بچه های این مرز و بوم هرگز آن را فراموش نمی کنند.»

قصه گویی.»

کودکان از نصیحت بیزارند

قصه گویان باید بدانند چه قصه هایی را برای کودکان انتخاب و تعریف کنند. آنها نمی توانند چند پیام را در قالب یک قصه بکنجاند چرا که بچه ها حس می کنند که دارند به آنها پند و اندرز می دهند در حالی که همه کودکان از نصیحت بیزارند.

عذرا و کیلی، یکی از قصه گویان پیشکسوت نیز معتقد است: «قصه یک نیاز فطری و طبیعی است و در همه زمان ها و مکان ها، مخاطبان خاص خود را دارد، به همین خاطر به بهانه پیشرفت فناوری نمی توان مانع از گردآوری و انتشار قصه ها شد. اما باید با دقت و وسواس بیشتری به انتخاب داستان ها و روایت ها پرداخت و قصه هایی کوتاه و تأثیر گذار را برگزید و از بچه ها انتظار نداشت که بنشینند و به قصه های طولانی گوش بدهند.»

وی مشارکت دادن بچه ها در قصه گویی را یکی از عوامل تأثیر گذار در گرایش آنان به قصه و داستان می داند و می گوید: «من، تلاش می کنم زمینه ای را فراهم آورم تا بچه ها بتوانند با درک و حس خود، قصه را کامل کنند یا خود برای همسن و سالانشان قصه بگویند. این امر موجب می شود تا هم احساس نزدیکی بیشتری با یکدیگر داشته باشند و پدران و مادران هم ارتباط بهتری با کودکان خود بگیرند.»

و کیلی، حمید عاملی را پیر قصه گویی ایران معرفی و بیان می کند: «من از سال ۴۸ با عاملی آشنا شدم. او قصه گو و گوینده بسیار خوبی بود و به خوبی می توانست، قصه های خود را به صورت مکتوب در آورد و همه دغدغه و نگرانی اش این بود که مبادا قصه، مخاطبان خود را از دست بدهد و با توجه به این که خود، امکان قصه گفتن در رادیو را از دست داده بود، همواره به ما سفارش می کرد: «مبادا در قصه گویی به گونه ای رفتار کنید که شنوندگان از گوش دادن به داستان هایتان پرهیز کنند.»

وی قصه را یکی از مهم ترین و موثرترین ابزارها برای انتقال معنا و مفهوم به کودکان می داند و معتقد است: «مربیان و پدر و مادرها می توانند ظرفیت های قابل توجه قصه را بشناسند و از آن برای آموزش کودکان و دانش آموزان خود استفاده کنند و این در حالی است که آموزش و پرورش، آن گونه که باید و شاید به قصه گویی اهمیت نمی دهد و بسیار اندک و انگشت شمارند معلمانی که قصه را می شناسند و از این قالب برای آموزش مفاهیم مختلف بهره

قصه ها و افسانه ها هم سفر می کنند و از سرزمینی به سرزمین دیگری می روند و در هر جا و میان هر قومی دگرگون می شوند و با نیازهای فرهنگی آن قوم و قبیله هماهنگ و با پسند و سلیقه آنان روایت می شوند و در این سیر و سفر، گاه افسانه ها به هم می پیوندند و یکی می شوند؛ گاه از هم جدا شده، اجزای یک افسانه با افسانه های دیگر می آمیزند و رنگ و آهنگی نو می یابند. قصه ها را مردم می سازند و می پردازند و هم آنان هستند که گاه با نام قصه گو و افسانه سرا در هر گوشه جهان، افسانه های پیشینیان را با روایتی نو صیقل می دهند تا آن را با دگرگونی هایی که در جهان روی می دهد هماهنگ کنند. قصه گویانی که اگر چه به باور بعضی در دنیای صنعتی و پر شتاب امروز، جایی ندارند اما کودکان هنوز هم نوای دلنشین آنان و دنیای خیال انگیز قصه ها را از خاطر نبرده اند؛ همان گونه که صدای گرم و آشنای حمید عاملی را فراموش نکرده و نمی کنند.

حمید عاملی، پدر قصه گویی ایران با آن موهای سپید و نوای دلنشین، ۵۰ سال برای مردم ایران قصه گفت تا به آنان بقبولاند که می توان فرهنگ و سنت ایرانی را سینه به سینه منتقل کرد و با آنها از دنیای سرشار از روشنی سخن گفت چرا که معتقد بود ایران، مهد قصه و قصه گویی است و قصه گویی نباید از این سرزمین رخت بر بندد.

در گذشت قصه گوی نام آشنای ایران، ما را بر آن داشت تا به قصه و قصه گویی بپردازیم و از تأثیر قصه بر ذهن و روان کودکان سخن بگویم. مرگان شیخی، قصه را نوشته ای تخیلی و سرگرم کننده می داند که روان، آموزش دهنده، جذاب و هیجان انگیز است و معتقد است: «قصه ها در قالب تمثیل به بیان آرزوی بچه ها می پردازند و این امر موجب می شود کودکان به فکر کردن در مورد پدیده ها بپردازند و این اندیشیدن، تخیل آنان را برمی انگیزد و سازمان های دولتی چون وزارت ارشاد، آموزش و پرورش و باید به حمایت مالی و معنوی از قصه گویان و گردآوری قصه هایشان بپردازند.»

وی معتقد است: «کودکان با شنیدن قصه هایی که برای آنها خوانده و یا تعریف می شود می توانند با اشیاء، حیوانات، موقعیت ها و زمان ها و مکان های مختلف آشنا شوند، همچنین داستان ها قدرت تمرکز و دقت کودکان را افزایش داده و به رشد عاطفی و کلامی آنان یاری می رسانند.»

نویسنده مجموعه «۳۰ قصه، ۳۰ شب» قصه را ابزاری برای رشد تخیل کودکان می داند و می گوید: «قصه ها به تخیل کودکان پرو بال داده و به آنان کمک می کند که با منطق و درک خاص خود به کشف و شناخت دنیا بپردازند.»

شیخی در پاسخ به این که بعضی معتقدند قصه ها در دنیای امروز جایی ندارند، می گوید: «اگر قصه ها خوب و پرکشش باشند، همیشه جایگاه خود را حفظ می کنند؛ اگر چه در شرایط امروز و با وجود امکانات گسترده ارتباطی، قصه نوشتن برای کودکان مشکل تر شده و کسانی می توانند موفق عمل کنند که طرحی نو داشته باشند و به زمینه هایی بپردازند که کمتر به آن توجه شده است.»



درباره مخاطب شناسی ادبیات کودک و نوجوان

هر اتاقی، مرکز جهان است



از آفرینش یک اثر ادبی تا خواندن آن، مراحل مختلفی وجود دارد. مولف در فرایندی پیچیده، اثر را می آفریند. اثر، احتمالاً دوباره خوانی می شود تا متن نهایی شکل بگیرد. مولف می تواند متن خود را به مخاطبان عرضه کند. برای عرضه متن به مخاطبان، می توان از ارتباط رودرو یا با واسطه سود جست. مولف می تواند متن خود را در نشست های ادبی با گروهی از مخاطبان در میان بگذارد یا به وسیله رسانه هایی مثل مطبوعات، کتاب، اینترنت و... با مخاطبان ارتباط برقرار کند.

نظریه های ادبی مخاطب محور، بیشترین توجه خود را به مرحله خواندن معطوف می کنند. در واقع به تحلیل و تبیین دریافت مخاطب از متن پرداخته و با توجه به انتظارهای مخاطب از متن، تجربه مشترک مخاطب و مولف، توانش ادبی و قراردادهای خواندن تلاش می کنند تا به تبیین و تحلیل برخورد میان متن و مخاطب بپردازند...

توجه به مخاطب می تواند مراحل مختلف یک رابطه ادبی را تحت تاثیر قرار دهد. اگر مولف، هنگام آفرینش یک اثر ادبی به مخاطب چشم داشته باشد، برای خود محدودیت هایی را فراهم آورده است، از سوی دیگر، موضوع متن هم می تواند بر نوع مخاطب شناسی ما تاثیر بگذارد.

یکی از ویژگی های اساسی ادبیات کودک و نوجوان، تعیین محدودیت پیشینی برای انتخاب مخاطب آن است. به عبارت دیگر، مولف ادبیات کودک و نوجوان، پیش از آن که به آفرینش ادبی دست یازد، تصویری کلی از جامعه مخاطب خود دارد و این آگاهی پیشینی می تواند به ادبیات کودک و نوجوان، منشی ارتباطی ببخشد.

اما مخاطب کیست و مخاطب شناسی کدام است؟ آیا همه کودکان و نوجوانان می توانند مخاطب کتاب های منتشر شده باشند یا شرایط اجتماعی، طبقه فرهنگی، نیازهای اقتصادی، سبک زندگی و توانایی های ادبی و زبانی بر میزان درک و شناخت مخاطبان کودک و نوجوان تاثیر می گذارد؟

سیدعلی کاشفی خوانساری، ادبیات کودک و نوجوان را ادبیاتی هدفمند می داند و در این باره می گوید: پدیدآورندگان آثار کودک و نوجوان، وقتی برای این گروه سنی می نویسند، در جایگاه فرستنده قرار گرفته و در پی برقرار کردن ارتباطی خوب و موثر با کودکان و نوجوانان هستند، به همین خاطر

از رسانه ای به نام کتاب استفاده و پیام خود را منتقل می کنند، از این رو ادبیات کودک و نوجوان، تنها به جنبه های ادبی نمی پردازد و وجوه مختلفی چون تعلیم، انتقال حس، تصویر و... را هم دربر می گیرد.

سردبیر ماهنامه شهرزاد، شناخت مخاطب کودک و نوجوان را یکی از اساسی ترین راه های ارتباطی با این گروه سنی می داند و معتقد است: از آنجا که نویسندگان کتاب کودک و نوجوان، کار رسانه ای انجام می دهند، باید مخاطب خود را به درستی بشناسند و با ذهن و زبان او آشنا باشند، از سوی دیگر باید به روان و نیازهای روانی او نیز توجه کرده و به یک تصور کلی و مشترک از مخاطب خود دست یابند.

کاشفی، مخاطبان را به دو گروه عام و خاص تقسیم می کند و می گوید: مخاطبان عام، همه کودکان و نوجوانانی هستند که به خواندن کتاب علاقه مند بوده و ساعتی را به مطالعه اختصاص می دهند اما

نویسندگان و شاعران، علاوه بر آشنایی کلی با دنیای این گروه از خوانندگان، می توانند مخاطبان خود را محدودتر کرده و طیف خاصی را نشانه روند و مسلم است که هر قدر، شاعران و نویسندگان این گروه از مخاطبان را بیشتر و بهتر بشناسند، آثار تاثیر گذارتر و ماندگارتری خلق می کنند.

وی با اشاره به راه های مختلفی که برای شناخت مخاطب وجود دارد بیان می کند: جشنواره های مختلفی که به کمک کودکان و نوجوانان داوری می شوند، یکی از راه های شناخت مخاطب است. همچنین نویسندگان می توانند به مهد کودک ها و مدارس مختلف رفته و نظر کودکان را جویا شوند، اگر چه میزان فروش کتاب ها نیز می تواند یکی از معیارهای لازم برای تشخیص ذوق و پسند مخاطب باشد. اگر چه وجود پژوهش های روان شناسی، جامعه شناسی و نظرسنجی های علمی و روشمند نیز، یکی از راه های شناخت مخاطب و نیازهای اوست که متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده است.

مخاطب فرضی

کتاب هایی که برای کودکان نوشته می شوند، بیشتر جنبه تعلیمی و آموزشی دارند و بیشتر کوششی هستند تا جوششی، به همین خاطر نویسندگان گاهی پیش از آن که به نوشتن بپردازند، مخاطب خود را فرض کرده و برای او می نویسند.

جواد محقق، شاعر نوجوان همچنین معتقد است: از آنجا که جنبه های حسی و حرکتی برای خردسالان و کودکان، ملموس تر است و آنان هنوز به ذهنیات تجربیدی دست نیافته اند، شاعران و نویسندگان می توانند مخاطبان خود را مشخص کنند و به نگارش برای این افراد بپردازند، اگر چه در میان این گروه نیز، هستند کسانی که به خاطر استعداد و ذوق خدادادی از توان و درک بالاتری برخوردار بوده و مفاهیم تجربیدی و ادبی را هم درمی یابند، اما در هر حال محدودیت هایی در زمینه نوشتن کتاب برای کودکان وجود دارد که نمی توان به راحتی از کنار آن گذشت که یکی از این موارد دایره واژگانی کودکان است.

وی در پاسخ به این پرسش که امروز با توجه به وجود رسانه های تصویری، این دایره واژگانی گسترش یافته می گوید: کودکان امروز به لحاظ گفتاری و شنیداری با واژگان بسیاری آشنا هستند اما خواندن و نوشتن این واژگان را نمی دانند و نه در خانه و نه در مدرسه، کسی آنان را به مطالعه کتاب

نقد

محمد جواد جزینی



و مکاشفه هومان سنگ تراش

بودا می گوید: هر که صد نوع عشق دارد، صد گونه درد دارد. هر که یک عشق دارد، یک درد دارد و هر که عشق ندارد، درد ندارد.

آلف، دال، میم، نوشته مهدی حجوانی، قصه عشق آدم است و دردهای او. حکایت مکرر دلدادگی انسان است اما از ورای تاریخی ناپدید. در این زمان، در روزگار دیر و در قلمرو پنهان فرمانروایی به نام مهراس، روایتی از دلدادگی سنگ تراشی به نام هومان و دردهای او بازگو می شود. در این زمان هومان و حتی مانا، دختر خوانده برسام، زندگی را از آمیزی دارند.

پیدا شدن مانا در کتاب چنین شرح داده می شود: نگهبان قصر برسام، روزی گاهواره ای چوبین، در میان نزارهای ساحل رود یافتند که دختری فرشته آسا و ماهر در آن می نگرست.

همچنین در چگونگی تولد هومان به اعتراف برسام، چنین روایت شده است: من و میترا، پدر و مادر تتی تو نیستم. تو در اصطبل کاخ دیده به دنیا گشودی...

هومان اما مدرسه گریز است. به همین دلیل به کارگاه بیکر تراشی برده می شود و این گونه پیرنگ داستان شکل می گیرد.

هومان سنگ تراش در کنار همه نشانه های اساطیری، گویی توجه بیشتری به بازنمایی ایوب (ع) دارد. اندوه ایوب (ع)، بسیار به دردهای هومان نزدیک است. مصیبت هایی که هومان در زندگی می بیند، یادآور آزمایش بزرگ ایوب (ع) است و این رنج و صدمات، هر دوی آنها را به معرفی تازه می رساند؛ اما از طرفی یقین پیامبر گونه او، نشان از مکاشفه و شهود دارد.



آلف، دال، میم در کنار بازگویی داستان هومان، زیرساختی اسطوره ای پیدا کرده است. نویسنده در میان روایت داستان هومان سنگ تراش و دردهایش، بازگوکننده بخش یا بخش هایی از اساطیر، به ویژه اساطیر مذهبی است. مثل از آب گرفتن مانا در قصر فرمانروا، هفت بار به دنبال سراب رفتن مرمر به قصد یافتن آب، هابیل و قابیل، کشتی نوح (ع) و...

از دیدگاه نویسنده، قصه مفهومی از تاریخ مقدس دارد. گویی نویسنده می خواهد با توسل به همین الگوهای کهن، به بازسازی انسان و تجلیات ازلی او برسد و این تجلی را قابل تکرار می داند.

در این میان، زبان نویسنده تحت تاثیر درونمایه اسطوره ای، چرخشی دیگرگون یافته است، چراکه فضای تاریخی و بافت اسطوره ای زبان را متأثر کرده است.

لویی اشتراوس در تبیین نقش زبان در بازگویی اسطوره ها، بر اهمیت آن پامی فشارد و شکل خاص زبان را جزو صفات این گونه ادبی به شمار می آورد. آلف، دال، میم را مهدی حجوانی به رشته تحریر درآورده و نشر افق، منتشر کرده است. حجوانی تاکنون یازده جلد قصه تصویری منتشر و جوایز متعددی را از آن خود کرده است.

تشویق نکرده است، در حالی که لذت کتاب خواندن به مراتب بیشتر از دیدن فیلم است و مخاطبان کتاب به خاطر این که می توانند، فضا، لحن و شخصیت ها را آن گونه که دوست دارند مجسم کنند، مخاطبان فعالی هستند و برعکس مخاطبان فیلم، منفعلانه عمل کرده و می توانند صحنه ها و شخصیت ها را آن گونه که دلخواهشان است تصور کنند.

محقق معتقد است با توجه به این که نوجوانان می توانند آثار صرفاً ادبی را درک کنند و از خواندن آن لذت ببرند، نویسندگان نیز می توانند بدون آن که برای گروه یا مخاطب خاصی بنویسند، به آفرینش ادبی خود توجه کنند و به نوشتن اثری درخور بپردازند؛ اثری که به طور مسلم، مخاطبان خود را خواهد یافت.

وی با اشاره به این که هنوز تعریف روشنی از دوره نوجوانی وجود ندارد می گوید: دوره نوجوانی را در کتاب های درسی، سنین راهنمایی دانسته اند، اما در کتاب های روانشناسی، مرز این دوران را حتی به نخستین سال های دانشگاه نیز کشانده اند، با این وجود هنوز تعریف دقیق و روشنی از این دوران وجود ندارد و همین مسئله موجب می شود تا شاعران به جای درک دوره نوجوانی به سرودن شعر برای بزرگسالان بپردازند.

نوشتن برای سایه

کسانی که برای کودکان و نوجوانان می نویسند را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی آنان که دایره مخاطبان خود را تعیین کرده و برای آنان می نویسند و دیگر کسانی که به آفرینش شخصیت های جدید، بدون توجه به مخاطب پراخته و معتقدند کتابشان، مثل هر اثر هنری دیگر، پس از خلق، مخاطبان خود را می یابد.

مریم شریفی، نویسنده کودک همچنین به تاثیر سه عامل فرستنده، گیرنده و متن پیام بر مخاطب نیز اشاره می کند و می گوید: بسیاری از منتقدان که نگاهی جامعه شناسانه به مخاطب شناسی کتاب دارند بر این باورند که کتاب مثل هر پیام دیگر باید به منصفه ظهور برسد، آن گاه ربه توته تقد مخاطب خود قرار گیرد اما گروه دیگری هستند که معتقدند قلم واسطه زبان درونی نویسنده و زبان مکتوب اوست و هر شاعر و نویسنده ای تنها می تواند بخشی از حالات درونی خود را رمزگشایی کرده و در اختیار مخاطب قرار دهد و یکی از کارهای اساسی منتقدان این است که میزان روشنی و تاثیر این زبان را دریابند.

وی نویسنده کودک و نوجوان را کسی می داند که هنوز کودکی و نوجوانی خود را فراموش نکرده و می گوید: مفهوم کودکی و نوجوانی همواره ثابت و زمینه های آن متفاوت است، البته نویسندگانی که ارتباط بیشتری با بچه های امروز دارند، دلایل آنها را بیشتر و بهتر می فهمند. برای مثال یکی از دغدغه های کودکان امروز، اینترنت است و نویسنده ای که با اینترنت نا آشنا باشد حرف چندانی درباره فضای جادویی این دنیای مجازی ندارد.

شریفی آموزش را یکی از راه های موثر برای انتقال تجربه می داند و می گوید: لالایی ها و افسانه های ما نیز جنبه آموزشی دارند و آموزش، یک بستر پذیرفته شده از سوی جامعه انسانی است اما آنچه اهمیت دارد این است که نویسندگان ما آفرینش محور باشند نه آموزش محور و در درجه نخست به جنبه های ادبی کار خود بیندیشند و پس از آن به مسائل آموزشی.

رقیبی برای رولینگ

دیو همخون | دارن شان | ترجمه فرزانه کریمی |
موسسه انتشارات قدیانی | چاپ اول ۱۳۸۶

دارن شان، نویسنده‌ای ایرلندی الاصل است که در دوم ژوئیه ۱۹۷۲ در انگلیس به دنیا آمد. دو مجموعه ۱۲ جلدی و ۱۰ جلدی از آثار او، در میزان فروش پایه پای رمان های هری پاتر پیش رفته اند، ولی به گفته مترجم برخی از کتاب های او، فرزانه کریمی، رمان های هری پاتر به دلیل تبلیغات وسیع ناشی از ساخته شدن سلسله فیلم های «هری پاتر»، از شهرت و معروفیت بیشتری برخوردار شد.

نخستین مجموعه داستان های او با عنوان «قصه های سرزمین اشباح»، ۱۲ عنوان کتاب را دربرمی گیرد که در چهار مجموعه سه گانه (تریلوی) تقسیم بندی شده اند.

دارن شان، این داستان ها را شرح و تفسیری بر یکی از کابوس های خود می داند، ولی بعید نیست روایت مجموعه ای از کابوس های او باشند!

نخستین سه گانه تشکیل دهنده مجموعه ۱۲ جلدی «قصه های سرزمین اشباح»، شامل سه داستان «سیرک عجایب»، «دستیار یک شیخ» و «دخمه خونین» است. سه گانه دوم «کوهستان شیخ»، «آزمون های مرگ» و «شاهزاده اشباح»، سه گانه دوم «شکارچیان غروب»، «همدستان شب» و «قاتلان سحر» و آخرین سه گانه نیز، «دریاچه ارواح»، «ارباب سایه ها» و «پسران سرنوشت» را دربرمی گیرد.

پنج جلد نخست این مجموعه را خانم سوده کریمی به فارسی ترجمه کرده است و ترجمه هفت جلد بعدی را فرزانه کریمی انجام داده است.

فرزانه کریمی، به غیر از هفت جلد آخر مجموعه «قصه های سرزمین اشباح»، تاکنون پنج جلد نخست مجموعه ۱۰ جلدی «نبرد با شیاطین» را نیز از این نویسنده انگلیسی به فارسی ترجمه کرده که همه آنها توسط انتشارات قدیانی منتشر شده اند. «نبرد با شیاطین»، عنوان دومین مجموعه داستان های دارن شان است که با عنوان «دموناتا» شناخته می شود. «دموناتا - نبرد با شیاطین» دربرگیرنده کتاب های «لرد لاس»، «دزد شیاطینی»، «فاجعه اسلانز»، «بک»، «دیو همخون» و پنج جلد دیگر از جمله «قیامت اهریمنی» است که به ترجمه فرزانه کریمی در ایران منتشر شده اند.

چندی پیش، «دیو همخون» پنجمین داستان این مجموعه نیز توسط انتشارات قدیانی به علاقه مندان ادبیات فانتزی تقدیم شد. این کتاب از سوی کتاب های «بنفشه» این موسسه انتشاراتی ویژه گروه سنی کودک و نوجوان محسوب می شود.

باید به یاد داشت که مخاطبان و علاقه مندان آثار دارن شان در واقع بخش عمده ای از مخاطبان آثار رولینگ را نیز دربرمی گیرد و «قصه های سرزمین اشباح» پس از مجموعه داستان های «هری پاتر»، محبوب ترین داستان های نوجوانان اروپا و آمریکاست و حتی «رولینگ» که از جهاتی رقیب سرسخت دارن شان محسوب می شود، آنها را ستوده است. از سوی دیگر، دارن شان نویسنده ای جوان و ۳۶ ساله است که نخستین کتاب خود را در ۱۹۹۹ منتشر کرد. آثار او تاکنون به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده و نزدیک به ۱۰ میلیون نسخه فروش داشته است.

بخش عمده آثار دارن شان تا امروز توسط فرزانه کریمی و سوده کریمی ترجمه و از سوی انتشارات قدیانی در ایران به چاپ رسیده اند.

گفت و گو

رضا حمیدی



با هوشنگ جاوید، مؤلف «مناقب خوانی؛ موسیقی قدسی، مذهبی و آیینی ایران»

نغمه های آیینی از گلوی کتاب



کمر کسی است که نام هوشنگ جاوید را به عنوان پژوهشگری در عرصه موسیقی سنتی و نواحی ایران نشنیده باشد. این پژوهشگر که در رشته فیلمسازی دانشکده صدا و سیما تحصیل کرده است، کار خود را از سال ۱۳۵۳ و با همکاری ابوالقاسم انجوی شیرازی آغاز کرد. او کار تحقیقاتی خود را در عرصه جمع آوری ترانه ها، نواها، موسیقی مذهبی و آیینی ایران ادامه داد که حاصل آن کتاب هایی همچون «آواهای روح نواز» (دو جلد)، «موسیقی آیینی» (دو جلد)، «موسیقی رمضان در ایران»، «نقش زن در موسیقی مناطق و نواحی ایران» و ... نام برد. جاوید مسئولیت چند جشنواره موسیقی نواحی را نیز برعهده داشته است.

کتاب «مناقب خوانی» حاصل همایشی است به همین نام. چطور شد چنین همایشی به دبیری شما برگزار شد؟

اگر درست تر به ماجرا نگاه کنیم «مناقب خوانی» حاصل پژوهش هایی است که به برپایی یک همایش منجر شد. من همزمان با برپایی همایش، کتابچه ای منتشر کردم که با استقبال خوبی همراه شد. آن کتاب حجم کمتری نسبت به کتابی که در دست شماست داشت اما استقبال مخاطبان همایش سبب شد که من جدی تر به موضوع بپردازم و آن را در کتابی که به تازگی منتشر شده، به چاپ برسانم. پیشنهاد چاپ کتاب در شکل حاضر نیز از سوی مرکز موسیقی حوزه هنری مطرح شد. این بود که برخی از سخنرانی ها و شناسه افراد را به کتاب افزودیم تا مخاطب با اطلاعات کامل تری روبه رو شود.

با توجه به این که بخش مهمی از جشنواره حاصل دیدن و شنیدن است و نمی توان این نکات را ثبت کرد، کتاب «مناقب خوانی»، تا چه اندازه می تواند همایش مذکور را بازتاب دهد؟

من در حال آماده سازی یک لوح فشرده یک ساعته هستم که بخش های منتخبی از مناقب خوانی را در آن ضبط کرده ام و امیدوارم که تا پایان امسال یا اوایل سال آینده به بازار عرضه شود. به گمانم این محصول می تواند فضای معنوی مناقب خوانی را برای کسانی که نتوانسته اند در این همایش شرکت کنند ایجاد کند. عرضه این لوح فشرده به همراه کتاب نیز می تواند بسیار مفید باشد. من همواره علاقه دارم کارم را به صورت کامل انجام دهم. اما مسئله این است که کمبود فرصت سبب می شود که برخی از مسائل با تاخیر انجام شود.

علاوه بر بخش شنیداری که به همراه کتاب نیز منتشر می شود، ثبت و ضبط چهره های مناقب خوان و گفت و گو با ایشان چنانچه در کتاب نیز آمده، می تواند به ثبت این بخش از هنر دینی ایران بینجامد. بله. هدف من از انجام این پژوهش، برپایی این همایش و در نهایت همین نکته بوده است. هنرمندان پیشکسوت و نویسندگان گذشته به ثبت و ضبط موسیقیدان های زمان خود همت گمارده اند. من نیز در تلاش بوده ام که در این کتاب نام هنرمندان اصیل کشورم را در این کتاب مکتوب کنم. من هرگز خودم را با ابوالفرج اصفهانی مقایسه نمی کنم. به هر حال در آن دوره امکانات بسیار کمی در اختیار این هنرمند بزرگ قرار داشته. او شرح احوال و زندگی هنرمندان و موسیقیدان های زمان خود را به زیبایی انجام داده

است. من نیز تلاش کرده ام تا آنجایی که می توانم به ضبط و ثبت احوال هنرمندان زمانه ام بپردازم. شناسنامه این افراد که خدمتگزار هنر کشورمان هستند باید باقی بماند.

کتاب از بخش های مختلفی تشکیل شده، از گفت و گوهایی که با هنرمندان انجام گرفته تا مقاله هایی که در مورد مناقب خوانی نوشته شده است. انتخاب و تدوین این بخش ها توسط خود شما انجام شده است؟

بله. جوان امروز فرصت و حوصله کمی برای کتاب های سنگین و پر حجم موسیقی دارد حتی ساده نویسی بسیاری از آثار موسیقی نیز نمی تواند جوان علاقه مند به موسیقی را به خود جلب کند. البته حساب اهل فن از جوان علاقه مند جداست اما بخش عمده ای از علاقه مندان به موسیقی را همین جوانان تشکیل می دهند و از سویی، جلب آنها به موسیقی آیینی و فاخر می تواند نکته با اهمیتی باشد. من با توجه به شناختی که از مخاطبان موسیقی داشتم، کتاب را در بخش های متنوع و در عین حال کوتاهی تدوین کردم. علاوه بر این تلاش کرده ام مطالب را به صورتی همه فهم و ساده تنظیم کنم.

مثلا شما به سخنرانی آقای کیاسری توجه کنید. او به مسائل تاریخی مناقب خوانی می پردازد و سندیت آن را بررسی می کند. با خواندن این سخنرانی ارزش ازلی ابدی مناقب خوانی بر شما بیشتر آشکار می شود. در کنار این، وقتی گفت و گوهای مناقب خوان ها را می خوانیم از ازاداد قلبی شان به این هنر با خبر می شویم. کسی که این کتاب را می خواند با همه جنبه های کار آشنایی اولیه ای پیدا خواهد کرد. حال اگر این موضوع جای کار بیشتری داشت و یا می بایست بیشتر روی آن وقت گذاشت از آن نکاتی است که بعد از طرح موضوع مطرح می شود. من تمام کمبودهای پژوهش را در پایان کار ارائه کرده ام و همچنین راهکارهایی را ارائه کرده ام تا کسانی که می خواهند کار را ادامه دهند از آن بهره ببرند. تمام تلاش من این بوده که در این مورد بخل به خرج ندهم. من تمام کمبودهای پژوهشی را ارائه کرده ام تا شاید کسی روی این موضوع ها کار کند.

گفت و گوهای این کتاب با چهره هایی انجام شده که خود کمتر دست به قلم می برند. دانش شفاهی آنها، در این گفت و گوها تا چه حد منتقل می شود؟ هدف اصلی من همین نکته بوده است. نظر من

این بوده که اطلاعات و دانش این افراد با گذر زمان از دست نرود تا افرادی که در آینده می خواهند از آنها استفاده کنند منبع و مرجعی درست داشته باشند. این پروژه را می توان به طور کامل تر و مبسوط تری نیز انجام داد. البته بحث های دیگری هم هستند که باید به آنها پرداخت. به طور مثال می توان با چهره های نوحه خوان ایرانی نیز گفت و گو کرد و اطلاعات آنها را مکتوب کرد.

گفت و گوها را خودتان انجام داده اید؟

تمام این سفرهای پژوهشی را که سال ها به طول انجامیده، حاصل تلاش خودم است. توقعی هم نداشته ام. فقط خواسته ام گنجینه های هنری و معنوی کشور را ضبط کنم. این است که به سفرهای مختلف رفته ام و چهره های بسیاری را به هنر کشور معرفی کرده ام. البته بهترین شیوه در این کارهای پژوهشی آن است که افراد بیشتری به کار وارد شوند. ما باید علاوه بر گفت و گوهایی که با این مناقب خوان ها انجام می دهیم، آثار آنها را به نت تبدیل کنیم. الان هم دنبال این قضیه هستم که این نوحه خوانی ها را به نت بنویسم. بعد از نت نویسی، می توان این مناقب خوانی ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. ترکیب های آوازی مناقب خوانی، بررسی جنس صدا، اجراء، نغمگی و بسیاری از موارد دیگر باید مورد بررسی جدی قرار گیرند که امیدوارم بتوانیم یک کتاب فنی در این زمینه ارائه کنیم.

مقالاتی نیز در کتاب آمده که از نظر گاه های مختلف به مناقب خوانی پرداخته اند. آیا این مقالات با هدایت شما نوشته شده اند؟

من هماهنگی های لازم را دو ماه پیش از برپایی همایش با نویسندگان این مقاله ها انجام داده بودم و اهمیت کار برای ما کاملا واضح و روشن بود و به این دلیل با برنامه ریزی و هماهنگی جلو رفتیم. از دیگر آثارتان که به تازگی منتشر شده بگویید. به تازگی کتابی با عنوان «آشنایی با موسیقی مناطق و نواحی ایران» توسط انتشارات سوره مهر منتشر کرده ام. کتاب دیگری هم با عنوان «موسیقی رسانه» به همت اداره کل پژوهش های رادیو منتشر کرده ام. در این کتاب نگاهی به تغییر عادات شنیداری مردم کشورمان دارم. این کتاب عادات موسیقایی مردم از ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۱ را بررسی می کند. مجلدات دوم و سوم این مجموعه نیز آماده انتشار است که به سال های ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۲ و ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۲ مرتبط می شود.



مهرداد قیومی بیدهندی از «معنا در معماری غرب» می گوید

نمادی در جست و جوی معنا

انسان را نماد یا ابزاری در خدمت معنا دانست تا نسبت خود با محیط را به خوبی برقرار سازد. وی خاطر نشان می کند: «انسان این کار را از طریق نمادپردازی انجام می دهد و از این راه، مقام و موقعیت فردی خود را تعالی می بخشد و به موجب آن به حیات اجتماعی و هدف دار دست می یابد. از همین رو، هدف معماری آشکار کردن معناها در قالب نظام مکان ها و معبرها و عرصه هاست.»

مطلب کتاب «معنا در معماری غرب» در ۱۲ فصل تدوین شده است: معماری مصر، معماری یونان، معماری روم، معماری صدر مسیحیت، معماری رومیانه، معماری گوتیک، معماری رنسانس، معماری شیوه پردازانه، معماری باروک، روشنگری، کارکردمداری و کثرت مداری. همه مضامین این کتاب، به جز موخره ساختاری واحد دارند. قیومی بیدهندی در این مورد می گوید: «مقدمه هر فصل مدخلی است برای ورود به عالم معماری مورد بحث در آن فصل. نویسنده در هر مقدمه موقعیت شکل گیری سبک معماری مورد بحث، رابطه آن با معماری های دیگر و خصوصیات شکل معماری آن سبک را توضیح می دهد.» وی می افزاید: «در این کتاب مطالب جالبی در باب منظر و سکونتگاه، رابطه معماری با محیط طبیعی، طرز استقرار کانون زیستی در محیط و ویژگی های کلی فضای شهری بیان می شود.»

قیومی در مورد مشکلات خود برای ترجمه کتاب

رومیانه ملهم از سازه های چوبی است سطحی می شمارد.» به گفته قیومی بیدهندی، مولف معنای پرداخت معماری قرون وسطی را بسیار فراتر از جنبه های فنی آن می داند. وی خاطر نشان می کند: «این قبیل آرای او محدود به معماری قرون وسطی نیست.»

مترجم کتاب «معنا در معماری غرب» سپس به تأثیرات فلسفی مولف آن اشاره می کند و چنانچه در مقدمه آمده، می نویسد: «نگرش خاص او به تاریخ معماری را دیگران پیشتر در رشته های دیگر به کار گرفته اند که نمونه بارزش فلسفه هایدگر است که در آن از زبان به منزله منبع اصلی اطلاعات درباره انسان و کلاً وجود استفاده می شود. هایدگر با مطالعه تاریخ واژه ها، مانند «چیز»، «ساختن» و «مسکن» معانی بنیادین را به زندگی بازگردانده و مبنایی عینی تر برای فهم رابطه میان خویش و محیط در اختیار مانده است.» چنانچه مترجم کتاب اعتقاد دارد از نظر نوربرگ شولتس، معنا نیاز بنیادی انسان است و انسان چیزی نیست جز معانی ای که در دسترس اوست و بلوغ روانی آدمی به معنای آگاه شدن او از معناهاست. وی می افزاید: «به عقیده شولتس هر فرد در درون نظامی معنایی زاده می شود که آن نظام از طریق مظاهر نمادین به فهم آدمی درمی آید و در همین نظام است که آدمی با «ساختن»، معناها را آشکار می سازد.» قیومی بیدهندی سپس به نقش نمادپردازی در آثار شولتس اشاره می کند و به این نظریه وی اشاره می کند که در آن می توان

معماری یکی از هنرهایی است که مستقیماً با زندگی انسان در ارتباط است، به طوری که بسیاری از کارشناسان تاریخ، هنر و علوم انسانی، آن را بازتابی از زندگی انسان در طول سالیان متمادی می نامند. کتاب «معنا در معماری غرب» نوشته کریستیان نوربرگ شولتس ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی و به چاپ رسیده توسط انتشارات فرهنگستان هنر را باید از جمله آثاری دانست که به این مسئله می پردازد. مولف این کتاب یکی از پژوهشگران مطرح هنر معماری است که در سال ۱۹۲۶ در اسلو به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته معماری انجام داده و بعد از اتمام آن در همین رشته به تدریس پرداخته است. کتاب «معنا در معماری غرب» یکی از آخرین آثار این نظریه پرداز و مورخ معماری است که وی آن را در سال ۱۹۷۴ منتشر کرد. مترجم کتاب اخیر در مورد ویژگی های این اثر و به طور کلی ویژگی های کار شولتس می گوید: «همه آثار نوربرگ شولتس» نمایانگر جست و جوی جریانی نهایی در معماری است؛ جریانی که ظواهر و تحولات آنها جلوه ای از آن نیست. از نظر او، جریان باطنی معماری، جریان جست و جوی آدمی برای یافتن پایگاه وجودی و آشکار کردن معناها از طریق نمادهای معماری است. وی می افزاید: «نوربرگ شولتس در این کتاب کوشیده است این جریان را در قالب نمونه های واقعی و سیر تحول آنها در معماری غرب نشان دهد؛ مثلاً در بحث از معماری رومیانه نظر برخی از محققان را درباره این که شیوه پرداخت معماری



حاضر به اسامی و عنوان های خاص اشاره می کند و می گوید: «خوانندگان آشنا با تاریخ معماری از آشنایی با چندگانگی تاریخ نامه های معماری از نظر ضبط اعلام آگاهند. مثلاً می دانند که نام کلیسای سن دنی گاهی سنت دنیس خوانده شده است و نام موهوی ناد، معمار معروف به گاهی موهولی ناگی و گاه موهالی ناگی تغییر یافته است و پیدا است که این آشنایی ها از اصل نام ها بر نمی خیزد.» وی می افزاید: «در میان اروپاییان نیز، با آن همه تنوع زبان ها و گویش ها، چنین تشبیه دیده نمی شود. مشکل این آشنایی در کتاب های ترجمه فارسی این است که هر مترجمی به جای مراجعه به مراجع ضبط اعلام و مراعات این ضابطه عام، سلیقه خود را ملاک می گیرد و بسیاری از مترجمانی هم که با تلفظ اصلی نام ها آشنا هستند به قواعد آوایی زبان فارسی بی اعتنایند. در سال های اخیر که منابع ارزنده ای برای شیوه ضبط اعلام در زبان فارسی پدید آمده، چنین کاری را چه از سر شتابزدگی، چه از روی آسان گیری و چه از روی اعمال سلیقه شخصی نمی توان نادیده گرفت.»

بسمه تعالی فراخوان

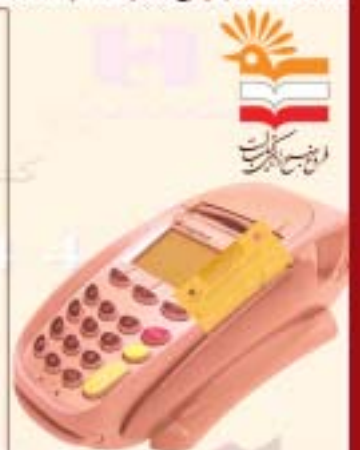


به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدمند کردن یارانه های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی آید.

بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بن های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ضروری است کتابفروشی ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می شوند، به سامانه دریافتی این کارت ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنعتی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده اند، تقاضا می شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب - بین صبای جنوبی و فلسطین - موسسه خانه کتاب - طبقه منفی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان

نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
نام خانوادگی:	نام:
متولد:	صافه از:
کد ملی:	شماره شناسنامه:





با حسین یعقوبی درباره «خرمگس و زن ستیز»

این طنز ویژه زبان فارسی است

«کاندید» نوشته ولتر، هنوز خواندنی است، چراکه او از مسائلی می گوید که دغدغه های همیشگی انسان است. من نیز در این کتاب داستان هایی را انتخاب کرده ام که به مسائلی از این دست می پردازند. به گفته بسیاری از کارشناسان، فرهنگ و زبان تأثیرات بسیاری در نحوه پردازش طنز دارند، چنانچه برخی معتقدند برخی از آثار طنز، فقط در زبانی که آفریده می شوند معنا می یابند. حسین یعقوبی در این مورد می گوید: «به طور مثال اگر گلستان سعدی به درستی به زبان های دیگر ترجمه شود می تواند با آنها ارتباط برقرار کند، همان طور که اشعار مولانا و حافظ چنین ارتباطی را برقرار کرده است، اما بسیاری از آثار فارسی، فقط در زبان و فرهنگ ما معنی می شوند.» او در مورد ترجمه پذیری داستان های «خرمگس و زن ستیز» به تغییراتی اشاره می کند که در برخی آثار ایجاد کرده تا ظرفیت طنزشان را در زبان فارسی حفظ کنند. وی می افزاید: «اعتقاد من این است که متن چنان باید ترجمه شود که روح آن حفظ شود. در مورد ترجمه «مرگ در می زند» نوشته وودی آلن، این ایراد را به من گرفتند که چندان امانت دار نبوده ام، در صورتی که من می خواستم طنز این نویسنده را به فارسی برگردانم، نه آن که بخوام کلمه به کلمه آن را به فارسی ترجمه کنم.»



به گفته حسین یعقوبی برخی از داستان به هیچ وجه قابل برگرداندن به زبان فارسی نیستند. وی می افزاید: «من در ترجمه ها، سعی می کنم به روح اثر وفادار باشم. در واقع چیزی از خودم به ترجمه این کتاب اضافه نکرده ام، اما کوشش کرده ام به گونه ای باشد که مخاطب از محتوای آنها سردر بیابود.» این نویسنده و مترجم اعتقاد دارد که ترجمه های ذبیح الله منصوری با تمام ضعف هایی که ممکن است داشته باشد و ایرادهایی که به آن می گیرند، دست کم یک قدرت دارند که خواننده را با خود همراه می کنند و از طرفی بی معنایی را در متن تولید نمی کنند. وی خاطر نشان می کند: «به گمان من این ترجمه، از بسیاری از ترجمه های بدی که با مخاطب ارتباط برقرار نمی کند، بهتر است.»

از حسین یعقوبی می پرسیم که به غیر از علاقه و سلیقه شخصی، آیا پیوند درونی دیگری نیز بین این داستان های طنز وجود دارد و او می گوید: «من تلاش کرده ام تا از قالب های مختلف طنز یک نمونه را در این کتاب بیاورم.» وی می افزاید: «برنامه آینده من این است که در کتابی هم داستان طنز را بیاورم و هم ساختار آن را شرح دهم. در ضمن تکنیک های داستان های طنز، جای کار بسیاری دارند که باید بیشتر به آنها پرداخت.»

یک روزه معرفی کرده بود، می گوید: «طنزهای سیاسی ما با تاریخ مصرف بسیار بالایی تولید می شوند. به عنوان مثال، شما به هیچ وجه نمی توانید با طنزهای موفق پنج یا شش سال پیش بخندید، چراکه این طنزها تاریخ مصرف دارند. اما این نکته در مورد آثاری همچون «کاندید» به هیچ وجه وجود ندارد، چراکه در این اثر به مواردی جهاشمول پرداخته می شود نه مسائل روزمره و مقطعی.» او سپس به داستان هایی از جیمز تربر و مارک تواین اشاره می کند که نمونه هایی از آثار آنها در مجموعه «خرمگس و زن ستیز» نیز آمده است.

برخی از داستان های طنزی که یعقوبی ترجمه کرده کمی به گذشته مرتبط می شوند. از او می پرسیم که این داستان ها تا چه اندازه می توانند با مخاطب معاصر ایرانی ارتباط برقرار کنند و این که آیا طنز اصیل را می توان دارای تاریخ مصرف دانست. او در این باره می گوید: «این مورد در آثار مختلف وجوه متفاوتی می یابد. مثلاً کتاب «در ستایش دیوانگی» نوشته اراسموس که آن از اولین اثر طنز مشهور دنیا می نامند، الان شاید چندان به مذاق مخاطب ایرانی جذاب نیاید، در حالی که

می خنداند، طنز می نامیم، در صورتی که هر لطیفه و فکاهی ای طنز شمرده می شود.» یعقوبی معتقد است که طنز باید فکر خواننده را تحریک کند و می افزاید: «گفتن لطیفه بیش از آن که فکر ما را به کار بیندازد، فقط لحظه ای ما را به خنده می اندازد. در صورتی که تعریف طنز این نیست. طنز در حقیقت همان جمله معروفی است که بنابر آن، وقتی می شود با عسل گشت، چرا باید از زهر استفاده کنیم. یعنی تو می خواهی مطلب تلخی را به مردم بگویی اما ذات مطلب چنان است که نمی توانی. آن گاه سعی می کنی با زبان طنز آن را ملایم کنی، مثل آنتی بیوتیک های تلخ که آنها را در پوشش هایی قرار می دهند.» یعقوبی سپس به آثار موقت طنز جهان که حالا باید آنها را جزئی از کلاسیک ها دانست اشاره می کند. او معتقد است آثاری همچون «کاندید» نوشته ولتر، نشان دهنده فجایعی است که در دنیا رخ می دهد، با این همه ولتر آن را چنان نوشته که خواننده می خواند و پیش می رود. مترجم «خرمگس و زن ستیز» سپس به طنزهای متداول ژورنالیستی اشاره می کند و با استناد به جمله کافکا که ادبیات ژورنالیستی را موجوداتی



کرد چون برخی از آنها به شدت جدی اند. حسین یعقوبی کتاب «نشان نخست بلاهت» را به هفت دفتر تقسیم کرده است. دفتر اول این مجموعه «پیرامون اسارت بشری» نام دارد که با جمله ای از ژان دلا پرویه آغاز می شود: «بزرگ ترین مصیبت برای یک انسان این است که نه سواد کافی برای حرف زدن داشته باشد و نه شعور لازم برای خاموش ماندن.» نیمه اول جمله بسیار ابتدایی و ساده است اما وقتی نیمه دومش را می خوانیم پی به اصل ماجرا می بریم.

یعقوبی عنوان دفتر دوم را «کمدی الهی» نام نهاده است. او در این دفتر به جمالتی فلسفی می پردازد. به عنوان نمونه می توان از جمله بیلی گراهام مثال زد: «فردی که خدا با اوست همیشه و همه جا در اکثریت است» دفتر سوم کتاب به نام کتاب دیگری از ادبیات تعلق گرفته است: «قلعه حیوانات»، چنانچه از عنوان این فصل نیز برمی آید

با این که داستان های طنز همواره با استقبال خوانندگان مواجه می شوند، اما تعداد کتاب های منتشر شده از این دست بسیار اندکند. یکی از دلایل این اتفاق را باید در دشواری تالیف و ترجمه این دست از آثار دانست، تالیف طنز به گونه ای است که با استانداردهای این ژانر ادبی همخوان و از سویی با ذائقه مردم سازگار باشد و ترجمه این گونه آثار با توجه به تفاوت های فرهنگی دیگر جوامع با ایران، از نکاتی است که تولیدات در این عرصه را بسیار کم شمارتر از آنی کرده که انتظار می رود. حسین یعقوبی که دارای کارشناسی ارشد در رشته زبان شناسی است، یکی از کسانی است که در چند سال گذشته، پرداختن به داستان ها و فضای طنز را به طور جدی دنبال کرده است. او در همین کتاب خود که «خرمگس و زن ستیز» نام دارد، مجموعه ای از داستان های منتخب طنز را ترجمه و تالیف کرده است و یکی از داستان های این مجموعه را خود او نوشته است. او پیش از این آثاری مانند «مرگ در می زند» (ترجمه اثری از وودی آلن)، «نشان نخست بلاهت»، «داستان های جن و پری» و... را منتشر کرده بود.

از حسین یعقوبی می خواهم در مورد چگونگی انتخاب این داستان ها بگویم، چراکه تفاوت های فرهنگی در جامعه ما با جوامعی که قصه ها از آن به فارسی برگردانده شده سبب می شود که این انتخاب ها با دشواری همراه شود. او سلیقه شخصی را یکی از معیارهای اصلی انتخاب این نوع قصه ها عنوان می کند و می گوید: «البته در کنار این سلیقه شخصی، برخی مسائل دیگر را هم در نظر گرفتم. مثلاً داستان «آنها از گوشت درست شده اند» برنده داستان طنز در سال ۱۹۹۳ شده بود. داستانی که یعقوبی به آن اشاره می کند، چندان خنده را بر چهره نقش نمی کند از همین رو از او می خواهم تعریفش را از طنز ارائه کند. او به تعریفی که چندی قبل علیرضا خمسه به دست داده بود اشاره می کند و می گوید: «او طنز را شاد کردن مردم دانسته بود که نمی توان تعریف او را درست دانست. متأسفانه این ذهنیت طنز، در جامعه ما به شدت وجود دارد، در حالی که طنز تعریف دیگری دارد.» مترجم «خرمگس و زن ستیز» آنچه را که به اسم طنز در ایران جریان دارد فکاهی و هجو می داند و معتقد است که فکاهی را به هیچ وجه نمی توان طنز دانست. او به آثار ترسناک ادبی اشاره می کند و معتقد است که بسیاری از آثاری که در این زمینه نوشته می شوند، ادبیات محسوب نمی شوند و اضافه می کند: «متأسفانه تقسیم بندی ما در این زمینه چندان روشن نیست. ما هر چیزی را که

معرفی کتاب

جمالت گریزیا

یوسف داوودی



نشان نخست بلاهت / حسین یعقوبی / انتشارات روزنه
کتاب «نشان نخست بلاهت» گزیده کلمات قصار است که به همت حسین یعقوبی تالیف و ترجمه شده است. این کتاب چنان که در نامش نیز می توان مشاهده کرد، جمالت طنزی را در خود مستور دارد اما نمی توان همه جمالت کتاب را در این دسته تقسیم بندی

جمالت آن بیش از بقیه دفترهای کتاب به نقادی می پردازند.

یعقوبی دفتر چهارم را «در ستایش بلاهت» نام نهاده که اشاره ای به کتاب طنز کلاسیک اراسموس است که با نام «ستایش دیوانگی» به فارسی ترجمه شده است. جمله پنجمین فرانکلین را از این دفتر می آوریم: «احمق کسی است که قادر به پنهان کردن خرد خود نیست.»

دفتر پنجم کتاب «آدم، آدم است» نام دارد که با الهام از کتابی به همین نام نوشته برتولت برشت اخذ شده است و عنوان دفتر ششم نیز از نام فیلمی به همین نام ساخته سام پکین پا گرفته شده است. یعقوبی دفتر هفتم را با الهام از کتابی نوشت امانوئل پوئیگ نام گذاری کرده است. جمالت این دفتر بیش از سایر بخش های کتاب باطنی گزیده همراه است. به طور مثال جمله ای را از پنجمین برادلی می آوریم: «اخبار، چرک نویس تصحیح نشده تاریخ است.»



آموزش بومی زبان بیگانه

مجموعه کتاب‌هایی که در کلاس‌های آموزش زبان استفاده می‌شوند جزو منابعی هستند که توسط ناشران خارجی تولید می‌شوند و در کشور ما به صورت آنلاین و یا آفست در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند.

در این کتاب‌ها که متناسب با فرهنگ سایر جوامع تهیه شده‌اند بخش‌هایی وجود دارد که در کشور ما پذیرفته شده نیست. این بخش‌ها تاکنون به ساده‌ترین روش‌های ممکن حذف یا تعدیل شده‌اند. اما اخیراً نمونه‌ای از این کتاب‌ها با پیش‌زمینه کارشناسی و تخصصی توسط انتشارات غزال جوان بومی و منتشر شده که مورد تایید آموزش و پرورش هم قرار گرفته است. این کتاب آموزش زبان «top notch» نام دارد که از جدیدترین آثار انتشارات لانگمن به‌شمار می‌آید. این مجموعه آموزشی نتیجه کاری گروهی است که از سال ۱۹۹۸ شروع شده و در سال ۲۰۰۶ در ۱۲ جلد منتشر شده است.

علیرضا ربانی مدیرعامل انتشارات غزال جوان است و در پنجمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران یعنی حدود سال ۷۴ فعالیتش را به صورت رسمی به عنوان نماینده ناشران خارجی در ایران آغاز کرده است. وی هم‌اکنون به عنوان مدیرعامل انجمن فرهنگی ناشران بین‌المللی نیز فعال است.

علیرضا ربانی درباره وضعیت انتشار کتاب‌های آموزش زبان می‌گوید: «برخوردی که اغلب با مسئله کتاب‌های آموزشی این حوزه صورت گرفته عامیانه بوده و کسانی که نشر این کتاب‌ها را برعهده داشته‌اند لزوماً افراد مسلطی نبوده‌اند. متأسفانه تغییراتی که در این منابع آموزشی انجام می‌شد متناسب با محتوای کتاب‌ها نبود. اغلب راحت‌ترین گزینه یعنی حذف را انتخاب می‌کردند ضمن این که حق مؤلف را هم رعایت نمی‌کردند. بنابراین جای خالی مجموعه آموزشی که بومی شده و مورد تایید نظام آموزشی کشورمان هم باشد احساس می‌شود. به دنبال احساس این کمبود مذاکراتی با آموزش و پرورش برای تعیین شاخص‌های موردنظر آنها انجام دادیم و همچنین نشست‌ها و همایش‌هایی را با افراد متخصص در این حوزه برگزار کردیم.

وی در ادامه می‌گوید: «در نظرخواهی از متخصصان آموزش زبان بحث‌های مختلفی مطرح شد از جمله این که اندازه تغییرات باید تا چه حدی باشد به طور مثال آیا نیاز است که اسامی شخصیت‌ها در کتاب‌ها نیز به فارسی تبدیل شود که آنها معتقد بودند چنین تغییری در آموزش زبان مرسوم نیست و سیستم

آموزشی را متناقض می‌کند چرا که در هنگام آموزش زبان ناخودآگاه بخشی از فرهنگ آن کشور هم آموزش داده می‌شود و آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم آنها فرد را برای برخورد مناسب آماده می‌کند و این لزوماً به معنای پذیرفتن و یا گرفتن فرهنگ خارجی نیست بلکه بخشی از دانسته‌ها به‌شمار می‌آید که در کنار گفتار برای ارتباط برقرار کردن لازم است. علاوه بر اینها موارد

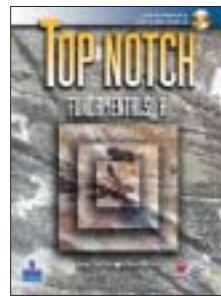


مدیر انتشارات غزال با اشاره به این که نویسندگان این کتاب آن را با رویکرد منطقه‌ای تهیه کرده‌اند می‌گوید: «تغییرات به گونه‌ای در این کتاب انجام شده که برای استفاده در کشورهای آسیای میانه، عراق و افغانستان هم قابل استفاده است. به طوری که این کتاب از سوی ناشر تحت عنوان edition

متعددی نیز از سوی آموزش و پرورش مطرح شد از جمله کلیاتی که در فرهنگ ما و با توجه به ضوابط جامعه اسلامی باید رعایت می‌شد. مجموعه این نظرخواهی‌ها و شاخص‌ها ما را بر آن داشت که یکی از آخرین تولیدات انتشارات لانگمن که ناشری تخصصی در حوزه آموزش زبان است را بومی کرده و در داخل کشور منتشر کنیم.»

ربانی در خصوص ویژگی‌های این مجموعه آموزشی می‌گوید: «با توجه به این که این کار توسط ناشری انجام شده که تجربه‌های زیادی را در زمینه آموزش زبان دارد این مجموعه را براساس آخرین روش‌های آموزشی تولید کرده است. در بعضی از کتاب‌های آموزش زبان متن زیاد، تصاویر اندک، لغات سنگین و یا موارد دیگری وجود دارد که تأثیرات منفی بر آموزش می‌گذارد ولی در این مجموعه تعادل در این بخش‌ها دیده می‌شود و علاوه بر آن سعی شده که زبان آموز با مسائل روز و لغت‌هایی که این روزها در زبان انگلیسی رایج شده نیز آشنا شود و همین مسئله به افراد برای ارتباط بهتر کمک می‌کند.»

هرکدام از کتاب‌های آموزش زبان از تعدادی وسایل کمک آموزشی دیگر هم بهره می‌برند و در اصل مجموعه‌ای را در اختیار افراد قرار می‌دهند که به واسطه آن می‌توانند مهارت‌های گفتاری و شنیداری خود را نیز تقویت کنند و همچنین نسبت به فراگیری نیز تشویق شوند. به گفته ربانی در کنار این کتاب‌ها ناشر بخش‌های دیگری را هم در نظر گرفته که در مجموع یک بسته آموزشی را تشکیل می‌دهد؛ مثل CD دانش آموز، CD معلم، راهنمای معلم که به وسیله آن معلمان را با روش‌های جدید آموزش و چگونگی علاقه‌مند کردن افراد به آموزش آشنا می‌کند و علاوه بر آن در صورتی که حق مؤلف ناشر پرداخته شده باشد، امکان آموزش معلمان نیز توسط ناشر فراهم می‌شود به طوری که هر چند وقت یک بار ناشر افرادی را به ایران می‌فرستد تا معلمانی را که این کتاب را تدریس می‌کند آموزش دهد.»



«ایران» پذیرفته شده و در وب‌سایت رسمی آنها نیز معرفی شده است.»

یکی دیگر از فعالیت‌های این انتشارات در زمینه سرپرستی این ناشر است. ربانی در این باره می‌گوید: «از سال ۷۹ تاکنون حدود ۷۰ عنوان از کتاب‌های پزشکی این ناشر ترجمه شده‌اند که به دلیل پرداخت حق مؤلف دسترسی به صفحه آرایی و شکل جداول اصلی کتاب برای ما مهیا می‌شود و کتاب‌های ترجمه شده نیز با همان شکل و کیفیت نسخه اصلی به ویژه در زمینه عکس‌ها که برای دانشجویان و محققان بخش پزشکی از اهمیت بسزایی برخوردار است در اختیار آنها قرار می‌گیرد ضمن این که به دلیل انتشار در داخل، قیمت عرضه آن هم نسبت به نسخه اصلی بسیار کم می‌شود.» وی معتقد است که ترجمه این کتاب‌ها زمینه را برای فعالیت بین‌المللی مترجمان کشور مهیا می‌کند به گونه‌ای که این مترجمان به واسطه چنین فعالیت‌هایی می‌توانند آثار خود را در سطح بین‌المللی منتشر کنند. حتی فرصت‌هایی برای آنها فراهم می‌شود تا با گروه‌های تخصصی همکاری داشته باشند و البته این کار فرصت فعالیت و معرفی مترجمان توانا به ناشران بین‌المللی را فراهم خواهد کرد.

خانه کتاب برگزار می‌کند:
همایش ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم در:
«یکصدمین سالگرد قرارداد ۱۹۰۷»
 محورها: همایش

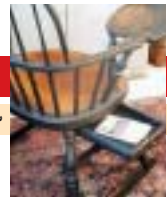
الف) مبانی نظری
 - جایگاه ایران در سیاست جهانی نخستین سال‌های قرن بیستم
 - سیاست خارجی ایران و بازی بزرگ
 - روسیه و بریتانیا، از رقابت تا همکاری: عقل و پیامدها (با محوریت ایران)

ب) ایران، قرارداد ۱۹۰۷، زمینه‌ها و پیامدها
 - نقش قدرت‌های بیگانه در تکامل مشروطیت
 - زمینه‌ها و عقل انعقاد قرارداد ۱۹۰۷
 - واکنش دولت و ملت ایران به قرارداد ۱۹۰۷ (مجلس شورای ملی، دولت، مطبوعات، انجمن‌ها و...)
 - اثرات و پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷ در مناسبات و سیاست خارجی ایران دهه‌های بعد
 - اثرات قرارداد ۱۹۰۷ م بر سرشت و سرنوشت جنبش مشروطه ایران
 - مواضع دولت‌های دیگر در برابر قرارداد ۱۹۰۷ م (آلمان، فرانسه، ...)

ج) منبع‌شناسی و سندشناسی قرارداد ۱۹۰۷ م

تفویض همایش
 - مهلت ارسال خلاصه مقالات تا ۲۰ آذرماه ۱۳۸۶
 - مهلت ارسال اصل مقالات تا ۲۰ دی ماه ۱۳۸۶
 - زمان برگزاری همایش: بیست‌و‌هفتم و بیست‌و‌هشتم بهمن‌ماه ۱۳۸۶

نشانی دبیرخانه
 تهران: خیابان یوسف‌آباد - خیابان ششم - پلاک ۴، طبقه دوم - واحد ۴ غربی
 تلفن: ۸۸۹۵۲۲۱۶



«چیستی علم» نخستین کتاب سعید زیباکلام در سال ۷۸ از سوی انتشارات سمت چاپ و منتشر شده که اکنون به چاپ نهم رسیده است. (نظریه لیبرال دموکراسی) اثر پروفیسور اندرولین را همین مترجم در سال ۸۰ به فارسی ترجمه کرد که همراه با یک مقدمه انتقادی و تحشیه‌های توضیحی به چاپ رسید. زیباکلام «معرفت‌شناسی اجتماعی» را نیز در سال ۸۴ منتشر کرد. سعید زیباکلام متولد ۱۳۳۲ تهران، دارای دکترای تخصصی فلسفه، اکنون به تدریس در دانشگاه تهران می‌پردازد. وی در تدارک چاپ کتابی تحت عنوان «ساختار پارادایم‌های علمی» است که مشتمل بر مقالاتی از اندیشمندان ایرانی و خارجی است.

پای صحبت سعید زیباکلام درباره «ساختار پارادایم‌های علمی» و «معرفت‌شناسی اجتماعی»

فیلسوفان، پشت پنجره‌های شهر

جدی‌اند. من معتقدم مادر این حوزه‌ها افراد شاخصی داریم که این توان را دارند که نظریات و پژوهش‌های ارزنده‌ای ارائه دهند. ولی اگر از این افراد معدود بگذریم قاطبه افراد مصرف‌کننده اندیشه دیگران هستند. یعنی جریان اصلی علوم طبیعی در ایران وارداتی است. اما در حوزه علوم اجتماعی ما به مقدار بسیار زیادی دنباله‌رو و مصرف‌کننده‌ایم. از استثنائات که بگذریم، آراء و آثار اندیشمندان کشورهای دیگر را به صورت ترجمه یا به زبان اصلی مورد بهره‌برداری قرار می‌دهیم. در واقع برای گسترش آن در کشور یا ترجمه می‌کنیم و یا اقتباس می‌کنیم کار اصیل و تالیفی که از اندیشه خودمان نشأت گرفته باشد، نداریم. اگر هم باشد نادر است. جریان اصلی به صورت توفنده‌ای وارداتی است و ما هم مصرف‌کننده‌ایم.

اما و اگرهایی که قرار بود مطرح کنید، در همین زمینه بود؟

در حوزه علوم انسانی که من آن را از حوزه علوم اجتماعی جدا می‌کنم و باید هم جدا کرد وضع فرق می‌کند. حوزه علوم انسانی عبارت است از تاریخ، جغرافیا و ادبیات، عرفان و ادیان، فلسفه و زبان‌شناسی و... مقصود ما از حوزه علوم اجتماعی بیشتر جامعه‌شناسی، علم سیاست، اقتصاد و خانواده‌ای که زیر این سه رشته قرار می‌گیرد، خواهد بود که این حوزه بسیار و مدار تحقیقات و تبعات کشورهای دیگر است. و آمداری ما در هیچ حوزه‌ای بیشتر از حوزه علوم اجتماعی نیست. اما اگر به سراغ علوم انسانی برویم از جهاتی ما خیلی تابع و مصرف‌کننده‌ایم و در برخی حوزه‌ها هم کمتر چشم به دست دیگران داریم. مثلاً در زمینه ادیان، عرفان و ادبیات در واقع خودکفا و به شکلی مولد اندیشه و فرهنگ سازیم. واردکننده اندیشه دیگران در این زمینه‌ها نیستیم. در حوزه عرفان و ادیان آثاری داریم که ریشه در این آب و خاک دارد و از فرهنگ کهن این سرزمین بارور شده است. صاحب‌نظران این حوزه‌ها هم استقلال فکری خودشان را دارند. اما در زمینه تاریخ هم مصرف‌کننده آثار غربیان هستیم، هم به نوعی آثار بومی خود را داریم.

راجع به فلسفه هم می‌توان چنین نظری ارائه داد. اگر کسی تفلسف اسلامی بکند، طبیعی است که به منابع فلسفه بومی و به حوزه فلسفه اسلامی و فیلسوفان آن می‌پردازد و به شرح و نقد و تفسیر آراء فیلسوفان اسلامی گرایش دارد و اگر هم توان آن را داشته باشد می‌تواند آراء و نظرات جدیدی را با توجه به سنت فلسفه اسلامی پدید آورد. اما وقتی به فلسفه غرب می‌رسیم موضوع کلاً عوض می‌شود. یعنی در آنجا ما تقریباً مصرف‌کننده صرف هستیم و بر خورد انتقادی و عالمانه با آن نداریم. شاید به موارد نادری بتوان اشاره کرد که اینجا و آنجا افرادی سعی می‌کنند، استقلال داشته باشند و با توجه به منابع فرهنگ بومی و تاریخی و اسلامی تعاملی بین فلسفه غرب با فلسفه اسلامی برقرار کنند و صرفاً مترجم و معرف آثار غربیان نباشند. این تلاش‌های بسیار نادر را می‌بینیم؛ اما جریان اصلی و آن جریانی که تفوق دارد، عبارت است از واردات فلسفه غرب در قالب ترجمه و شرح و بسط آن.

البته در حوزه علوم انسانی در زمینه ادبیات مدرن هم ما بیشتر مصرف‌کننده‌ایم. در واقع این نظریه‌ها هم وارداتی است. اگر چه در زمینه شعر میراثی هزار



نظریه پردازی می‌کردند و نوآور و پیشگام بودند. در واقع طلایه دار حوزه‌های علوم فلسفی و علوم طبیعی بودند به ویژه در زمینه علم ریاضی. دیدگاهی که معتقد است ما از قرن هفتم و هشتم، دیگر تولید اندیشه نداشته‌ایم و بیشتر مصرف‌کننده آراء و نظریه‌های دیگران بوده‌ایم چقدر با واقعیت همخوانی دارد؟

باید اندیشه را قدری مشخص‌تر کرد. به نظر می‌آید که مادر همه حوزه‌های علوم چنین وضعیتی نداشته‌ایم. البته من تحقیقات مفصل تاریخی در این زمینه نکرده‌ام که بتوانم قضاوت درست و دقیقی داشته باشم و نظری ارائه بدهم. به گمان من این سوال را باید کسی جواب بدهد که دست به چنین پژوهش تاریخی ژرف و گسترده‌ای زده باشد که ما دقیقاً از قرن ششم یا هفتم یا قرن‌های دیگر بوده که دچار رکود در تولید اندیشه شده‌ایم. به هر حال این سوال، پاسخی پیچیده و همه‌جانبه‌نگر را می‌طلبد که از توان امثال من خارج است. اما من می‌توانم با توجه به وضعیت تولید فکر و اندیشه در دوران معاصر، اظهار نظر بکنم و در این زمینه هم حرف دارم و جای تعارف و تکلفی هم نیست که خودم را کنار بکشم.

ما امروز در حوزه علوم طبیعی مصرف‌کننده هستیم آن هم به مقدار زیاد (البته این حرف‌ها و اگرهایی دارد که در ادامه به آن می‌پردازم) اما این به آن معنا نیست که ما برخی فیزیکدانان و ریاضیدانان و منجمان آگاه و نظریه‌پرداز نداشته باشیم. این افراد هر یک در حوزه کار خود حرف نو دارند و اهل پژوهش‌های اصیل و

علم را اگر به معنای اخص آن در نظر بگیریم، یعنی به معنای علوم طبیعی در نظر آوریم، باید دست به یک تفحص و تحقیق تاریخی بزنیم تا جواب آن را پیدا کنیم. اما اگر به معنای وارد کردن آن به جامعه ایران در نظر بگیریم که ما به عنوان مصرف‌کننده آن باشیم و در نقش مترجم این علوم ظاهر شویم برای محصولات که غربیان تولید می‌کنند، باید مقداری به عقب برگشت. اگر سخن خود را به تاریخ معاصر محدود کنیم، هفتاد - هشتاد سال پیش را می‌توان سرآغاز ورود فلسفه علم به ایران ارزیابی کرد. اما اگر گستره تاریخی کار را وسیع‌تر در نظر بگیریم، آن وقت در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی که ایران هم بخشی از این تمدن محسوب می‌شود، جوامع اسلامی خودشان از واضعان و تولیدکنندگان فلسفه علم بوده‌اند. اندیشمندان اسلامی در این زمینه

در جامعه علمی ما شناخت چندانی از معرفت‌شناسی اجتماعی وجود ندارد. معرفت‌شناسی اجتماعی برگرفته از فضای فکری جامعه و افراد حاضر در آن جامعه است، می‌پردازد

آقای زیباکلام، کتاب «ساختار پارادایم‌های علمی» شامل مجموعه مقالاتی از اندیشمندان ایرانی و خارجی است. با چه انگیزه‌ای این مقالات را گردآوری کرده‌اید؟

من احساس کردم در جامعه علمی ما بسیاری از فرهیختگان و استادان حوزه‌های گوناگون، وقتی صحبت از پارادایم می‌شود، از این واژه و از این مفهوم استفاده می‌کنند، بدون آن که به عمق آن پی برده باشند. در واقع امروز یک برخورد سطحی و عوامانه با این قضیه دارند و آن تلقی علمی که با بار تخصصی همراه باشد، کمتر در جامعه دیده می‌شود یا اغلب به فراموشی سپرده شده است. به همین دلیل فکر کردم باید مفهوم پارادایم بهتر معرفی و شناخته شود و به شکل تخصصی مورد توجه قرار گیرد. در ثانی این که ساختار معرفت علمی و پارادایم‌های علمی به این معنا چیستند؟ نه فقط پارادایم بلکه ساختار نظریه‌های جدید در حوزه علم چگونه‌اند و چه وضعیتی دارند؟ در این زمینه هم احساس کردم نظریه‌های جدیدی که در فلسفه علم مطرح شده‌اند، قدری مورد کم توجهی و سطحی‌نگری قرار گرفته‌اند، در پاسخ به ضرورت‌ها، احساس کردم جای چنین مباحثی در این زمینه خالی است. بنابراین مقالات و کتاب‌های زیادی در حوزه نظریات جدید علم شناختی داریم که از مفهوم پارادایم استفاده کرده‌اند و در این آثار نقش محوری دارد. اما در جامعه علمی خودمان بازتاب چندانی ندارد. در واقع به آن شکل لازم دیده نمی‌شود یا این تحولات جدید در حوزه علم‌شناسی آن گونه که باید مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

مقالات چه کسانی در این کتاب آمده است؟ این گروه آیا در حوزه پارادایم‌های علمی کار کرده‌اند و صاحب تالیفند یا تدریس کرده‌اند؟

چند مقاله از این کتاب نوشته خود من است. بقیه هم مقالاتی است که به طور خاص راجع به نظریه پارادایم‌های علمی نوشته شده‌اند. آن هم توسط علم‌شناسان فیلسوف معاصر. بنابراین کاری که در این سطح تخصصی قرار دارد، یک کار پژوهشی است. شما چه تعریفی از فلسفه علم دارید؟ و وقتی به چیستی علم می‌پردازید از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنید؟

آن گونه که من می‌بینم، نوعاً برای فلسفه علم، فلسفه سیاست، یا فلسفه علوم اجتماعی نمی‌توان یک تعریف جامع افراد و مانع اغیار داد. بلکه برای خود فلسفه هم ارائه چنین تعریف دقیقی که چارچوب منطقی حوزه کار را مشخص کند، غیرممکن است. در واقع اگر کسی مقداری کار فلسفه‌شناسی کرده باشد، یعنی از یک منظر فوقانی درباره حوزه‌ای به نام معرفت‌شناسی کار بکند، به سرعت متوجه می‌شود که نه تنها نمی‌توانیم برای فلسفه علم، فلسفه علوم اجتماعی و فلسفه دین، فلسفه تاریخ، یک تعریف جامع افراد و مانع اغیار بدهیم، بلکه راجع به خود فلسفه هم نمی‌توانیم. هر فیلسوف نوآور، غیرمقلد، مستقل و اندیشمند و حاصل خیز و ثمربخشی را نگاه کنیم، تلقی‌های بسیار متفاوت و در خیلی از موارد متعارض از فلسفه دارد که اساساً ارائه تعریف از این علوم به نوعی متنی است.

فلسفه علم از چه زمانی در جامعه ما مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است؟

به نظر من هم این گونه است. البته حق این است که در زمینه ادبیات باید یک ادیب، یک پژوهشگر و منتقد اظهار نظر بکند و من نباید به خودم این اجازه را بدهم که نظر خودم را تعمیم یافته تلقی کنم. اما همین اندازه که از دور می بینم و می شنوم، به نظر می آید ما در زمینه ادبیات معاصر هم تا حدود بسیار زیادی تحت تاثیر غرب هستیم. ما وقتی به بررسی ادبیات نوین و مدرن می رسیم، باز به عنوان مصرف کننده شناخته می شویم. شما درصد آثار ترجمه شده در حوزه ادبیات را با آثار تالیفی مقایسه کنید آن وقت متوجه می شوید که ما بیشتر مصرف کننده ایم.

در زمینه معرفت شناسی اجتماعی هم بفرمایید چه نظرانی در کتاب خود مطرح کرده اید و تعریفی که در جامعه ما از معرفت شناسی ارائه می شود چه نظری دارید؟

در جامعه علمی ما شناخت چندانی از معرفت شناسی اجتماعی به عنوان یک شاخه جدید از علوم اجتماعی وجود ندارد. اگر به متخصصان و اندیشمندان این حوزه مراجعه شود و از آنان بخواهیم که تالیفی خود را از معرفت شناسی اجتماعی بیان کنند گمان می کنم بیشترین پاسخ این باشد: «شناختی از این مقوله ندارم!» و اغلب نمی دانند که ما راجع به چه چیزی حرف می زنیم.

اما اگر بخواهیم راجع به کتاب «معرفت شناسی اجتماعی» صحبت کنیم، شاید صحیح تر آن باشد که دیگران درباره اش نظر بدهند. به هر حال تالیف این کتاب سال ها طول کشیده و من مدت ها وقت و انرژی ام را صرف تحقیق و پژوهش در این زمینه کرده ام و به هر حال بخشی از تلاش ها و نظراتم در این کتاب منعکس شده است. حالا آن نظرانی که در این کتاب به صورت پرورش یافته انعکاس پیدا کرده، چقدر مستدل و قابل دفاع و چقدر قابل قبول است، درست تر آن است که من اظهار نظر نکنم. بلکه دیگران نظرات را مورد ارزیابی قرار دهند. آنهایی که زحمت مطالعه و بررسی مطالب این کتاب را به خودشان داده اند، این حق را دارند که دیدگاه های خود را در این زمینه ارائه دهند.

ضروری است در مورد ساختار این کتاب، شیوه فصل بندی آن و موضوعات و مباحث مطرح شده در آن توضیحات شما را بدانیم.

معرفت شناسی اجتماعی عبارت است از این که به جای معرفت شناسی به آن معنای سنتی و فلسفی اش و راجع به این که آیا معرفت امکان دارد؟ و اگر وجود دارد تعریف آن چیست؟ توجیه معرفت چگونه صورت می گیرد، به جای این بحث های فلسفی مجرد و انتزاعی، به معرفت شناسی اجتماعی که برگرفته از فضای فکری جامعه و افراد حاضر در آن جامعه است، می پردازد. معرفت شناسی اجتماعی که حوزه بسیار بسیار جدیدی است و سابقه آن را باید از دهه هشتاد به این سو جست و جو کرد و کتاب ها و مجلات تخصصی فراوانی هم به همین نام منتشر شده است، سابقه چندان طولانی معرفتی ندارد. یعنی ما حوزه ای به نام معرفت شناسی اجتماعی سنتاً و سابقاً نداشته ایم و تنها بعد از نقادی های بسیار زیادی که به نظریه پردازی های فلسفی صورت گرفته و گفته شد که ما به جای این که راجع به معرفت از موضع فلسفی حرف بزنیم، باید معرفت را به شکلی با جامعه مرتبط کنیم، چرا که معرفت خواه علمی خواه غیر علمی، ارتباطاتی با جامعه دارند و تاثیر گذارند. یعنی دانشمندان و عالمان طبیعی که این نظریه پردازی ها را درمی اندازند مانند ماکس پلانک و هایزنبرگ و نیوتون و گالیله و مکسول و مایکل فارادی و امثالهم در واقع به شکلی از فرهنگ و زمینه و بسترهای اجتماعی که در آن زیست می کردند متاثر بودند و این نظرات را ارائه دادند. بنابراین نظریه های علمی و معرفت علمی ربط خاصی با جامعه و افراد آن دارد و گونه تعیین یافته جامعه و اجتماعی است که آن نظریه پرداز در آن زندگی می کرده و از فرهنگ، بینش ها و ارزش های جامعه بارور و بهره مند شده است و باتوجه به این بهره مندی است که نظریه های بدیع و تازه خود را ارائه می دهد.

معرفت ارتباط وثیقی با بستر جامعه و زمینه های اجتماعی آن دارد و در واقع سعی کرده ام استدلال های فلسفی شان را برای پاسخ به این پرسش ها تبیین کنم و ثانیاً مورد نقادی قرار دهم و ثالثاً سعی کردم راه را برای پژوهش های بعدی هموار کنم. یعنی اگر فلان مکتب در حوزه معرفت شناسی اجتماعی تا فلان مسیر را پیموده و این ضعف ها را هم داشته و نقدهایش هم قابل طرح و بحث است، از این مسیر به بعد چه راهی را باید چگونه ادامه بدهیم و چه طرح های دیگری می توان عرضه کرد؟ و با کدام مکتب پیش رفت؟

چه کسانی واضعان نظریه معرفت شناسی اجتماعی بودند و شما دیدگاه های کدام یک را بیشتر می پسندید؟

واقعیت این است که موضوع پذیرش یک مکتب و یا یک دیدگاه در زمینه معرفت شناسی اجتماعی، کمی پیچیده است. چون به نظر نمی آید که من مواضع یک فیلسوف خاص و یا یک مکتب مشخص را در این زمینه قبول داشته باشم. بنابراین در پاسخ شما می توانم بگویم که مکاتب و فیلسوفان فراوانی هستند که در این زمینه مطرح و قلم می زنند و نظریه پردازی می کنند. من نیز برخی از آراء این فیلسوفان و نظریه پردازان را قبول دارم و بر برخی از آراء آنان انتقاد دارم و گاهی معترضم. بنابراین به یک معنا می توان این گونه نظر داد که دیدگاه هیچ کس را درست قبول ندارم. ممکن است با یک فیلسوف در سه - چهار نظریه هم رأی باشم و با همان فیلسوف در آراء دیگرش مخالف باشم. در مواردی ممکن است ۸۰ درصد از نظرات یک فیلسوف را نپذیرم.

در ایران کدام مکتب در زمینه معرفت شناسی اجتماعی رواج و رونق بیشتری دارد، جریان ساز است و هوخواهان و پیروان افزون تری دارد؟

اگر بخواهم خیلی صادقانه پاسخ پرسش شما را بدهم، به نظر نمی رسد معرفت شناسی اجتماعی غربی به منزله حوزه ای از فلسفه قرن هفدهم که خیلی موکدتر و مشخص تر و مدون تر شکل گرفته، در جامعه ایران خیلی مطرح شده باشد. آنچه که بیشتر مورد توجه است همان چیزی است که در سنت فلسفه اسلامی وجود داشت و امروز هم به شکلی استمرار خودش را تداوم بخشیده. به نظر من این نگرش ها یعنی معرفت شناسی که از فلسفه اسلامی قابل استنتاج است، بیشتر در بین محافل خاص اسلامی نفوذ دارد. اما در حوزه فلسفه غرب اگر بخواهیم این تمایز را بپذیریم و قائل به این مسئله باشیم که فیلسوفان ما یا فیلسوفان اسلامی هستند یا فیلسوفانی اند که در حوزه فلسفه غرب کار می کنند آن وقت به نظر نمی آید در حوزه فلسفه غرب، معرفت شناسی به عنوان یکی از شاخه های فلسفه مورد توجه قرار گرفته باشد و مطرح شده باشد. تا آن وقت بتوانیم صحبت از این بکنیم که کدام مکتب و کدام فیلسوف در زمینه معرفت شناسی اجتماعی در جامعه ایران نفوذ بیشتر و پیروان زیادتری دارد. در واقع پاسخ روشنی نمی توان به پرسش شما داد. به این معنا که اساساً مکاتب مختلف معرفت شناسی اجتماعی غربی و معاصر در ایران آن قدر مطرح نشده اند که ما بتوانیم مثلاً از میان پنج مکتب بزرگ معرفت شناسی بگویم فلان مکتب بیشترین نفوذ و سيطرة را در ایران دارد.

من در کتاب خود هم تبعیت از مکتب خاصی را مدنظر قرار نداده ام. اما مکتب معرفت شناسی اجتماعی ادین براون که مواضع فلسفی اش را طرح و نقادی کردم می توانم بگویم خیلی متاثر از ویتگنشتاین و تامس کنت است.

اما اگر بخواهم بگویم خودم از فلان فیلسوف متاثر هستم، برای من دشوار است. چون به هر حال وقتی آراء فیلسوفان مختلف را مورد مطالعه قرار می دهیم، ممکن است به برخی از آنان علاقه مندی بیشتری داشته باشیم، در حالی که ممکن است انتقاداتی هم نسبت به برخی از مواضع و آراء او داشته باشیم. به هر صورت من آن حالت انقیاد به یک مکتب و فلسفه خاص و مقید بودن بر فیلسوف مشخصی را در خود احساس نمی کنم و نمی توانم نام یک مکتب و یک فیلسوف خاص را ببرم.

گزارشی از کتاب «نقش جهانی شدن و رسانه ها در هویت فرهنگی»

انتخاب راه سوم

نقش جهانی شدن و رسانه ها در هویت فرهنگی، دکتر رحمان سعیدی، دکتر علی اصغر کیا، انتشارات خجسته، چاپ اول، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۱۵۰۰ تومان



محمدرضا بهاری: آن روزی که مارشال مک لوهان از اهمیت رسانه ها گفت و پیش بینی کرد که جهان به واسطه عملکرد رسانه ای، بدل به دهکده ای کوچک می شود، شاید کمتر کسی حرف او را جدی گرفت، با این همه گذشت زمان حوادث را چنان رقم زد که پیش بینی وی، خیلی زودتر از آنچه که تصور می شد به تحقق پیوست. پیشرفت های فناوری طی سال های گذشته - بخوانید چند دهه گذشته - چنان موقعیتی را ایجاد کرد که تصاویر، چه در قاب عکس و چه در قالب تصاویر متحرک به سرعت از هر جای دنیا به نقاط دیگری از این کره خاکی ارسال پذیر شد. این پیشرفت ها سبب شد که نقش رسانه و قدرت آن بر بسیاری روشن شود، چنانچه به گفته ژان بودریار، اندیشمند فرانسوی، جنگ خلیج فارس محصول واقعیتی بود که سیاست های کاخ سفید و پنتاگون آن را رقم زده بود.

سیاستمداران آمریکا در طول دو جنگی که با عراق راه انداختند، همواره به رسانه ها توجه ویژه ای داشتند از همین رو، ارسال هر خبری می بایست با هماهنگی پنتاگون صورت می پذیرفت اما بسیاری از تصاویر جنگ عراق و فجایع نظامیان آمریکایی از سيطرة پنتاگون خارج شد و رسوایی های بسیاری را برای جورج بوش به همراه آورد. اینها بخشی از قدرتی است که رسانه می تواند در جهان ایفا کند. کتاب «نقش جهانی شدن و رسانه ها در هویت فرهنگی» را باید آغاز کننده بحثی دانست که به این مبحث با اهمیت می پردازد؛ بحثی که ارتباط مستقیمی با بسیاری از جنبه های زندگی معاصر از جمله فرهنگ دارد. چنانچه مولفان این کتاب، دکتر رحمان سعیدی و دکتر علی اصغر کیا در مقدمه کوتاه خود آورده اند، فرهنگ به عنوان شناسنامه یک ملت و هویت فرهنگی به عنوان سند تاریخی تلاش ها و خلاقیت ها، چیزی نیست که به سادگی به دست آمده باشد و حفظ هویت فرهنگی هر ملتی از طریق تعامل با سایر فرهنگ ها، دغدغه وطن دوستانی است که از آبشخور آن فرهنگ سیراب شده اند. مولفان سپس به تحولات شگفت انگیز فناوری اطلاعات و ارتباطات که در قالب عناوینی از قبیل عصر ارتباطات، انفجار اطلاعات و ظهور جامعه اطلاعاتی و مجازی بیان شده اشاره می کنند و می نویسند: «عصر حاضر با همه خصوصیاتش واقعیت انکارناپذیری است که می تواند سرنوشت مردم جهان را در زمینه های مختلف حیات اجتماعی به هم پیوند دهد و بحث جهانی شدن را به عنوان یک پدیده ویژه قرن بیست و یکم در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح سازد.»

پس از مقدمه و پیش از آن که فصل های ساختاری کتاب آغاز شود، مولفان به مفهوم جهانی شدن پرداخته اند، براساس آن، پس از جنگ جهانی دوم تقسیم بندی جهانی براساس نزدیکی یا دوری نسبت به ظهور عوامل توسعه در کشورهای مختلف روی داد.

در این تقسیم بندی برخی از کشورها عنوان پیشرفته یافتند و برخی دیگر در حال توسعه. در تمام مراحل یاد شده، حالتی از غرب محوری بر مسائل علوم انسانی و سیاسی و تقسیم بندی های آن چیره شده است و کشورهای غربی مانند اروپای غربی، آمریکا، کانادا و یا ژاپن به عنوان کشورهای توسعه یافته و جهان اول و الگوی سایر کشورها معرفی شدند. در ادامه این مبحث به چند دیدگاه درباره جهانی شدن اشاره می شود که به عنوان نمونه می توان به تعاریف مک گرو، توماس فریدمن و چند اندیشمند دیگر اشاره کرد.

مولفان مقوله اقتصاد را در فصل اول کتاب مورد توجه ویژه خود قرار داده اند. آنها ضمن بیان این نکته که ما در جهانی با اقتصاد بدون مرز هستیم می نویسند: «سُرشت نظام جهانی شدن را به روشن ترین شکل می توان در توسعه اقتصادی جهانی مشاهده کرد که شاهد تحولی از سرمایه داری سازمان یافته به سرمایه داری بی سازمان در مقیاسی جهانی بوده است.» جهانی شدن در بعد سیاسی، مبحثی است که مولفان آن را در فصل دوم کتابشان مورد تحلیل قرار می دهند. در این بخش نیز با بهره گیری از آرای چند اندیشمند، مسئله جهانی شدن سیاست مورد بررسی قرار گرفته می شود. مولفان درباره این مبحث از دیدگاه نوام چامسکی می نویسند: «دیدگاه متفاوت و متعارف نوام چامسکی حاکی از آن است که ایالات متحده آمریکا عملاً به عنوان یک ابرقدرت جهانی، اعتنایی به مقررات و قوانین بین المللی ندارد و در جایی از این قوانین، داد سخن می دهد که منافع وی تامین شود.» در پایان این بخش نتیجه گیری می شود که بنابر دیدگاه صاحب نظران، وجوه منفی جهانی شدن بیش از جنبه های مثبت آن است زیرا جهانی شدن را معادل آمریکایی شدن دنیا تلقی می کنند و آن را سبب استیلای قدرت برتر ایالات متحده و تامین منافع او در سطح جهان می دانند که در تعارض با منافع دیگر ملت هاست. در فصل سوم به جهانی شدن از بعد اجتماعی پرداخته می شود. در این مبحث به تعاملات اجتماعی و مناسبات دنیای معاصر پرداخته می شود که تعاملات اجتماعی در دل شبکه های جهانی صورت می گیرد و نهایتاً سبب تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان می شود. به طوری که مکان های دور از هم را چنان به هم مرتبط می سازد که اتفاقات هر محل با حوادثی که کیلومترها دورتر به وقوع می پیوندد ارتباط تنگاتنگ دارد. فصل چهارم نیز ارتباط بسیاری با این فصل دارد. این فصل به بررسی رسانه های حامل فناوری ارتباطات در قرن بیست و یکم می پردازد. مولفان در این فصل به اهمیت رسانه هایی همچون تلویزیون و رادیو می پردازند و نشان می دهند که این دو رسانه در کنار سایر رسانه ها نقش بسزایی در رسیدن به جهانی شدن ایفا می کنند. آنها نشان می دهند که تلویزیون چگونه به این نقش بیش از بقیه رسانه می پردازد.

در فصل پنجم به تاثیرات متقابل جهانی شدن و فناوری های نوین ارتباطات پرداخته می شود. آنچه در این فصل مورد بحث قرار می گیرد، سیر تحولی رسانه های جمعی و تاثیر فناوری بر ارتباطات و پروژه جهانی شدن است.

در آخرین فصل کتاب به راهکارهایی در زمینه آسیب های احتمالی جهانی شدن پرداخته شده است. مولفان در این فصل که «برای پیشگیری از آثار تخریبی احتمالی جهانی شدن در هویت فرهنگی چه باید کرد؟» نام دارد، به این مهم پرداخته اند. «بازسازی و نوسازی هویت فرهنگی»، «تکیه بر عقلانیت و فناوری»، «انتخاب راه سوم»، «سرمایه گذاری در منابع فرهنگی و فناوری اطلاعاتی» و «همکاری در برنامه ریزی دقیق محلی، ملی و بین المللی» از جمله میان عنوان های این فصل هستند که مولفان تحت عنوان آن به آسیب شناسی جهانی شدن پرداخته اند.



این هفته با شهریار جعفری، سراینده مجموعه «شاپرک، سنگ، درخت»

جست وجوی جهان مستقل در شعر

از سویی دیگر، علاقه من حوزه علوم انسانی است. البته اول با خواندن اشعار کلاسیک شروع کردم اما به مرور شاعرانی چون سهراب سپهری، اخوان ثالث و دیگران را شناختم و خودبه خود این حس خفته در من بیدار شد.

شما چند تا از شعرهایتان را به افراد مختلف تقدیم کرده اید و یکی از اشعار هم بدون نام بردن از دست اندرکاران، به یک فیلم سینمایی تقدیم شده است. چرا؟

من طبق یک عادت ذهنی در حین برخورد با یک پدیده فقط خود آن پدیده را می بینم که اگر حاصل تلاش یک نفر یا چند نفر باشد به خودی خود تحسین پدیدآورندگان را هم در پی دارد. حقیقت این است که توجه نمی کنم «که می گوید» بلکه دوست دارم بدانم که «چه می گوید». باید بگویم این فیلم سینمایی یکی از همان پدیده هایی بود که در ذهن من ماند و سهم خودش را از ذهن من گرفت.

ظاهراً شما در نوازندگی یکی از سازهای سنتی هم دستی دارید.

بله، من ساز ضرب کار می کنم و البته تدریس هم می کنم.

از این حرفه هم در شعر استفاده می کنید؟
تلاش می کنم که ضرباهنگ موسیقایی همیشه در شعرهایم باشد و امیدوارم بتوانم به خوبی آن را با شعر تلفیق و ارائه کنم.



می زند. خودم در کتاب اولم زیاد به وجه روایتی فکر نکرده بودم اما حالا که شما هم اشاره کردید، دریافتم که ظاهراً روایت جزئی از پیکره شعر من است.

از چه زمانی شعر می گوید؟

شعر از دوران کودکی با من بوده و یادم می آید هر جا که بحثی در این زمینه بود، من شرکت می کردم.

خودشان را داشتند، چون در این صورت عالم ادبیات چهره دیگرگونه ای به خود می گرفت و کاملاً متحول می شد. البته شما به وجوه کودکانه هم در شعر هم توجه دارید.

بله، این حس خیلی در من قوی است تا جایی که روی جلد کتاب، عکس دوران کودکی خودم را گذاشته ام.

برای قالب شعرهایتان یک طرح از پیش تعیین شده دارید یا با یک کلمه یا تصویر یا جمله شروع می کنید؟

در واقع من اصلاً برای سرودن شعر اذیت نمی شوم. گفتن شعر نمی تواند قالب یا قاعده خاصی داشته باشد، یعنی این که می تواند با همه مواردی که گفتید ساخته و پرداخته شود و می تواند هیچ کدام از اینها نباشد و از مسیری دیگر وارد شود. یکی از نکات جالب توجه در شعرهای شما سرودن از زبان دیگران است. یعنی این که مانند یک راوی داستانی، خودتان را جای دیگری می گذارید و از زبان او حرف می زنید. این وجه روایتی بودن را چگونه تعریف می کنید؟

حالا که به عنصر روایت اشاره کردید اجازه بدهید بگویم در کتاب دیگری که زیر چاپ دارم کاملاً از عنصر روایت استفاده کرده ام. یعنی همان گونه که می گوید وجه روایت حرف اول را

شهریار جعفری متولد سال ۱۳۴۸ تهران و دارای درجه دکتری در رشته فلسفه است و از نکات جالب شعرهای اومی توان به مرور خاطرات گذشته اشاره کرد. با او درباره شعرهای این مجموعه گفت و گویی انجام داده ایم و چگونگی انتشار آن را جویا شده ایم.

آقای جعفری شما دانش آموخته رشته فلسفه هستید و در عین حال دستی هم در عالم شاعری دارید. برای ما بگویید که همان ذهنیات فلسفی رادر قالب شعر دنبال می کنید یا در پی تجربه های دیگر هستید؟ واقعیت این است که من وقتی می خواهم شعر بگویم فقط به شعر فکر می کنم و فراموش می کنم که چه کسی هستم یا در چه رشته ای تحصیل یا تدریس می کنم. می توانم جواب شما را این گونه بدهم که شعر برای من یک موضوع کاملاً مستقل است و من در این زمینه فقط به وجوه ادبی توجه می کنم و در پی اثبات یا رد هیچ مقوله ای نیستم. در فضاهای شعری شما نوعی تمایل رجعت به گذشته وجود دارد. این نگاه به پشت سر ریشه در چه عواملی دارد؟

به گمان من شعر یادآور خاطرات گذشته شاعر است. همه ما به گونه های مختلف نیم نگاهی به گذشته خودمان داریم. من همواره فکر می کنم ای کاش همه مردم توانایی برون افکنی دنیای درون

شاخص های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۲۰۰۰ روال	زیرات خاکرو و دمای نوبل، نشر فرهنگساز چاپ ۱، ۲۲ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
گرمترین کتاب	۵۵۰۰۰ روال	آبون جهانی در یک روز، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۲۲۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۲۵ تریه	شیرهای پستانداری در دفاع از حیوان، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۲۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	سایا و حضرت از دیدگاه قرآن، مطبوعاتی برقی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۲۲۲ صفحه
کمترین شمارگان	۲۰۰۰ نسخه	آبواج - ۱۰۰ قرآن و حدیث، سالیانه تحلیلی و بررسی در آبواج پستانداری، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۲۲۰ صفحه، ۱۲۰۰ روال
بیشترین صفحه	۱۱۱۱ نسخه	نام کتاب: Oxford advanced learner's dictionary of current English نویسنده: A. S. Hornby نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۲۵۰ روال
کمترین صفحه	۱۲ نسخه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه، ۲۵۰ روال

شاخص های آماری کتابهای کمک آموزشی و کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۲۵۰۰ روال	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه
گرمترین کتاب	۱۰۰۰۰۰ روال	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۲۵۰ تریه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتابهای گفست
	مرد	زن	مرد	زن	
۳۰۷	۱۶۲	۱۴۳	۵۷۶	۰	۷

گزارش آماری هفته

گزارش آماری هفته از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی خانه کتاب* و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۳۸۶/۱۰/۱۸ تا چهارشنبه ۱۳۸۶/۱۰/۲۲ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزشی و کمک درسی و سپس دین بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عمومی، ادبیات، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

شاخص های آماری موضوعی کتابهای منتشر شده در هفته گذشته

رشته	عنوان	نوع	تعداد کل	تاریخ	روز	نوع	تعداد	نوع	تعداد
۱	ادبیات	۱۲	۱۱	۳	۴	۱۰	۲	۲۲	۱۳۵
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۹	۱۴	۱۶	۱۶	۱۴	۱۴	۲۲۸	۲۶۷
۳	دین	۱۸۵	۱۰۹	۳۴	۵۹	۳۲	۲۲	۲۲۲	۲۲۲
۴	علوم اجتماعی	۵۲	۲۲	۳۰	۵۶	۳۰	۲۶	۲۲۲	۲۲۱
۵	زبان	۹۸	۵۶	۲	۱۲	۴	۱۴	۲۲۸	۲۲۲
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۹	۱۴	۵	۹	۵	۱۴	۲۲۷	۲۲۸
۷	علوم عمومی	۱۳۳	۷۱	۲۲	۵۰	۲۲	۲۲	۱۷۸	۲۲۸
۸	هنر	۳۹	۱۵	۱۲	۱۴	۱۶	۱۴	۲۲۱	۱۵۵
۹	ادبیات	۴۲	۳۵	۲۲	۲۲	۳۵	۲۲	۲۲۲	۲۲۲
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۰	۳۵	۱۲	۱۴	۱۴	۱۴	۲۲۲	۲۲۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۲۲۸	۲۲۸	۰	۵۴	۵۴	۵۴	۲۲۲	۲۲۲
۱۲	کودک و نوجوان	۴۱	۲۲	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۳۵	۳۵
	جمع بندی	۸۷۷	۴۵۵	۱۷۳	۳۲۰	۵۷۷	۳۲۰	۱۷۳	۲۵۷

* آگهی: به اساس آماری تالیف می شود که ترجمه باشد. آرای چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی "کتابهای آموزشی است که به نوعی یا مواد درسی و پرورشدهنده آموزشی تمام مطالب تخصصی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط است و مطالب آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۳۵۰۰ روال	حوانات بزرگ، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۲، ۲۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرمترین کتاب	۳۰۰۰۰ روال	آفاق از جنبه های پستانداری، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۲، ۲۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۱۴ تریه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۲، ۲۲ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	نگاهی به زندگی حضرت قطب مصطفی (ع) نظام ما، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۲۲، ۲۲ صفحه، ۲۲۰۰ روال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	تورنوی پنهان، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۴، ۱۴ صفحه، ۱۴۰۰۰ روال
بیشترین صفحه	۲۲۰۰۰ نسخه	آفاق از جنبه های پستانداری، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۲، ۲۲ صفحه، ۳۱۰۰۰ روال
کمترین صفحه	۱۲ نسخه	مجموعه آرمیهای آشنایی و روایتی، نشر آفاق پوهنگ چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰ روال



زمستان گرم کتاب

تنها به فاصله چند روز از آغاز سال میلادی، کتابفروشی های بزرگ اروپا با انتشار آمار فروش کتاب های خود، خبر از سود قابل توجه ناشی از فروش کتاب و محصولات فرهنگی دادند.

کتابفروشی های بارنز اند نوبل و آمازون با فروش نزدیک به ۱۰ میلیون جلد رکوردی جدید در فروش کتاب به ثبت رساندند در حالی که سایر انتشاراتی های عضو مجموعه فروش BooksForever نیز فروش قابل ملاحظه ای تجربه کردند. فروش اینترنتی کتاب در آغاز سال جاری میلادی به رقم قابل توجه ۲۷ میلیارد دلار بالغ شد که در مقایسه با سال های گذشته رشد ۲۰ درصدی را نشان می دهد. این در حالی است که به رغم تبلیغ بسیار زیاد برای فروش محصولات تفریحی، بازار کتاب همچنان رشد قابل ملاحظه ای را تجربه می کند.

اما خبر مهم دیگر هفته گذشته مقارن با آغاز سال جدید میلادی افتتاح ۳۰ کتابخانه اسلامی در مصر توسط وزارت اوقاف این کشور بود.

با افتتاح این کتابخانه ها که در شهرهای قاهره، اسیوط، اسکندریه، کفر شیخ و الشرقی دایر شده اند، تعداد کتابخانه های اسلامی مصر به ۷۰۰ باب رسید.

این کتابخانه ها به کتاب های دینی و کتاب های منتشر شده شورای عالی امور اسلامی و کتاب های منبع میراث اسلامی، دایرة المعارف های اختصاصی و آثار اندیشمندان اسلام مجهز هستند.

استقبال از شعر ایرانی در جهان عرب

بعد از برگزاری همایشهای مختلف و بزرگداشت مولانا در سراسر جهان، اخبار حاکی از گرایش ذائقه جهانی به دیگر شعرای کهن ایران است. علاقه مندی به حافظ در میان کتاب دوستان در کشورهای عربی به گونه ای است که به رغم وجود ترجمه های مختلف از آثار این شاعر ایرانی، عمر شبلی نویسنده و مترجم عربی، دیوان حافظ را برای ترجمه در دست گرفته است. این نویسنده و مترجم لبنانی که اخیراً دیوان حافظ را ترجمه کرده، مایل است ترجمه خود را ادامه دهد و بخش دوم این ترجمه را به چاپ برساند.

این در حالی است که استقبال کم سابقه از اشعار پروین اعتصامی، باعث انتشار چاپ دوم دیوان این شاعر معاصر ایرانی در کشورهای عرب زبان شده است.

سمیر ارشدی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه کویت که این اثر را ترجمه و منتشر کرده اظهار داشته که چاپ اول این کتاب با شمارگان ۵ هزار نسخه در نمایشگاه های کتاب قاهره، بیروت، تونس، خارطوم و دوحه، استقبال خوانندگان عرب زبان را در پی داشته و باعث شده یکی از مهم ترین مراکز نشر کتب فرهنگی و ادبی کویت چاپ دوم آن را در ابتدای سال ۲۰۰۸ میلادی به بازار عرضه کند.

معرفی برندگان جایزه کوستا

هیئت داوران جایزه کتاب کوستا برندگان سال ۲۰۰۷ خود را در بخش های مختلف اعلام کرد.

هیئت داوران پنج نفر را به عنوان برندگان پنج بخش معرفی کرد که در بخش رمان اول کاترین اوفلاین نویسنده ایرلندی الاصل با کتاب گمشده، در بخش کتاب کودک ان کلی با مرغ آلاچیق، در بخش رمان ای ال کندی طنزنویس اسکاتلندی با کتاب رُوز و در بخش شعر ژان اسپراکلند با کتاب تواتر به عنوان برنده نهایی در روز ۲۲ ژانویه (دوم بهمن ماه) معرفی می شوند.



قتل مترجم ایتالیایی هری پاتر

ادی وسکو مترجم ایتالیایی مجموعه هری پاتر به دست فرزندش به قتل رسید.

پسر ۱۸ ساله این مترجم پس از مشاجرات طولانی در نهایت با ضربه های چاقو مادر مترجمش را به قتل رساند.

فرزند این مترجم ۵۲ ساله رمان های هری پاتر پس از اقدام به این جنایت، خود را تسلیم پلیس کرد.

پلیس معتقد است این ماجرا به یک داستان ترسناک واقعی شباهت دارد؛ به گونه ای که پسر ادی وسکو پس از اخراج از دانشگاه با مادر خود به بحث و دعوا می پردازد و در نهایت اقدام به قتل مادرش می کند. او سپس درها را قفل کرده و راهی اداره پلیس شده است.

در گذشت مک دونالد فریزر

جورج مک دونالد فریزر خالق مجموعه داستان های تخیلی هفته گذشته در سن ۸۲ سالگی از دنیا رفت.

مک دونالد که بیشتر به خاطر نوشتن مجموعه داستان های تخیلی و تاریخی 'مرد نوری' (فلش من) معروف بود، در جنگ جهانی دوم شرکت کرد اما پس از جنگ به کار روزنامه نگاری مشغول شد و در روزنامه هرالدهرالد قلم زد و از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ به عنوان معاون سردبیر روزنامه فعالیت کرد.

نوشته های او شامل ۱۲ کتاب است که اولین آنها با عنوان 'مرد نوری' در سال ۱۹۶۹ و آخرین شان با عنوان 'مرد نوری در راهپیمایی' در سال ۲۰۰۵ منتشر شد.

او علاوه بر این مجموعه رمان هایی تاریخی و جنگی هم نوشته است. ژنرال در غروب و کلاهک های فلزی از دیگر داستان های مک دونالد به شمار می رود که بیشتر آنها به فیلم تبدیل شده است.

آرشیو نورمن میلر فقید همچنین حاوی ۴۰ هزار نامه از دوستان او مانند هاکسلی، کینگزبرگ و محمدعلی کلی است که وی این آرشیو را در سال ۲۰۰۵ به مبلغ ۵/۲ میلیون دلار به مرکز مطالعات دانشگاه تگزاس فروخته بود.

دو داستان کوتاه این نویسنده با عناوین 'ماجراهای باب و پل' و 'هجوم مارتین' که در سنین نوجوانی آنها را نوشته بود در بین این اسناد دیده می شود. میلر - روزنامه نگار و داستان نویس - دارای بیش از ۴۰ کتاب بود که برخی از آنها به فیلم هم برگردانده شده اند. این نویسنده دو ماه پیش در سن ۸۴ سالگی در گذشت.

پنگوئن در مسیر دادگاهی دیگر

چاک نوریس بازیگر فیلم های اکشن از انتشارات پنگوئن به خاطر محتوای کتابی به نام 'حقایقی درباره چاک نوریس' شکایت کرد.

نوریس با ارائه دادخواست به دادگاه، خواستار جمع آوری این کتاب از بازار نشر شده است. چرا که محتویات این کتاب برخلاف آنچه که به او اطلاع داده شده است تنظیم شده است. بنا به ادعای این بازیگر، نویسنده این کتاب یان اسپکتور، ادعا کرده که تصویر مثبتی از او ارائه کرده اما او معتقد است با چاپ این کتاب شخصیت او زیر سوال رفته و او به عنوان فردی سنگدل و بی اعتنا به قانون معرفی شده است. به ادعای وی، بر مبنای محتویات این کتاب، او متمایل به گرایش های نژادپرستانه با رفتاری ناخوشایند و غیرمؤدبانه تصویر شده است. در این دادخواست، همچنین نوریس ادعا کرده که هرگز به پنگوئن اجازه نداده است تا از نام او چنین استفاده ای بشود و چنین کتابی را به قصد بهره برداری تجاری روانه بازار کند. به همین دلیل او خواستار دریافت غرامت شده و تقاضا کرده که تمام نسخه های توزیع شده از بازار کتاب جمع آوری شوند.

جایزه کتاب کوستا که پیشتر به جایزه وایت برد موسوم بود به ارزش ۵ هزار دلار برای برندگان هر بخش و ۲۵ هزار دلار برای یک برنده نهایی از جوایز معتبر انگلیس به شمار می آید که به نویسندگان انگلیسی و ایرلندی اعطا می شود. این جایزه در سال ۱۹۷۱ میلادی تاسیس شد.

۳۶ میلیون یورو برای ادبیات

مرکز ملی کتاب فرانسه تصمیم گرفته است با هزینه بسیار زیاد فعالیت های خود را در زمینه توسعه ادبیات و فرهنگ فرانسه در سال ۲۰۰۸ گسترش دهد.

این مرکز در صدد است تا برای بهبود وضعیت کتاب های فرانسوی در سراسر جهان و ترجمه آثار خود به دیگر زبان ها اقدامات ویژه ای انجام دهد. این اقدامات که بودجه ویژه ای برای آن در نظر گرفته شده، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی باید در حد قابل قبولی باشد چرا که تولیدات سال گذشته رضایت بخش نبوده است. در سال ۲۰۰۶ مبلغ ۲۱ میلیون یورو برای ۴۳۰ نویسنده، ۳۷۲ ناشر، ۱۰۸ کتابخانه و ... بابت ترویج و گسترش آثار فرانسوی از سوی این مرکز هزینه شده است در حالی که در سال ۲۰۰۸ این مبلغ به ۳۶ میلیون یورو افزایش داده شده است.

مرکز ملی کتاب فرانسه یک سازمان دولتی و وابسته به وزارت فرهنگ این کشور است که فعالیت های آن در حوزه کتابخانه ها، نویسندگان، مترجمان و ناشران تعریف می شود.

نمایش کتابخانه میلر

آرشیو کتاب ها و دیگر آثار متعلق به نورمن میلر نویسنده صاحب نام آمریکایی هفته گذشته در دانشگاه تگزاس به نمایش گذاشته شد.

مرکز پژوهش های علوم انسانی دانشگاه تگزاس بیش از هزار دستنوشته، نامه، عکس و مجله متعلق به نورمن میلر را در معرض دید عموم قرار داد.



روایت اول شخص

در رثای بانوی دو عالم

افشین علاء؛ شاعر و نویسنده کودک و نوجوان

چندی است که یک منظومه بلند در قالب چهارپاره به نشر سوره مهر داده‌ام که هنوز از انتشار آن اطلاعی ندارم ولی تصور می‌کنم در آینده‌ای نه چندان دور این منظومه که عنوان «سببی از نور» را بر پیشانی دارد، روانه بازار شود.

این منظومه در اصل گویای زندگی و شهادت بزرگ بانوی اهل بیت عصمت و طهارت حضرت فاطمه زهرا(س) و روایتی است منظوم از زندگی ایشان و تاجایی که اطلاع دارم حجم این چهارپاره بلند باید حدود هشتاد یا یکصد صفحه باشد. البته باید عنوان کنم که مخاطب اصلی این چهارپاره نوجوانان هستند.

جز این، مشغول نوشتن یک رمان برای انتشارات مدرسه هستم که آن هم به زندگی حضرت فاطمه معصومه (س) می‌پردازد و قرار است در صورت سامان یافتن در کنار دیگر کارهای دوستانم، درباره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) منتشر شود. این رمان هنوز نام مشخصی ندارد و فعلا مراحل میانی نگارش را پشت سر می‌گذارد و تاجایی که اطلاع دارم در قطع پالتویی منتشر می‌شود.

موج نو به روایت دیگران

قاسم روبین؛ مترجم

پس از انتشار یک جزوه درباره فرانسوا پومپون (مجمسه ساز برجسته فرانسوی) و معرفی آثارش، چندی است که درگیر گردآوری و ترجمه برخی از مقالات مجله «کایه دو سینما» درباره سینمای موج نوی فرانسه در دهه هفتاد شده‌ام. البته این مقالات فقط مختص کایه دو سینما نیستند و سعی شده تا علاوه بر این مقالات، از نقدها و مقالات دیگر کتاب‌های مطرح در دهه هفتاد فرانسه نیز آثاری انتخاب و به فارسی ترجمه شوند.

برگردان این مجموعه مقالات به نوعی در ادامه همان تلاش است که بیشتر در کتاب «موجی نوی سینمای فرانسه» با برگردان من به سامان رسید و می‌توان گفت که اثر حاضر نیز مجلد دوم همان کتاب است. علاوه بر این مشغول ترجمه برخی مقالات درباره سینمای دهه هفتاد فرانسه و علی‌الخصوص دوران میانسالی

ژان لوک گدار و سینمای خاص او هستم تا یک اثر درباره اندیشه، تاثیر و نقش او در سینمای موج نوی فرانسه فراهم شود.

غیر از این دو کتابی که عرض شد، چند کتاب دیگر هم ترجمه کرده و مشغول بازبینی نهایی آنها هستم. تنها به این نکته بسنده می‌کنم که یکی از این کارها رمانی است از مارگریت دوراس داستان نویسی فقیده و معاصر فرانسوی.

دستمایه های نقد

دکتر اصغر واعظی؛ مترجم و مدرس فلسفه

چندی است که برگردان کتاب «فلسفه نقادی» تألیف ژیل دلوز فیلسوف فرانسوی را به نشر نی سپرده‌ام و تصور می‌کنم در آینده‌ای نه چندان دور شاهد انتشار این کتاب باشیم. این کتاب سومین اثر ژیل دلوز است که اولین بار در سال ۱۹۶۳ در چهارچوب بخشی از سلسله پیش درآمدهایی که نشر دانشگاهی فرانسه درباره فلاسفه منتشر کرد، به چاپ رسید.

دلوز در این کتاب همت خود را به تبیین بنیان‌های فکری کانت معطوف می‌دارد. او از یک سو دستمایه اصلی هر سه نقد را خلاصه کرده و از سوی دیگر روایتی روشن و اصیل از رابطه آنها با یکدیگر ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که

چگونه مشکلاتی که در دو نقد اول مطرح می‌شود توسط کانت تصدیق و در نقد سوم به آنها پرداخته می‌شود.

جهان کودکی شهریار

جعفر ابراهیمی؛ شاعر و داستان نویس

«نویسنده و جادوگر» عنوان کتابی است که در آن به موضوع ظلم‌های حکومت شاهنشاهی پرداخته‌ام. این رمان طنزآمیز که برای نوجوانان نوشته شده، داستان دانشجویی است که در جریان نوشتن پایان‌نامه خود - که در مورد ظلم‌های شاهنشاهی است - در دوران حوادث و اتفاقاتی گرفتار می‌شود. مشکلات و گرفتاری‌های زندگی‌ام مانع از این شد که پانویس کتاب «نویسنده و جادوگر» را در زمان مقرر به پایان برسانم، اما فکر می‌کنم تا دو ماه دیگر این رمان ۳۰۰ صفحه‌ای را به چاپ بسپارم.

همچنین کتاب «حیدربابایه سلام» شهریار را پس از سه سال تلاش به فارسی ترجمه کرده‌ام که آن هم آماده چاپ است. در گذشته وقتی این کتاب را می‌خواندم بسیار علاقه مند بودم که آن را ترجمه کنم و فکر می‌کردم بهترین کسی که می‌تواند آن را ترجمه کند یک شاعر کودک و نوجوان است. زیرا شهریار در «حیدربابایه سلام» به دنیای کودکی خودش نظر دارد و حس و حال آن دوران خود بیان می‌کند. تاکنون ترجمه‌های مختلفی

به نثر و شعر از این کتاب به وجود آمده است اما کتاب‌هایی که به نثر ترجمه شده است احساس برانگیز نیست و غلط‌هایی نیز دارد و نیز کتاب‌هایی که «حیدربابایه سلام» را به شعر ترجمه کرده‌اند، در برگردان برخی از مفاهیم به غلط رفته‌اند. همچنین در کتاب شهریار اصطلاحاتی وجود دارد که متعلق به گذشته است و تا حدودی فراموش شده‌اند که من برای فهمیدن درست آنها به افراد مسن مراجعه و با آنها صحبت کرده‌ام. زیرا این اصطلاحات هم معنی ظاهری و هم معنی اصلی و پنهانی دارند. در واقع من در این کتاب سعی کرده‌ام احساسات شهریار را تا حد امکان منتقل کنم، علاوه بر این در ادامه انتشار مجموعه کتاب‌های «قصه‌هایی از مثنوی» که برای کودکان می‌نوشتم، جلد چهارم آن را آماده و به چاپ سپرده‌ام و قصد دارم این مجموعه را به ۱۲ جلد برسانم.

همچنین قصد دارم نگارش جلد پنجم «قصه‌های شیرین مثنوی» را که برای نوجوانان منتشر می‌شود آغاز کنم.

تصویرگری بر بوم پژوهش

حمیدرضا بیدقی؛ تصویرگر

به تازگی یک مجموعه چهار جلدی از قصه‌های مربوط به ائمه (ع) را تصویرگری کرده‌ام. ناشر این مجموعه انتشارات محراب قلم و یکی از نویسندگان آن محمود پوروهاب است.

همچنین دو کتاب دیگر از همین ناشر در دست انتشار است که در ارتباط با پوشاک اقوام مختلف ایرانی از روزگار باستان تا به امروز است.

این مجموعه به شکل دایره‌المعارف است و سارا خونی گردآورنده آن بوده است. من نیز تلاش کرده‌ام تا با پژوهش در دوره‌های مختلف تاریخی پوشاک اقوام مختلف را شناخته تا آنچه برای بچه‌ها تصویر می‌کنم مستند باشد.

در عین حال این مجموعه ۲۶ جلد را دربرمی‌گیرد. کتاب دیگری نیز از محمدنوری زاد با نام «داستان سیاوش» تصویرگری کرده‌ام که آن هم به زودی منتشر می‌شود.

گزینه‌های راهبردی

محمد درودیان؛ پژوهشگر

چندی است که انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ پنجمین و آخرین جلد از مجموعه نقد و بررسی پرسش‌های جنگ با عنوان «گزینه‌های راهبردی در جنگ» را روانه بازار کرده است. همان‌طور که از عنوان این کتاب پیداست، من در آن سعی کرده‌ام که گزینه‌های پیش روی ایران در زمان وقوع، ادامه و پایان جنگ تحمیلی را بررسی کنم. در فصل اول کتاب در یک مبحث نظری چگونگی شکل‌گیری تهدید و تبدیل آن به بحران مطرح کرده‌ام و در فصل‌های دوم، سوم و چهارم کتاب وقوع، ادامه و پایان جنگ

تحمیلی را شرح و گزینه‌هایی را که پیش روی کشورمان قرار داشت بررسی کرده‌ام.

در فصل پنجم کتاب نیز بحران‌هایی را که پس از جنگ تحمیلی در محیط امنیتی منطقه به وجود آمد بررسی کرده‌ام؛ بحران‌هایی مثل حمله عراق به کویت، ظهور طالبان و حمله آمریکا به عراق. چون این کتاب در امتداد سایر کارهای من بوده است، مباحثی که مربوط به توضیح رخدادها می‌شود، بسیار مختصر و در مقابل حجم بیشتر کتاب شامل تجزیه و تحلیل است.

در این کتاب از بیش از ۳۳۰ منبع استفاده کرده‌ام که گفت و گوهای اعتقادی، بررسی‌های کتابخانه‌ای، مشاهدات و اسناد بخشی از این منابع به شمار می‌آید.



اکبر اکسیر

افشین علاء

کانگوروها همه جا هستند

اکبر اکسیر؛ شاعر

بعد از انتخاب کتاب «زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند» که نامزد دریافت کتاب سال شد، به علت این که این کتاب در بازار کتاب نایاب شده بود، ناشر تصمیم به تجدید چاپ آن گرفت که بدون این که تغییر تازه‌ای در آن ایجاد کنم، آن را به چاپ دوم سپردم.

در ضمن از سوی انتشارات مروارید پیشنهاد شد که مجموعه سوم شعرهای «فرانو» را با نام «پسته لال، سکوت دندان شکن است» را در راستای شعرهای قبلی خود، چاپ کنم. این شعرها دارای طنزی ساده‌تر و فرم شعرها نیز روان‌تر شده است و از پیچیدگی آن نسبت به اشعار قبلی‌ام کاسته شده است.

این مجموعه حاوی ۶۴ شعر کوتاه، یک مقاله و یک مصاحبه در پایان کتاب است که اکنون پس از مراحل آماده‌سازی در مرحله چاپ قرار گرفته است. این شعرها برگرفته از کتاب «بفرمایید بنشینید صندلی عزیز» است که در قالب همان شعر فرانو است. در این آثار به گونه‌ای پرداخته‌ام که دارای آغاز و پایانی غیرمترقبه و دارای طنز نهان و جزئی‌نگر است و اصلاً به مسائل ذهنی نمی‌پردازد و محتوای آن درباره موضوعات عینی چون زندگی، مشکلات انسان امروز، میراث فرهنگی و محیط زیست است که تمام آنها طنزآلود نیستند. قصد دارم بعد از این مجموعه، یک کتاب شامل گزیده اشعارم با نام «کانگوروها همه جا هستند» را منتشر کنم که در حال حاضر در دست آماده‌سازی است.

روشنترین شب زمین

صابر امامی؛ پژوهشگر و شاعر

اولین کتابم در حوزه کودک و نوجوان با نام «اشک ستاره‌ها» به همراه نقاشی و تصویرگری به زودی چاپ می‌شود. این قصه در واقع یک داستان شاعرانه است که بین امام حسین (ع) و کودکان رخ می‌دهد. در این داستان ستاره‌هایی که از کودکی دوست امام بوده‌اند با هجرت امام (ع) از مدینه همراه او می‌روند تا این که وقتی شب عاشورا به آسمان می‌آیند امام را نمی‌یابند و از این رو نگران می‌شوند و به زمین کربلا می‌آیند و شب کربلا را روشن‌ترین شب زمین می‌کنند. این قصه را ستاره‌ها برای کودکان می‌گویند که امیدوارم امام حسین (ع) آن را قبول کند.

دومین کتاب این روزهایم مجموعه شعر «تو از کجا رسیده‌ای» است که با تغییرات و جایه‌جایی چند شعر به زودی منتشر می‌شود. در این کتاب تازه سعی کرده‌ام با جایه‌جایی چند غزل و شعر نیمایی، حال و هوایی تازه به کتاب بدهم. شعرهای سپید دارای زمینه‌های اجتماعی مانند مسائلی چون سوگواری حضرت امام خمینی (ره) و جبهه و داستان حضرت یوسف است. دو کتاب دیگر هم در دست چاپ دارم که با همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زودی منتشر خواهد شد با نام‌های «پرندگان اساطیر» که مجموعه اشعار قبلی و تازه من و در حدود سیصد صفحه است و داستان «روزهایی که داداش دوغ می‌فروخت» برای گروه سنی نوجوانان که آن هم حدود سیصد صفحه خواهد بود.